

## پرستش آگاهانه (ویراست دوم)

مؤلف: محمدرضا رضوان طلب

ناشر: ستاد اقامه نماز

نوبت چاپ: سیزدهم

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۸۸

چاپ: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

## طایعه

بسم الله الرحمن الرحيم

پلکان ترقی آدمی بر حضيض حیوانیت نهاده شده، تا او را به اوج مقام انسان و به دیگر سخن؛ فراتر از مرتبه‌ی فرشتگان، برنشانند. تا آن هنگام که بشر در عرصه‌ی مشترکات حیوانی هر چند شتابان گام بردارد، جز فروغلتیدن فزون‌تر در باتلاق حیوانیت، حاصلی برای او ندارد.

اکنون این پرسش مطرح است:

غیر مشترک بین انسان و حیوان چیست؟

پژوهندگان دانش و سوداگران علم و تحقیق به عنوان گزیدگان خیل انسانیت، پیش از دیگران باید این غیر مشترک‌ها را شناسایی کنند و در اندیشه‌ی دستیابی به قله‌ی بلند آن برآیند.

بی‌تردید، اندیشه و پرستش آگاهانه از برترین امتیازهای آدمی و وجه افتراق بین او و حیوان است. نماز، فرآیند اندیشه و تجسم پرستش اندیشه‌مندانه است. اندیشه در آغاز هستی و هستی بخش و رابطه‌ی او با انسان، وی را به ستایش رب العالمین فرامی‌خواند، تفکر در مورد واپسین راه این پیمایش، ما را به خضوع در بارگاه باری تعالی و راهبر نشأه دیگر می‌کشاند، تا تنها و تنها او را بستاییم و بر آستان بی‌نیازش، پیشانی بساییم.

[ صفحه ۱۲ ]

آری پژوهندگی انسانی، او را به ستایش و خضوع در پیشگاه معبود وامی‌دارد؛ چرا که «انما یخشی الله من عباده العلماء» [۱] و غفلت حیوانی، وی را از اشتغال والهانه در برابر الله؛ زیرا «اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون» [۲] پس چرا دانش پژوهان ما از ژرفای بی‌پایان اقیانوس معارف توحیدی و کهکشان عروج یکتاپرستان بی‌خبر باشند؟!

بر ما است نیل برگزیده را هر چه بیش‌تر با معارفی که راسخان در علم و شکافندگان دانش [۳] به یادگار مانده است مخصوصاً پایه‌ی معرفت دینی [۴] «نماز» آشنا سازیم.

به منظور انجام این تکلیف، جزوه‌ی حاضر در معرفی نماز برای دانشجویان عزیز و گرانقدر نوشته شد. امید است کاستی‌های آن با پیشنهادهای سازنده استادان محترم معارف اسلامی بر طرف، و به زیور قبول در پیشگاه حضرت احدیت، مزین گردد.

از آن جهت که الهام تدوین این مجموعه در شب ولادت دانشمندی از خاندان طهارت و تقوا - که در کودکی، تمام بزرگ دانشوران و مدعیان علم در عصر خود را متحیر ساخت - یعنی: حضرت جوادالائمه علیه السلام پدید آمد؛ لذا این نوشتار را به پیشگاه آن اختر به پادارنده‌ی نماز تقدیم می‌دارم.

[ صفحه ۱۳ ]

بی‌تردید، بهره‌ی معنوی استاد ارجمندی که انگیزه‌ی ارائه‌ی این اثر را ایجاد کرد، از نگارنده افزون‌تر است. از همکاری همه‌ی دوستان، دست اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز، نهاد محترم نمایندگی ولی معظم فقیه در دانشگاه‌ها، وزیران محترم فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر عزیزانی که در گنجاندن درس نماز، ضمن دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها سهیم بودند، بسی سپاسگذارم. خداوند، آنان را مشمول دعای سرور شهیدان: حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام قرار دهد که به یکی از اصحاب گران‌قدر خویش، که از نماز ظهر عاشورا در اول وقت: یاد کرد، فرمود: «جعلک الله من المصلین الذاکرین». هر چند این مهم، باید از سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی و در مقطع راهنمایی، شکل، و استمرار می‌یافت.

از یاد نمی‌بریم که تمامت این مواهب، ره‌آورد خون شهیدان والامقام، اثر انفاس قدسی و نمازهای نیمه شب امام خمینی رحمه الله علیه و رهین راهبری‌های خردمندانه‌ی مرجع جهان تشیع: حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای - مد ظله العالی - است؛ فریادگر بیداری که از سالیان، رنج خود را از ناآشنایی نسل نو با فرهنگ نماز، به مناسبت‌های گوناگون از جمله در: پیام‌های خود به اجلاس سالانه‌ی نماز ابراز فرمودند. به همین دلیل، پیام والای آن بزرگ پیامدار، به ششمین اجلاس نماز را - که «منشور نماز» نام گرفت - زینت بخش مقدمه‌ی چاپ دوم می‌سازم.

دکتر محمدرضا رضوان‌طلب

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

[ صفحه ۱۵ ]

[۱] فاطر / ۲۸.

[۲] اعراف / ۱۷۹.

[۳] اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۲. «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: نحن الراسخون فی العلم و نحن نعلم تأویله».

[۴] از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، امیرالمؤمنین و امام باقر - علیهما السلام - روایت شده است که: نماز، ستون و پایه دین است؛ فروع

کافی ج ۳، ص ۲۶۶، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۵، ص ۱۷ و بحارالانوار ج ۸۲، ص ۲۱۸.

## منشور نماز: (پیام مقام معظم رهبری به ششمین اجلاس سراسری نماز)

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال را سپاس می‌گوییم که دل‌های نورانی و پاکیزه‌ای را به کار نماز و ترویج و برپاداری آن، برانگیخته و شوق مجاهدت و تلاش مخلصانه در این راه را به آن‌ها بخشیده است. ثمره‌ی کوشش‌های هوشمندانه‌ی جمع شما در این چند سال، آن شده است که: نماز که مظهر کامل پرستش و نیایش و رازگویی و نیازجویی و عشق و ایمان به محبوب فطری عالم وجود است، پرتوی درخشان‌تر و حضوری برجسته‌تر در ذهن و عمل جامعه‌ی اسلامی ما یافته است.

اکنون بحمدالله در بسیاری از جاهایی که جماعت مردم در آن گرد می‌آیند و به ویژه مراکز گردآیی جوانان، مانند مدارس و دانشگاه‌ها و سربازخانه‌ها و بوستان‌ها و نیز دانشگاه‌های دولتی و راه‌ها و غیره «نماز»، حاضر و بارز و چشم و دلنواز است. نوشته‌ها و گفته‌های بسیاری در رسانه‌ها و در کتاب‌ها و درس‌ها و برنامه‌های هنری و تبلیغی به نماز می‌پردازد و ذهن‌ها و دل‌های کسان بی‌شماری را به این تکلیف شیرین و دلنشین متمایل می‌سازد و به گزاردن آن وامی‌دارد.

شک نباید کرد که این، راهی است به سوی کامیابی و توفیق در همه‌ی مهم‌های شخصی و اجتماعی؛ راهی است به سوی سعادت و فلاح و... «قد افلح المؤمنون، الذین هم فی صلاتهم خاشعون».

[ صفحه ۱۶ ]

چه افراد و جماعتی که با شناختن قدر و جایگاه ذکر و خشوع و انابه - که نماز، مظهر کامل آن است - و همراه کردن کار و ابتکار دنیایی با آن، به قله‌های تعالی و کمال رسیدند و چه بی‌خبران و کوتاه نظرانی که با غفلت از این راز بزرگ هستی، خود را از سعادت کامل محروم ساختند و چه در صورت تلاش و کار مادی و چه در صورت بیکارگی و تبلی، هر جا به گونه‌ای خود را در منجلا‌ب‌های محرومیت و ناکامی غرقه ساختند. انسان‌هایی که تلاش و مجاهدت در عرصه‌ی زندگی بشری را با یاد خدا و انس با او و عشق به او همراه می‌سازند، خوشبختی در معنای حقیقی آن را درمی‌یابند و آن را برای جسم و جان خود فراهم می‌کنند.

شما برادران و خواهرانی که به امر نماز، همت گماشته‌اید، از این دیدگاه، در تدارک بزرگ‌ترین خدمت به مردم و کشور خود هستید و بی‌گمان، ملت ما از معرفت به نماز و عمل به آن، بهره‌های بزرگ در همه‌ی عرصه‌های زندگی

خود خواهد برد. مسئولان محترم اقامه‌ی نماز، گزارش امیدبخشی از به کار بستن سفارش‌های قبلی درباره‌ی نماز داده‌اند. این جانب پس از سپاس از آنان و از همه‌ی بخش‌هایی که به آن سفارش‌ها جامه‌ی تحقق پوشانده‌اند، به همه‌ی دست‌اندرکاران این مهم و دیگر مدیران و مسئولان کشور توصیه می‌کنم که:

۱. برای تبیین ژرفای نماز و معرفی رازها و زیبایی‌های آن، دست به تلاش پیگیر و همه‌جانبه‌یی زده شود. در کتاب‌های معارف دانشگاه‌ها و کتب درسی دوره‌های پیش از دانشگاه و جزوه‌های کوچک و قابل فهم همه، سخنان نغز و پر مغز و مضمون‌های تازه‌ی فراوان در این باره وارد شود.

۲. احکام فقهی نماز به صورت آسان و روان منتشر شود و جزوه‌ها و نوارهای صوتی و تصویری مناسب برای فرستادن به میان ملت‌های دیگر، آماده گردد.

[ صفحه ۱۷ ]

۳. اذان از حنجره‌ی اشخاص خوش صدا در همه جا پخش شود و هیچ شهر و محله‌ای محروم از آهنگ اذان نماند.

۴. مساجد، به شکل شایسته، غبارروبی شود و خدمت به مسجد، کاری مردمی و همگانی شمرده شود.

۵. نماز صبح در مساجد اقامه شود.

۶. نمازهای جمعه در هر شهر با شرکت فرزندانگان و اصحاب معرفت در ستادهای آن، پربارتر گردد.

۷. مدیران دستگاه‌های اداری و دولتی، خود، متصدی اقامه‌ی نماز در آن دستگاه‌ها شوند.

۸. در سربازخانه‌ها، آموزش نماز و عمل به آن، جدی‌تر گرفته شود.

۹. در میان جاده‌های بیابانی، مسجد به قدر کافی ساخته شود و در شهرهای سر راه، در همه‌ی بیست و چهار ساعت، مسجد باز و آماده وجود داشته باشد.

۱۰. در شهرها و شهرک‌هایی که تازه ساخته می‌شود، مسجد جامع، نخستین بنا و مرکز حقیقی شهر، قرار گرفته و ساخته شود.

۱۱. در همه‌ی اجتماعات، با فرارسیدن وقت نماز، نماز به پاداشته شود و اجتماعاتی که به خاطر انبوهی آن، یا به هر جهت دیگر قادر به این کار نیستند، برنامه‌ی زمانبندی آن‌ها جوری تنظیم شود که با وقت نماز، تصادف پیدا نکند.

۱۲. و به طور خلاصه: وضع شهرها و روستاهای کشور را جوری کنید که هر کس که تازه وارد آن می‌شود، آن را محیط اهتمام به نماز و جایگاه اقامه آن بدانند. توفیقات همه‌ی شما را از خداوند خواستارم.

سید علی خامنه‌ای

۱۳۷۵ / ۶ / ۳۱

[ صفحه ۱۹ ]

## چرا نماز بخوانیم؟ (۱)

چند سال است نماز می‌خوانید؟

با چه هدفی این اعمال را هر روز تکرار می‌کنید؟

آیا می‌توانید ۳ هدف یا انگیزه‌ی خود را از این برنامه‌ی روزانه در جدول زیر بنویسید؟

جدول ۱. اهداف نمازگزاری

۱.

۲.

۳.

مفاهیم مورد نظر خود را، همچون: شکر، خضوع، کرنش، و.... - که در جدول اهداف نگاشته‌اید - به روشنی، در جدول زیر، تعریف کنید.

[ صفحه ۲۰ ]

ردیف - مفهوم - تعریف

۱.

۲.

۳.

۴.

گرچه نماز از منظر عاملان و ناظرانی فروان، تصویری جز یک عمل تعبدی و مورد هدف زاهدان و رهبان‌ها ندارد، که صرفاً برای نمایش خضوع و کرنش در بارگاه خالق، ایفای نقش می‌کند، اما بررسی آداب، شرایط، مضامین و هویت این عبادت بزرگ، ضمن تأیید تعبدی بودنش، آن را عاملی مهم برای اصلاح نفس انسان‌ها و کنترل نظام‌های عمومی جامعه برمی‌شمارد.

اصولاً هر عبادت و اطاعتی که انسان برحسب تکلیف به جا می‌آورد، با نظر به استغنائی ذات اقدس باری تعالی نمی‌تواند کم‌ترین سود و خیری را متوجه ذات خداوند گرداند، یا منشأ ارضای خواسته‌ای در مبدأ لایزال باشد، چنانکه اگر همه مردم نیز از اطاعت او سر باز زنند، هیچ شر و ضرری متوجه او نمی‌گردد:



گر جمله‌ی کاینات، کافر گردند

بر دامن کبریاش ننشیند گرد!

پس او از طاعت ما بهره‌ای نمی‌برد و به آن نیازی ندارد. عظمت مطلق است و همه‌ی عالم در برابر او سر تعظیم دارند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا خداوند، گونه‌هایی از خضوع و کرنش را بر انسان، واجب کرد؟ چرا انسان علاقه‌مند به دنیا و وابسته به آن را مأمور واگذاری بخشی از داشته‌های محدود خود به دیگران ساخت؟ با آن که

[ صفحه ۲۱ ]

می‌توانست از خزاین بی‌پایان خود، بینوایان را نیز روزی دهد. به راستی او از چنین الزام‌هایی چه هدفی را دنبال می‌کند؟!

شکر منعم و اطاعت از ولی نعمت، امری انسانی و اخلاقی است، بلکه حیوانات نیز متناسب با درک و شعور خود، از انجام این امر فروگذار نمی‌کنند.

اما آیا منعمی هم‌چون خداوند، که بی‌هیچ چشمداشتی، نعمت می‌دهد، به مانند انسانی است که با چشم امید عطا می‌کند و سپاس دیگران در روح او اثر تشویقی یا ارضائی دارد؟

هرگز! او پروردگار عزت است و از هر گونه نیاز و نقصی مبرا است: «سبحان ربك رب العزة عما يصفون» [۱] و اصولاً چنین مقایسه‌هایی در حق او روا نیست: «مالکم کیف تحکمون»؛ [۲].

بنابراین تکلیف، نشانه نیاز نیست، زیرا سود سپاس، به خود آدمی بازمی‌گردد: «و من یشکر فانما یشکر لنفسه» [۳]

اما نگرشی نه این گونه به نماز، آن را عملی دشوار می‌نماید و وارستگی از دنیا را هنگام اقامه‌ی نماز، مشکل می‌سازد: «و انها لکبیره الا علی الخاشعین» [۴].

آری نماز دشوار است، مگر برای کسانی که درک صحیحی از مقام ربوبی، بزرگی و بی‌نیازی خالق دارند. آن را باور کرده و می‌دانند صبر و صلات نوعی

نیروی کمکی برای نیل به مقاصد و تعالی خود آن‌ها است: «و استعینوا بالصبر و الصلوة» [۵] ، نه یاری پروردگار! «سبحانه و تعالی عما یقولون علوا کبیرا» [۶] .

با گشودن این زاویه‌ی جدید در نگرش به نماز و عبادات دیگر و امید آن که خداوند متعال، طعم این غذای سازنده‌ی روح را به ما بچشاند و پرهیز از تقصیر در نمازها را به ما الهام فرماید، به بررسی آثار و اسرار نماز می‌پردازیم. اما قبل از آن، جدول پاسخ‌های خود را بر اساس جواب‌های داده شده در متن، تصحیح کنید و ببینید از ۲۰ امتیاز، چند امتیاز به آن اختصاص می‌یابد؟!

اینک کارکرد نماز را در آیات و روایات اسلامی بررسی می‌کنیم.

[۱] صفات / ۱۸۰.

[۲] همان / ۱۵۴.

[۳] لقمان / ۱۲. آیاتی فراوان، انسان را به شکر نعمت‌های الهی فرامی‌خواند؛ همانند: و اشکروا لی و لا تکفرون (بقره / ۱۵۲) کلوا من طیبات مارزقناکم و اشکروا لله (همان / ۱۷۲) و اشکروا نعمه الله (نحل / ۱۱۴) و... اما هیچ کدام منافاتی با این آیه ندارد: «من شکر فانما یشکر لنفسه» (نساء / ۱۴۷) بلکه شکر درباره‌ی خدا، نمی‌تواند مفهومی جز این داشته باشد.

[۴] بقره / ۴۵.

[۵] بقره / ۴۵.

[۶] اسرا / ۴۳.

## تأمین نیاز درونی و روانی انسان

بدون شک، انسان، برای راهیابی به زندگی انسانی و حیات طیبه و گریز از توحش، همچنین تخلق به اخلاق و رهایی از یأس و افسردگی، به عاملی مهارکننده نیازمند است، که روح او را در کنترل و تسخیر خود قرار داده، پرهیز از انحراف و جنایت را بر او الزام، و روح تعاون و نوع دوستی، عاطفه و محبت را بر وی الهام کند و هنگامی که پژمرده و افسرده می‌گردد، آن را طراوت بخشد.

روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و کارشناسان تربیتی - جملگی - اتفاق نظر دارند که این نیرو از منبع اعتقاد دینی نشأت می‌گیرد.

روان شناس معروف امریکایی «هنری لنک» پس از تحقیقات گسترده‌ی بالینی، روی بیش از هفتاد و سه هزار انسان افسرده‌ی تبهکار، می‌گوید:

[ صفحه ۲۳ ]

«اینک به خوبی اهمیت اعتقاد دینی را در زندگی انسان درک می‌کنم و از میان تمام آزمایش‌ها، این نتیجه‌ی مهم را یافته‌ام، که هر کس به دین و باورهای مذهبی، گردن سپارد، یا با عبادتکده‌ای در ارتباط باشد، از شخصیت انسانی والاتری برخوردار است و در مقایسه با آن کس که ایمانی ندارد و با عبادتی در تماس نیست، کرامت خاصی دارد.» [۱].

دانشمندی روسی نیز می‌گوید:

«مشکل ما، حقانیت کاپیتالیسم یا کمونیسم نیست، بلکه باید درباره‌ی جانشینی یک فرهنگ بشری به جای فرهنگ مادی فکری کرد.» [۲].

یک مرکز بهداشت روانی در دانشگاه «سنت لویی» آمریکا کتابی را با عنوان «عوامل فراموش شده در بهداشت روانی» منتشر کرده است. در این کتاب، که مذهب را، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل بهداشت روحی، و حفظ سلامت جامعه برشمرده، می‌خوانیم:

«کسانی که هفته‌ای یک روز به کلیسا می‌روند، مشکلات روانی کمتری دارند.»

کارل گوستاو یونگ، روان شناس معروف سویسی می‌گوید:

«من صدها بیمار را معالجه کرده‌ام و از میان تمام بیمارانم، یکی پیدا نشد که مشکل روانی‌اش مربوط به پیدا کردن عقیده‌ی دینی به زندگی باشد. با اطمینان خاطر می‌گویم: هر یک از آن‌ها از آن جهت مریض شده بودند، که آنچه را مذاهب زنده‌ی هر عصر به پیروان خود عطا کرده‌اند، از دست داده بودند و آنان که عقیده‌ی مذهبی خود را باز نیافتند، واقعا درمان نشدند.» [۳].

[ صفحه ۲۴ ]

بنابراین: آنچه دنیای برخوردار از فن‌آوری و صنعت را رنج می‌دهد، خلأ روانی و نداشتن اطمینان روحی است. بیش از پنجاه درصد از تخت‌های بیمارستان‌های امریکا اختصاص به بیماران روانی دارد و بیش از هفتاد و پنج درصد از دانش‌آموزان دبیرستان‌های این کشور، مواد مخدر مصرف می‌کنند. [۴].

رهبران غرب و شرق در سال ۱۹۶۲ از نبودن عنصر دینی در هموطنانشان اظهار نگرانی و آینده‌ای نگران‌کننده را برای کشور خود پیش‌بینی کردند.

کندی می‌گوید:

«امریکا آینده‌ای دردناک پیدا خواهد کرد، چرا که جوانان، غرق شهواتند و حاضر نیستند وظایفی را که به آنان محول می‌گردد، به خوبی انجام دهند. از هر هفت جوان که به سربازی اعزام می‌شود، شش تن نالایق و سست از آب درمی‌آیند.»

خروشچف نیز در اعتراف‌های خود درباره‌ی نبودن عنصر دینی و پیامدهای آن می‌گوید:

«آینده‌ی شوروی در خطر است و جوانان هرگز آتیه‌ای امیدبخش ندارند؛ چه، بی‌بند و بار و اسیر شهوات گشته‌اند.» [۵].

استاد مطهری رحمه الله علیه می‌فرماید:

نهر، مردی است که از سنین جوانی لامذهب شده است. در اواخر عمر، تغییر حالی در او پیدا شده بود. خودش می‌گوید: «من، در روح خودم، خلأی را احساس می‌کنم، که هیچ چیز نمی‌تواند جای آن را پر کند، مگر یک معنویت!

[ صفحه ۲۵ ]

علت این اضطرابی که در جهان پیدا شده، آن است که نیروهای معنوی‌اش تضعیف شده و این بی‌تعادلی در جهان از همین رو است. الان در کشور اتحاد جماهیر شوروی، این ناراحتی به سختی وجود دارد. تا وقتی که این مردم گرسنه بودند و گرسنگی به ایشان اجازه نمی‌داد درباره‌ی چیز دیگری بیندیشند، یک سره در فکر تحصیل معاش و مبارزه بودند. بعد که یک زندگی عادی پیدا کردند، الان یک ناراحتی روحی در میان آنان پیدا شده است. در موقعی که از کار، بیکار می‌شوند، تازه اول مصیبت آن‌ها است که این ساعت فراغت و بیکاری را با چه چیز پر بکنند؟ بعد

می‌گوید: من گمان نمی‌کنم این‌ها بتوانند آن ساعات را جز با امور معنوی، با چیزی دیگر پر کنند. و این همان خلئی است که من دارم.

پس معلوم می‌شود واقعا انسان به عبادت و پرستش احتیاج دارد. امروز که در دنیا بیماری‌های روانی زیاد شده، بر اثر این است که مردم از عبادت و پرستش رو برگردانده‌اند. ما این را حساب نکرده بودیم، ولی بدانید هست. نماز، قطع نظر از هر چیزی، طبیب سرخانه است؛ یعنی اگر ورزش برای سلامت مفید، آب تصفیه شده برای هر خانه‌ای و هوای پاک و غذای سالم برای انسان لازم است، نماز هم برای سلامت انسان لازم است. شما نمی‌دانید اگر انسان در شبانه روز، ساعتی از وقت خودش را به راز و نیاز با پروردگار، اختصاص بدهد، چه قدر روحش را پاک می‌کند! عنصرهای مودی به وسیله‌ی نماز از روح انسان بیرون می‌روند.» [۶].

برای فرونشاندن تمام امواج خروشان نگرانی و اضطراب، قرآن کریم «ذکر خدا» را برترین داروی آرام بخش و شفا دهنده‌ی قلبها می‌خواند و «نماز» را مصداق برتر ذکر می‌داند. همه‌ی آشوب‌ها، تشویش‌ها، و ناآرامی‌ها، با استمرار یاد

[ صفحه ۲۶ ]

خدا در فواصل گوناگون شبانه روز، مهار می‌گردند. نهاد ناآرام، آرام می‌گیرد؛ طغیان هواها و هوس‌ها فرومی‌نشیند. قلب مأیوس، امید می‌یابد و هنوز آثار حاصل شده از این معدن فیض به کاستی نگراییده، که مؤذن، دیگر بار، بانگی دیگر سر می‌دهد و رمقی دوباره رقم می‌زند.

[۱] روح الصلاة فی الاسلام ۲۹؛ به نقل از: بازگشت به ایمان تألیف دکتر هنری لنک.

[۲] سیمای تمدن غرب / ص ۸۸.

[۳] انسان مدرن در جست و جوی معنا.

[۴] سخنرانی دکتر افروز در سمینار نماز.

[۵] سیمای تمدن غرب / ۶۱.

[۶] اسلام و مقتضیات زمان / ۲۹۲.

## چگونگی دستیابی به آرامش و کنترل اضطراب‌ها

آیا می‌توانید مهم‌ترین راه‌های کاهش و کنترل اضطراب‌های روحی را در چند بند، خلاصه و کوتاه در جدول زیر بنویسید؟

## جدول ۲. راههای کنترل اضطراب

۱.

۲.

۳.

اگر در بین این عوامل راههایی وجود دارد که به تلقین درمانی ارتباط می‌یابد، روی آن را با مازیک برجسته کننده علامت بگذارید.

قرآن، نماز را ذکر خدا می‌شمرد: «اقم الصلوة لذكری» و باز می‌فرماید: «الا بذكر الله تطمئن القلوب»:

نماز یاد خدا است + یاد خدا موجب آرامش دل‌ها است: نماز به انسان آرامش می‌دهد.

[ صفحه ۲۷ ]

احساس بی‌ثباتی و بی‌اعتباری در جهان طبیعت و فناپذیری و ختم زندگی در دنیا از سویی و پاسخگو نبودن طبیعت مادی به احساس نیاز نامتناهی انسان از دیگر سو، نوعی اضطراب و غربت را بر روح انسان، چیره می‌گرداند. او چیزی را می‌جوید که در این جهان نمی‌یابد. نماز، انسان را با ذاتی فناپذیر، پیوند و به وی جاودانگی را نوید می‌دهد. لذا انسان، هنگام نماز، آرامش خود را بازمی‌یابد و به زندگی و حیات خویش امیدوار می‌گردد؛ مشروط بر آن که در این سیر روحی، رابط و واسطه اصلی (روح) غایب نباشد.

اقامه‌ی نماز با شرایط مزبور، منزلت خالق و میعاد مخلوق را یادآور می‌شود. از این رو، هرگاه که نفس و شیطان، او را به مخالفت با خدا دعوت کنند، در پاسخ می‌گوید: «معاذ الله انه ربی احسن مثنوی انه لا یفلح الظالمون» [۱].

همچنان که نگهبان در صورتی می‌تواند حراست کند که جسم و فکر او در محل حاضر باشد، نماز هم اگر با حضور قلب همراه شود، انسان را از فحشا و منکر بازمی‌دارد [۲] و هواها را در آدمی کنترل و مهار می‌کند؛ زیرا انسانی که با همه‌ی وجود، پویایی راه صالحان و دوری و تبری از مسیر گمراهان را از خداوند تبارک و تعالی خواسته و بر عبادت و استعانت از او پیمان سپرده، چگونه ممکن است با گذشت زمانی اندک، پیمان او را نقض کند؟!

نماز، جامه‌ی پاکی است، و کسی که لباس سپید می‌پوشد، می‌کوشد که خویش را از مکان‌های آلوده و تماس با آلودگی‌ها حفظ کند.

[۱] یوسف / ۲۳؛ حضرت یوسف، در پاسخ به پیشنهاد گناه گفت، پناه بر خدا چگونه معصیت او را انجام دهم، در حالی که او پروردگار من است و جایگاهی ممتاز به من داده است؟.

[۲] عنکبوت / ۴۵.

## نظریات دیگران برای کنترل اضطراب

برخی، آزادی جنسی یا تأمین اقتصادی، امنیت و سلامت را به عنوان راه کنترل ناآرامی‌های روحی دانسته و معتقدند: چگونه ممکن است با یاد خدا، فوران شهوت و فشار گرسنگی را مهار کرد، جز آن که به تأمین خاص و مناسب هر یک از این‌ها تن داد؟! در پاسخ می‌گوییم: اسلام، لزوم تأمین هیچ یک از نیازهای انسان را از نظر دور نداشته است. برای اطفای غریزه و نیاز جنسی، ازدواج سالم را در شکل‌های دائم و موقت پیشنهاد کرده، آن را عامل آرامش برشمرده، و از نشانه‌های حکمت الهی می‌داند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیه؛ [۱].

از نشانه‌های او، آن است که برای شما همسرانی از جنس خودتان آفرید، تا موجب آرامش شما گردند.»

اما آیا بی‌بند و باری جنسی می‌تواند سکون و آرامش را به ارمغان آورد؟! در این باره باید آمار طلاق و مشکلات روحی و جسمی مردان و زنانی که در پرتو آزادی جنسی، دست به هر گونه ارضا و بهره‌ی بی‌حد و مرز زده‌اند، وارسید.

اسلام، بر ازدواج به عنوان یک ضرورت و نیاز طبیعی و متناسب با فطرت تأکید کرده است. ما معتقدیم اگر روش اسلام برای برقراری روابط سالم در پرتو ازدواج در جامعه‌ای مورد توجه قرار گیرد، به هیچ وجه تنش و اضطراب جنسی، مشکلی نگران‌کننده برای آن اجتماع نخواهد بود.

ازدواج چندان مهم است، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«من تزوج فقد احرز شطر دینه فلیتق الله من الشطر الثانی؛ [۲].

هر که ازدواج کند، نیمی از دینش را حفظ کرده، پس مراقب نیم دیگر باشد.»

و در روایتی دیگر از حضرتش می‌خوانیم:

«ایما شاب تزوج فی حداثه سنه عج شیطان: یا ویله عصم منی دینه؛ [۳] .

هر جوانی که در عنفوان جوانیش ازدواج کند، شیطان فریاد برمی‌آورد: ای وای! دینش را از من حفظ کرد.»

درباره‌ی ترغیب به ازدواج، روایاتی فراوان وارد شده:

«من احب ان یلقى الله طاهرا مطهرا فلیلقه بزوجه؛ [۴] .

هر که می‌خواهد خدا را پاک ملاقات کند، هنگام مرگ، بدون همسر نباشد.»

در حدیثی دیگر می‌خوانیم:

«رکعتان یصلیهما متزوج افضل من سبعین رکعة یصلیهما غیر متزوج؛ [۵] .

دو رکعت نماز همسر دار، بهتر از هفتاد رکعت نماز فرد بدون همسر است.»

این امر، واضح و ملموس است که بی‌بند و باری اخلاقی و آزادی جنسی نتوانسته آرامش و امنیت را به دنبال داشته

و دلپذیر و مبارک باشد. گرچه پژوهش‌ها و نمونه‌های عینی تحقق یافته نیز، همین امر را ثابت می‌کنند.

درباره‌ی تأمین نیازهای اقتصادی نیز اسلام به نقش خلأ مالی در اضطراب روحی توجه کرده است. روایات، فقر را

چنین وصف کرده‌اند:

«الفقر هو الموت الاکبر؛ [۶] مصیبت فقر از مصیبت مرگ بدتر است.»

[ صفحه ۳۰ ]

«ان الفقر مذهلة للنفس، مدهشة للعقل، جالب للهموم؛ [۷] فقر، جانکاه، عقل ستیز و عقل برانگیز است.»

امام صادق علیه‌السلام برخی عوامل گوناگون اضطراب را چنین برمی‌شمارد:

«خمس خصال من فقد منهن واحدة لم یزل ناقص العیش زائل العقل مشغول القلب فاولها صحة البدن و الثانية الامن

و الثالثة السعة فی الرزق و الرابعة الانیس الموافق قلت: و ما الانیس الموافق؟ قال: الزوجة الصالحة و الولد الصالح و

الخلیط الصالح و الخامسة و هی تجمع هذه الخصال: الدعء؛

پنج چیز است که هر کس، یکی از آن‌ها را از دست دهد، زندگی‌اش با تنگنا مواجه، عقلش مختل و قلبش مشغول

خواهد بود. اول: سلامت، دوم: امنیت، سوم: رفاه مالی، چهارم: همنشین موافق...، راوی می‌گوید: پرسیدم: انیس

موافق کیست؟ فرمود: زن، فرزند و همنشین صالح و پنجم: که همه‌ی اینها در گرو آن است: فراغت.»



بنابراین، مکتب ما، درباره‌ی نقش عوامل گوناگون کاهش و کنترل ناآرامی‌ها و اضطراب‌ها هیچ گونه انکاری ندارد و هرگز نمی‌گوید: نماز بخوان تا نیاز جنسی‌ات برطرف شود! یا به گرسنه نمی‌گوید: نماز بخوان، سیر می‌شوی! یا از بیمار نمی‌خواهد بیماری خود را با نماز مداوا کند. هر کدام، راه خاص خود را می‌طلبند و در پیمودن هر یک از آن‌ها الزام‌هایی از سوی خدا و پیامبر وجود دارد. اما آنچه می‌گوییم، این است که:

۱. خواسته‌های نامحدود انسان، با امکانات دنیا قابل پاسخگویی نیست.

[ صفحه ۳۱ ]

۲. ارضا، غیر از کنترل است. مهار کردن ویروس، با از بین بردن آن تفاوت دارد و ارضای موردی و مقطعی، اطمینان بخش نیست.

۳. آنچه یوسف صدیق علیه‌السلام را در مواجهه با صحنه‌ی شهوت‌انگیز، همانند کوه، استوار و مطمئن نگاه داشت، یاد خدا بود [۸]؛ نیرویی که می‌تواند هر گونه خلل مؤثر در عزم نیازمندان را از میان بردارد. آری، ایمان به خدا، گرسنگانی چند را وامی‌دارد، تا غذای خویش را به مسکین، یتیم و اسیر، بخشند. [۹].

۴. هیچ نمونه‌ای تاکنون ارائه نشده که بی‌بند و باری‌های جنسی، یا وفور ثروت توانسته باشد طمأنینه را در ملتی ایجاد کند، بلکه در درون کاخ‌های آهنین، اضطراب‌هایی مشاهده می‌شود که در کوخ‌ها، دیده نمی‌شود. چنان که در اعتراف‌های پیشگفته مبرهن شد هیچ یک از سردمداران کشورهایی که به آزادی مطلق جنسی قائلند، از بهداشت روحی ملت خود خوشنود نیستند!

[ صفحه ۳۲ ]

[۱] روم / ۲۱.

[۲] بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱.

[۳] محجه البیضاء، ج ۳، ص ۵۴.

[۴] بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹.

[۵] همان / ۲۲۰.

[۶] بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۴۸.

[۷] غرر الحکم و درر الکلم.

[۸] یوسف / ۲۱.

[۹] انسان / ۷.

## آزمون

۱. مقام معظم رهبری - مدظله العالی - در منشور نماز، به چه اولویت‌ها و نکات مهمی اشاره فرمودند؟
۲. تفاوت سیمای نماز را در نگرش سطحی و نیز بینش عمیق به آن، ترسیم کنید.
۳. تشکر از خدا، با قدردانی از مردم، چه تفاوتی دارد؟ استدلالی قرآنی ارائه کنید.
۴. چرا نماز برای برخی مردم، همراه با دشواری است و مراد از آیه‌ی «و انها لکبیرة الا علی الخاشعین» چیست؟
۵. «هنری لنک» چه تحقیقی درباره‌ی شناسایی ریشه‌های تبهکاری انجام داد و به چه نتایجی دست یافت؟
۶. یونگ در زمینه‌ی تحقیقات خود درباره‌ی بیماران روانی، چه می‌گوید؟
۷. پیش‌بینی رهبران امریکا و شوروی درباره‌ی جامعه‌ی خویش را بنویسید.
۸. نهر، احساسات و شرایط روحی خود را چگونه وصف می‌کند؟
۹. چگونگی کسب آرامش از طریق نماز را توضیح دهید.
۱۰. چرا آزادی جنسی و غنای اقتصادی بدون اعتقاد دینی نمی‌تواند سلامت جامعه را تضمین کند؟ به خلاصه‌ی موارد ارائه شده، در قالب چهار بند اشاره کنید؟

## چرا نماز بخوانیم؟ (۲)

ضررها و کمبودهای زندگی را از چه راههایی می توان جبران کرد؟

جدول ۳. جبران ضرر و ورشکستگی

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

الف. در زندگی دنیا انسان ها از نظر سوخت و ساز، خرج و دخل و کامیابی در معاملات متفاوت اند! برخی اصلا خرجی ندارند، یا به عبارت دیگر: خرج آنان توسط دیگران تأمین می شود! آیا در بازار محاسبات معنوی اعمال نیز کسانی هستند که هزینه ی آنان به وسیله ی دیگران تأمین گردد؟ چه کسانی؟

[ صفحه ۳۴ ]

ب. در دنیا برخی خرج و دخل مساوی دارند! حقوقی ثابت دریافت می کنند و هزینه های آنان نیز کاملا مشخص و تقسیم بندی شده است. نمونه ی آن، در جهان آخرت چه کسانی هستند؟

ج. چه کسانی در آخرت به کسانی در دنیا می مانند که هزینه ی آنان ۱۰ و درآمد آنان ۱۰۰ است؟ عکس این گروه، چه کسانی هستند و باید چگونه رفتار کنند؟

د. هماهنگی بین خرج و دخل، یا افزایش درآمد و کنترل هزینه ها در محاسبات اخروی چگونه صورت می گیرد؟ اگر هزینه افزایش یافت، اضافه کاری که بتواند به این هزینه ی افزوده، پوشش دهد چیست؟ درس دوم را با این نگرش، مرور کنید.

## جبران خطایا

هجوم شیطان و نفس و جاذبه های گوناگون دنیای مادی و تسویلاتی که برای او پدید می آید، مایه ی اشتباه ها و گناهان پیاپی وی می شود. به گونه ای که امام سجاد علیه السلام در دعای ابو حمزه ی ثمالی، عرض حال بندگان به پیشگاه خداوند را چنین شرح می دهد:

«خیرک الینا نازل و شرنا الیک صاعد و لم یزل و لا یزال ملک کریم یأتیک عنا بعمل قبیح؛ [۱].  
[خدایا!] خیر و احسان تو، به سوی ما فرو فرستاده، و شر و بدکاری ما، پیوسته، به پیشگاه ولایت عرضه می‌گردد؛  
به گونه‌ای که ملائیک، همواره، در حال گزارش بدی‌هایمان در پیشگاه تواند.»

[ صفحه ۳۵ ]

این نحوه‌ی ارتباط بین خالق و مخلوق و طغیان بنده‌ای که به رغم ضعف و نیاز، با آفریدگار مهربان خود به مخالفت برمی‌خیزد، اگر بدون تدارک و انعطاف ادامه یابد، هرگونه امیدی را به آینده منتفی، فاصله‌ها را، لحظه به لحظه بیش‌تر گردانده، و انسان را مستحق عذاب و خشم خداوند متعال می‌سازد.  
اگر چه انسان، جاهلانه و بی‌اعتنا، دوری از دریای رحمت حق را انتخاب می‌کند، خدای کریم و حکیم که به یکایک بندگان محبتی فراتر از محبت پدر به فرزندان دارد، هرگز به چنین جدایی قهرآمیزی رضا نمی‌دهد و او را برای حضور بر سر سفره‌ی آشتی، در قالب اذکار نماز به گفت و گوی محبت آمیز با خود فرامی‌خواند و با بیانی سراسر مهر در قرآن کریم می‌فرماید:

«و اقم الصلاة طرفی النهار و زلفا من اللیل ان الحسنات یذهبن السيئات ذلک ذکرى للذاکرین؛ [۲].  
دو طرف روز را با نماز تزئین نما و شبانگاه نیز به اقامه‌ی آن برخیز؛ چرا که [این] کار نیکو، گناهان را از بین می‌برد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:  
«اذا قمت الى الصلاة و توجهت و قرأت ام الكتاب و ما تیسر من السور ثم رکعت فاتممت رکوعها و سجودها و تشهدت و سلمت، غفرلک کل ذنب فیما بینک و بین الصلاة التی قدمتها الى الصلاة المؤخرة؛ [۳].  
آنگاه که نماز را اقامه کردی و به سوی خدا توجه یافتی و سوره‌ی حمد یا سوره‌ای دیگر را قرائت کردی، رکوع و سجود را کامل به جا آوردی و تشهد و سلام را انجام دادی، خداوند گناهان بین نماز قبلی و این نماز را می‌بخشد.»

[ صفحه ۳۶ ]

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمازهای پنج‌گانه‌ی یومیه را به نه‌ری تشبیه می‌فرمایند که بر در خانه‌ی فردی باشد و روزانه پنج بار در آن خود را شست و شو دهد، بی‌تردید، هیچ اثری از چرک و کثیفی در بدن او باقی نمی‌ماند؛ همین گونه روح آدمی به وسیله‌ی نماز هر روز پنج نوبت از ناپاکی گناه شست و شو داده می‌شود. در این روایت، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آیه فوق را به امید بخش‌ترین آیه‌ی قرآن وصف فرموده، می‌افزایند: «قسم به کسی که مرا به پیامبری برگزیده، از وقتی که انسان وضو گرفتن را می‌آغازد، گناهان او فرو می‌ریزد و آن گاه که به نماز می‌ایستد و آگاهانه، با خدای خود سخن می‌گوید، همانند روزی که از مادر متولد گردیده، از گناه بیرون می‌آید.» [۴] .

در حدیثی دیگر پیامبر فرمود: «شنیدم ملکی به هنگام هر یک از نمازهای یومیه چنین ندا می‌داد: ای فرزندان آدم! برای خاموش کردن آتشی که خود، بر اثر اعمال ناشایسته، برافروخته‌اید، قیام کنید. گروهی از شما برمی‌خیزند، وضو می‌گیرند، نماز می‌گزارند و گناهان آنان بخشیده می‌شود. سپس تا فاصله‌ی نماز بعدی مرتکب گناه می‌شوند و آتشی که برمی‌افروزند و هنگام نمازی دیگر فرا می‌رسد و منادی الهی، دیگر بار آن‌ها را به خاموش کردن آتش فرا می‌خواند و... همین عمل تکرار می‌شود، تا آن که می‌خوانند، در حالی که گناهان‌شان بخشیده شده است.» [۵] .

امیرمؤمنان علیه‌السلام نیز چنین می‌فرماید:

[ صفحه ۳۷ ]

«الصلوات الخمس كفارة لما بينهن ما اجتنب الكبائر و هي التي قال الله تعالى ان الحسنات يذهبن السيئات.» [۶] .

نمازهای پنج‌گانه کفاره‌ی گناهان بین آنها است، مادامی که نمازگزار از گناهان بزرگ بپرهیزد و این، تفسیر همان سخن خداوند تبارک و تعالی است که فرمود: نیکوکاری‌ها، جبران‌کننده‌ی بدی‌ها است.

حضرت علی در گفتاری دیگر، فرو ریختن گناهان نمازگزار را به ریختن برگ درختان تشبیه کند [۷] و در روایاتی دیگر، نماز، به عنوان ثمن بهشت [۸]، کلید بهشت، جواز عبور از گذرگاه قیامت، مانع آتش و عذاب الهی، توشه‌ی مؤمن، مونس او در خانه‌ی قبر و تاج افتخارش در قیامت، سخنگوی وی در پاسخ به نکیر و منکر و عامل درخشش چهره‌اش در محشر، نردبان ترقی او در درجات برتر و سبب روسپاهی شیطان [۹]، معرفی شده است، که هر یک از این تعبیرات بر تأثیر نماز در محو گناهان و جبران خطایا، همچنین آسان‌سازی حسابرسی نمازگزاران دلالت دارد.

نماز، نه تنها در محو و جبران گناه، بلکه در جلوگیری از ارتکاب گناهان، نقش دارد. سخن استاد مطهری (ره) را در این باره می‌خوانیم:

«ذکر و یاد خدا، دل را جلا می‌دهد و صفا می‌بخشد و آن را آماده‌ی تجلیات الهی قرار می‌دهد. حضرت علی درباره‌ی یاد حق، که روح و هدف عبادت است، چنین می‌فرماید:

[ صفحه ۳۸ ]

«ان الله تعالى جعل الذكر جلاء للقلوب، تسمع به بعد الوقرة و تبصر به بعد العشوة و تنقاد به المعاندة و ما برح الله عزت آلائه في البرهة بعد البرهة و في زمان الفترات عبادا ناجاهم في فكرهم و كلمهم في ذات عقولهم؛ [۱۰]. خداوند، یاد خود را صیقل دل‌ها قرار داده است، دل‌ها بدین وسیله از پس‌کری، شنوا، پس از ناپینایی، بینا و در پی سرکشی و عناد، رام می‌گردند. همواره چنین بوده و هست که خداوند متعال در هر برهه‌ای از زمان و در زمان‌هایی که پیامبری در میان مردم نبوده، بندگانی داشته و دارد که در سر ضمیرشان با آن‌ها راز می‌گویند و از راه عقل‌هایشان با آنان تکلم می‌کند.»

در آن کلمات، خاصیت عجیب و تأثیر شگرف یاد حق بر دل‌ها بیان شده، تا جایی که دل، قابل الهام‌گیری و مکالمه با خدا می‌گردد. [۱۱].

عبادت برای تجدید و طراوت حیات ایمانی انسان است و نیز قوت و شکوفایی آن. «به هر اندازه انسان به یاد خدا باشد، کم‌تر معصیت می‌کند. معصیت کردن و نکردن، دایره مدار علم نیست، دایره مدار غفلت و تذکر است. به هر اندازه انسان، غافل باشد، یعنی خدا را فراموش کرده باشد، بیش‌تر معصیت می‌کند. به هر اندازه خدا بیش‌تر به یادش بیاید، کمتر معصیت می‌کند.» [۱۲].

[ صفحه ۳۹ ]

[۱] مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی.

[۲] هود / ۱۱۴.

[۳] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۵.

[۴] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۰.

[۵] همان / ص ۲۲۴.

[۶] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳.

[۷] همان / ص ۲۴۴.

[۸] همان / ص ۲۳۲.

[۹] کنز العمال، ج ۷، ص ۲۸۴.

[۱۰] نهج البلاغه صبحی صالح / خطبه ی ۲۲۲.

[۱۱] سیری در نهج البلاغه / ۸۷.

[۱۲] گفتارهای معنوی / ۷۹.

## پرورش تمرکز ذهن

کسانی که ضریب هوشی بالایی ندارند، چه کاستی‌هایی در مکانیزم بدن آنان وجود دارد؟ وزن مخچه یا مغز؟ فقدان یا کوچکی یک عضو ادراکی؟ آیا اصولاً مشکل آنان سخت افزاری است، یا نرم افزاری؟ توضیح دهید.

جدول ۴. عوامل پرورش حافظه

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

نگاه ما به نماز و کارکرد آن، از منظر تأثیر و تأثرات مادی نیست و در پی آن نیستیم که بگوییم باید نماز بخوانیم؛ زیرا نماز در پرورش تمرکز ذهن و پرورش آمادگی‌های ذهنی مؤثر است، بلکه معتقدیم این عمل عبادی که برای انجام فرمان خدا انجام می‌شود، در حاشیه و سایه و همراه با خود، کارکردهایی را نیز دارد. به دیگر سخن: نماز را به جا می‌آوریم؛ چون خدا به آن فرمان داده است؛ اما مسلماً این عبادت که جزء برنامه روزانه زندگی مسلمانان قرار گرفته نمی‌تواند خالی از آثار مادی باشد که در این کتاب به آنها اشاره می‌شود.

همان گونه که قبلاً اشاره شد، اضطراب‌های فکری و تنش‌های روانی از بیماری‌های مهلکی است که بشریت قرن بیستم را تهدید می‌کند. روان کاوان و دانشمندان می‌کوشند با پیش بینی راه‌های کاهش بار فکری، برای مقطعی به

اندیشه و روان انسان استراحت داده، وی را از دگرگونی‌های روحی نجات بخشند. مهار این پراکندگی‌های فکری، شرط نخست دستیابی به نبوغ، درایت و فهم مسایل است. به همین جهت می‌کوشند مکان‌های مطالعه و تحقیق را، از آرام‌ترین و مطبوع‌ترین و دل‌انگیزترین مکان‌ها برگزینند، تا امکان تمرکز ذهن و رفع نگرانی را فراهم سازند.

روان شناس معروف، ویلیام مولتون مارستن در مجله‌ی انگلیسی «ریدرز دایجست [۱]» نگاشته است:

«اغلب مردم از حیث قدرت تمرکز حواس در زمینه‌ی مسایلی که تصمیم‌گیری درباره‌ی آن‌ها به عهده‌ی آنان نهاده شده، عاجز هستند و همین تشنگی و پراکندگی، موجب خطا و سرگردانی‌شان می‌شود. در حالی که اگر عقل انسانی به امری، تمرکز قوی و شدید پیدا کند، به صورت یک ابزار حیران‌کننده ایفای نقش خواهد کرد.»

سپس با استناد به سخن پدر روان‌شناسی می‌افزاید:

«فرق نوابغ و افراد عادی، در امکان تمرکز ذهن و قوای عقلانی است، نه در توانمندی و سایر صفات فکری.» [۲].

نماز، روزانه پنج نوبت فکر را در مدار تمرکز قرار می‌دهد و پرورش تمرکز آن را آسان می‌کند؛ برای همین به منظور رسیدن به تمامیت این تمرکز، در اسلام دستور داده شده از هر کاری که موجب پراکندگی ذهن و تمرکز می‌شود، در نماز

[ صفحه ۴۱ ]

پرهیز شود؛ همچون: ایستادن در برابر در و پنجره گشوده، آینه، و هرگونه تصویر و تابلو، و نماز خواندن در حال محصور بودن و....

حال اگر با قوت و تسلط، ذهن خود را در مسیر معنویت سوق دهیم، تمام نقش و آثار تمرکز در یافته‌های معنوی و رشد روحی انسان، ظاهر گردیده، انضباط قرار یافتن در مدار مشخص را در خارج از نماز، ملکه می‌کند و آرامش و قراری خاص می‌یابد.

[۱] مجله‌ی انگلیسی **dijest readers** مجله‌ای سیاسی اجتماعی است، که با بیش از بیست و یک زبان از سال ۱۹۲۲ در لندن و دیگر کشورهای اروپایی و امریکایی منتشر می‌شود.

[۲] روح الصلاة فی الاسلام / ص ۳۱.

برقراری عدالت اجتماعی



در زندگی دنیوی به دلیل محدودیت منابع و نامحدود بودن تقاضا، همواره نگرانی از رعایت نشدن عدالت اجتماعی در توزیع ثروت و امتیازهای دنیایی وجود دارد.

چه مکانیزم و سیستمی می‌تواند زیاده خواهی بشر را در این مورد به گونه‌ای اطمینان بخش کنترل و مهار سازد؟ سرعت گیر و کنترل کننده‌ای که بتواند سرعت و حرکت بشر را در این عرصه محدود کند، چیست؟ اگر شهرداری بخواهد از افزایش ساخت و سازهای بی‌رویه و تراکم‌های خارج از قواره و استاندارد جلوگیری کند، یا دولت در نظر داشته باشد مالیات بگیرد، یا ناهنجاری را به هنجار بدل سازد، برخورد مستقیم، واپسین و کم‌اثرترین راه آن است و معمولاً راهکاری را تعریف می‌کنند که در فرآیند انجام یکی از ضرورت‌ها و نیازهای قطعی، همه‌ی افراد به رعایت یا انجام و تأدیه‌ی آنچه دولت بر آن اهتمام دارد، ملزم گردند. همانند پایان کار، خرید و فروش و انجام معاملات و خروج از کشور و امثال آن، بر این اساس آیا می‌توانید بگویید چه

[ صفحه ۴۲ ]

مکانیزم‌های معتبری می‌توان در جریان حیات روزمره‌ی آدمیان تعبیه کرد که آنان را به رعایت عدالت اجتماعی ملزم کند؟ نام آنها را در جدول زیر بنویسید.

جدول ۵. عوامل مؤثر در رعایت عدالت اجتماعی

۱.

۲.

۳.

اینک به کارکرد نماز در این زمینه توجه کنید.

نمازگزار، باید شرایطی را درباره‌ی لباس و مکان نماز، پرداخت واجبات مالی همچون خمس و زکات، پرهیز از غیبت و توجه به حقوق دیگران را در نظر گیرد، تا نماز او مقبول درگاه خداوند تبارک و تعالی شود. این الزام‌ها که تمام بخش‌های زندگی انسان را تحت تأثیر و نفوذ قرار می‌دهد، نماز را از یک عمل فردی، خارج و به صورت جریانی اصلاحی و پدیده‌ای اجتماعی در متن زندگی ظاهر کرده و خود، عاملی در مسیر ایجاد و برقراری عدالت اجتماعی می‌شود. استاد مطهری (ره) می‌نگارد:

«مسأله‌ی دیگر: مسأله‌ی حقوق است. باز از نظر روح عبادت واقعا فرق نمی‌کند که ما روی یک فرش غصبی باشیم، یا روی یک فرش مباح. این‌ها قراردادهای اجتماعی است که این فرش مال شما باشد و آن فرش مال من؛ من

[ صفحه ۴۳ ]

در مال شما تصرف نکنم و شما در مال من تصرف نکنید. این‌ها هر یک، دستورهایی است که برای زندگی اجتماعی مفید است، وگرنه یک واقعیت و حقیقتی نیست که مثلا اگر این فرش مال من باشد، یک کیفیت واقعی داشته باشد و اگر مال شما باشد، یک کیفیت واقعی دیگر.... مسأله‌ی عبادت، یک امر واقعی است؛ یعنی از نظر حالت و رابطه‌ی روحی که میان انسان و خدا برقرار می‌شود، این امور نمی‌توانند واقعا اثری در عبادت داشته باشند. بعضی چیزها اثر دارند؛ مثلا: اگر انسان دچار برخی عوارض جسمی و روحی باشد، اصلا عبادت برهم می‌خورد، و این عوارض، مانع حضور قلب و توجه می‌شوند، ولی امور مذکور چنین اثری ندارند. مع ذلک اسلام می‌گوید: جایی که در آن نماز می‌خوانی، آبی که با آن وضو می‌گیری، حتی آن محلی که آب وضویت در آن ریخته می‌شود، لباسی که با آن نماز می‌خوانی، تمام آنچه با این عمل تو ارتباط دارد، باید مباح باشد، یعنی نباید حرام باشد، اگر یک نخ غصبی هم در لباس تو باشد، این عبادت پذیرفته نیست.» [۱] .

یعنی اسلام می‌گوید: من پرستشی را که در آن حقوق اجتماعی محترم نباشد، اساسا قبول ندارم. آن وقت یک نمازگزار وقتی می‌خواهد نماز بخواند، اول فکر می‌کند خانه‌ای که من در آن هستم، به زور از مردم گرفته‌ام، یا نه؟ اگر به زور گرفته‌ام، نمازم باطل است. پس مجبور است خانه‌ای ترتیب دهد که برایش حلال باشد، یعنی از صاحب اصلی‌اش خریده باشد، یا صاحب او را راضی نگه دارد. فرش زیر پا و لباسی که به تن دارد، همینطور. اگر خمس یا زکات باید بدهد و ندهد، باز نمازش باطل است.» [۲] .

[ صفحه ۴۴ ]

همان گونه که در فقه، نماز با لباسی که از درآمد غیر مشروع تهیه گردیده، یا در مکانی که صاحب آن راضی نیست، باطل شمرده شده است، در روایات نیز نماز کسی که پدر و مادر از او راضی نباشند، [۳] کسی که غیبت مسلمانی را

کرده باشد، [۴] زنی که همسرش از او ناراضی باشد، آن که حقوق مستمندان را ندهد، امام جماعتی که مردم از او ناراضی باشند [۵] و کسی که لب به مسکرات بیالاید، [۶] غیر قابل قبول شمرده شده است. اینک به دستاوردی دیگر از آثار نماز توجه کنید:

[۱] تعلیم و تربیت / ۱۸۷ - ۱۸۸.

[۲] گفتارهای معنوی / ۸۳ - ۸۴.

[۳] بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۱.

[۴] همان، ج ۷۷، ص ۵۰.

[۵] همان، ج ۷۵، ص ۲۵۷.

[۶] همان، ج ۸۴، ص ۳۱۷.

### دستیابی به وقار اخلاقی و شخصیتی

بی‌تردید برخی از پدیده‌ها، تأثیری عمیق در رفتار و شخصیت انسان باقی می‌گذارند و آینده‌ی زندگی وی را به کلی دگرگون می‌کنند. هر کس به خوبی می‌داند از چه زمانی و چگونه شیوه‌ای را ترک گفته و روش دیگری را پس از مواجهه با خاطره‌ای ملال‌انگیز، برگزیده است.

به گفته‌ی قرآن: یکی از اعمالی که اخلاق و شخصیت انسان را شدیداً تحت تأثیر و نفوذ خود قرار می‌دهد، نماز و مداومت بر این عمل عبادی است. پروردگار حکیم، ساختار شخصیتی همه‌ی انسان‌ها را چنین ترسیم می‌کند:

«ان الانسان خلق هلوفا اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخير منوعا الا المصلين الذين هم علی صلاتهم دائمون؛ [۸]

[ صفحه ۴۵ ]

انسان، بی‌طاقت و حریص آفریده شده است. هنگام رویارویی با مشکل، بی‌تابی می‌کند و آن گاه که به امکانی دست یابد، از یاری دیگران دریغ می‌ورزد؛ مگر نمازگزارانی که هیچ گاه از انجام این عبادت فروگذار نمی‌کنند. نمازگزار، با در نظر گرفتن مفاهیم والا و بلندی که همواره به خود الهام و تلقین می‌کند و آرامشی که در پرتو ذکر خدا فراهم می‌آورد، به وقار و شخصیتی دست می‌یابد که می‌تواند در دوران گوناگون زندگی، نوسانات روحی خویش را مهار سازد.

حضرت زهرا - سلام الله عليها - در خطبه‌ای شیوا، فلسفه‌ی اعمال عبادی را، وارسیده، و در جمع زنان مدینه چنین می‌فرماید: «[خداوند] نماز را واجب گردانید، تا انسان‌ها را به وسیله‌ی آن از تکبر، منزّه فرماید.» [۲].

شهید مطهری (ره) نیز فرمود:

علی علیه‌السلام در خطبه‌ی ۱۹۲ نهج‌البلاغه پس از اشاره به پاره‌ای اخلاق نکوهیده از قبیل سرکشی، ظلم و کبر می‌فرماید:

«و عن ذلك ما حرس الله عباده المؤمنين بالصلوات و الزکوات و مجاهدۀ الصیام فی الایام المفروضات تسکینا لاطرافهم و تخشیعا لبصارهم و تذلیلا لنفوسهم، و تخفیضا لقلوبهم و ازالۀ للخیلاء عنهم؛

چون بشر در معرض بیماریهای اخلاقی و روحی است، خداوند به وسیله‌ی نماز، زکات و روزه بندگان مؤمن را از آفاتی چنین، نگهبانی کرد. این عبادات، دست و پاها را از گناه بازمی‌دارند، چشم‌ها را از خیرگی بازداشته، به آن‌ها خشوع می‌بخشند، نفوس را، رام، دل‌ها را فروتن و باد دماغ را زایل می‌سازند.» [۳].

[ صفحه ۴۶ ]

علت تأثیر نماز در شخصیت انسان این است که نمازگزار قلبی مطمئن دارد؛ اطمینان به بزرگ‌تر بودن خداوند از همه‌ی جاذبه‌ها، شخصیتها، قدرت‌ها و امکانات. نمازگزار خود را وابسته به چنین قادری یکتا می‌داند که جهانیان در قبضه‌ی قدرت اویند و پرورش یافته او؛ همو که در عین قدرت، رحمان و رحیم است و حکومتش به دنیا محدود نمی‌گردد، بلکه مالک روز قیامت نیز هست. این طمانینه قلبی که در قالب اذکار نماز از نهاد نمازگزار برمی‌خیزد، وقار شخصیتی و آسودگی روحی‌اش را تضمین می‌کند.

نمازگزار با یادآوری منظره‌ی آینده‌ی زندگی انسان‌ها و واپسین روز حیات، شخصیتی آینده‌نگر و اندیشه‌ای والا و نامحدود می‌یابد. [۴] او با گره زدن تعلقات روحی خود با خداوند هستی و استعانت از او [۵] نفسی با کرامت، قلبی آرام و آزاد از هر گونه دلهره، اضطراب، توقع و امید به دیگران می‌یابد. او لزوم پیروی از صالحان، گام نهادن در مسیر هدایت، [۶] موضع‌گیری در برابر گمراهان [۷] را هر روز در قالب اذکار نماز به خود تلقین می‌کند.

[۱] معارج / ۲۳ - ۱۹.

[۲] «فرض الله الصلاة تنزيها لكم عن الکبر». بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۹.

[۳] سیری در نهج‌البلاغه / ۹۷.

[۴] مالک يوم الدين.

[۵] ایاک نعبد و ایاک نستعین.

[۶] صراط الذین انعمت علیهم.

[۷] غیر المغضوب علیهم و لا الضالین.

## پذیرش انضباط و نظم

آیا تاکنون در قالب برنامه‌های گروهی مثلاً: اردوهای سیاحتی یا زیارتی به سفر رفته‌اید؟ و ساعت‌های اعلام شده برای حرکت از مبدا و حرکت‌های بعدی را، با ساعت‌هایی که عملاً حرکت‌ها را انجام داده‌اید، مقایسه کرده‌اید؟ آن‌ها را در جدولی وارد کنید.

[ صفحه ۴۷ ]

جدول ۶. پیش بینی و چگونگی انجام برنامه های گروهی:

ردیف - مبدأ - مقصد - هدف برنامه - ساعت اعلامی - ساعت انجام

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

آیا تاکنون با کسی قرار ملاقات تنظیم کرده‌اید، که از قبل بدانید او در برنامه خیلی دقیق و بهنگام است و در صورت تخلف، ناراحت می‌شود؟

آیا تاکنون به پزشکی مراجعه کرده‌اید که دقیقاً در لحظه‌ی تنظیم وقت خودش در را بگشاید و از شما استقبال کند؟ اگر چنین اتفاقی برای بیماری بیفتد چه احساسی در او ایجاد می‌گردد؟

اگر سر و کار همیشگی ما با افراد منظم و سخت‌گیر در مورد ساعت دقیق برنامه‌ها باشد، چه خصلت و منشی در ما به این وسیله رشد می‌یابد؟

معمولا در کشورهای پیشرفته، اگر یک برنامه‌ی اردو یا بازدید جمعی تنظیم کنند، برای ساعت حرکت به جای ساعت ۱۵ / ۷ دقیقه مثلا اعلام می‌کنند ۱۷ / ۷ دقیقه و بسیار مقیدند رأس دقیقه اعلام شده حرکت کنند، نه زودتر و نه دیرتر!

[ صفحه ۴۸ ]

مثلا رأس ساعت ۳۳ / ۱۱ دقیقه، خودروی آنان در نقطه‌ی بازگشت توقف کند؛ زیرا معتقدند این دقت نظر باعث می‌شود کارآموزان یا همکاران، یا مشتریان، نظم و انضباط را در خود نهادینه سازند. اینک به نماز و تأثیر و کاربرد آن در پرورش نظم و انضباط توجه کنید.

زیباترین و چشمگیرترین تصویر از شخصیت، خدمات و امتیازهای هر فرد یا مجموعه، تصویر نظم و انضباط است. انسان در هر یک از فعالیت‌ها و مقاطع زندگی به شرطی درخور تحسین تلقی می‌گردد، که کتاب زندگی و رفتار خود را به زینت «انضباط» مزین گرداند. این امتیاز وسیله‌ی تمرین و دقت، نصیب او می‌گردد. آدمی در جریان زندگی و برنامه‌هایش باید خود را به رعایت نظم مجبور ساخته، و الزام‌هایی در برنامه، بر خویش تحمیل کند، تا به مرور زمان این خصوصیت به صورت ملکه در سایر بخش‌های زندگی او جریان یابد. استاد مطهری (ره) چنین می‌نگارد:

«عبادت، یک وقت مشخص و معینی دارد و دقیقه‌اش هم حساب می‌شود. وقت نماز صبح از اول طلوع صبح تا اول طلوع آفتاب است و اگر عمدا یک دقیقه قبل از طلوع آفتاب شروع کنی، نمازت باطل است، باید بین این دو تا باشد. اگر بگویی: آقا! من فعلا خوابم می‌آید! من دیشب بیداری کشیده‌ام، الان یک ساعت به طلوع صبح مانده، خدا که خواب و بیداری ندارد، مگر خدا در بین الطلوعین (العیاذ بالله) لباس رسمی‌اش را می‌پوشد و برای قبول کردن نمازها آماده می‌شود؟ برای خدا که تمام ساعات و لحظات یکسان است: «لا تأخذہ سنۃ و لا نوم» [۸] من امشب بیداری کشیده‌ام و خوابم می‌آید، می‌خواهم نیم ساعت زودتر نمازم را بخوانم و بخوابم.

[ صفحه ۴۹ ]

ابدا! انضباط و وقت را باید بشناسی، جز در وقت خودش در وقت دیگر نباید نماز بخوانی. آیا از نظر خدا فرق می‌کند که این وقت یا آن وقت باشد؟ نه، از نظر تو فرق می‌کند، تو باید با این نماز تربیت شوی، اگر شب تا دوی نیمه شب هم بیدار بودی، باید بین الطلوعین بیدار شوی و نمازت را بخوانی و نماز ظهر و عصر هم همین طور است، قبل از وقت، قبول نیست. بعد از وقت، هم قبول نیست. مغرب و عشا نیز همین طور است.» [۲].

نمازهای یومیه که در اوقات معین و به صورت یک الزام دینی در برنامه‌ی زندگی روزمره قرار می‌گیرد، صفحه‌ی فعالیت‌های انسان را، جدول‌بندی و روح انضباط و تقید به وقت را در وی احیا می‌کند. با بررسی دقیق نمودهای برنامه‌ریزی و نظم نماز، درمی‌یابیم این عبادت والا، در آغاز و فرجام، دارای نظم‌ی لطیف و زیبا است. اسلام عزیز از جهت مقدمات و ترتیب منطقی انجام آن بر حسب شرایط گوناگون غسل، وضو، تیمم، از حیث جهت ایستادن (قبله)، حرکت دست و اندام بدن، تعداد رکعت‌ها در هر نوبت، لباس نمازگزار و نوع آن، محلی که برای اقامه‌ی نماز یا سجده برمی‌گزینند، و تمام این جهات، طرح و برنامه دارد. برای تون صدا و نحوه‌ی ادای قرائت، در زیر و بم کردن صدا، نحوه‌ی ادای قرائت، تبیین سمت و سوی نگاه نمازگزار، آب وضو، باقی مانده‌ی آن، خاک، یا محل سجده، آرایش ظاهری، حتی تعقیبات نماز و... در مرحله‌ای فراتر در نماز جماعت، برای تنظیم صفوف، گزینش امام، و... دستورهای خاص و الگوهایی بدیل، ارائه کرده است. الزام به این برنامه‌ها در هر روز یعنی؛ احیای روح تقید‌پذیری که آهنگ انضباط را در نهاد انسان، نهادینه می‌گرداند.

[ صفحه ۵۰ ]

[۱] بقره / ۲۵۵؛ جمله‌ای از «آیه الكرسي».

[۲] گفتارهای معنوی / ۸۶ - ۸۵.

## استواری ایمان و استقامت

خواندن سرودهای دسته جمعی خصوصا در مراکز آموزشی چه نقشی می‌تواند در تربیت داشته باشد؟ لطفا این آثار را در جدول زیر فهرست فرمایید.

جدول ۷. آثار سرودهای جمعی

۱.

۲.

۳.

و اینک به بررسی آثار سروش عبودیت می‌پردازیم:

هر سپاه و سازمانی برای الهام استقامت و ثبات، سروشی را به سربازان و پیروان خود می‌آموزد، که هر صبحگاه و شامگاه، با سرودن آن، روحیه‌ی مقاومت را در جان‌هایشان به هیجان آورند و عزم و اراده خویش را آهنین سازند. سپاه هستی و ذراتی که به ظاهر خاموش و بی‌صدا می‌نمایند، سرود پایداری در فرمانبرداری از آفریننده را هر صبح و شام می‌سرایند:

«ان من شيء الا يسبح بحمده» [۱] .

جمله‌ی ذرات عالم، در نهان  
با تو می‌گویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیریم و هشیم  
با شما نامحرمان، ما خامشیم

چه، شما سوی جمادی می‌روید  
محرم جان خدادان، کی شوید؟

[ صفحه ۵۱ ]

انسان‌ها نیز به عنوان محور نظام خلقت، هم‌نوا با سایر ذرات وجود، صبح و شام خود را با سرودن سروش ستایش و سپاس و اعلام وفاداری در اطاعت از خالق هستی آفرین، سپری می‌کنند. این سرود که در آن، تقید به مهم‌ترین نکات عقیدتی، اخلاقی، عاطفی، سیاسی و... دیده می‌شود، روح سازش‌ناپذیری با طاغوت‌ها و گمراهان، و پایبندی به نظام اخلاقی مشخص را در انسان تقویت می‌کند.

[ صفحه ۵۲ ]

[۱] اسراء / ۲۴.



## آزمون

۱. عملکرد انسان در دنیا چگونه در سخن امام سجاد علیه السلام بیان شده است؟  
این عمل به طور طبیعی، چه پیامدی دارد؟
۲. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سخنی از امیرمؤمنان علیه السلام چگونگی تأثیر نماز در محو گناهان را بیان کنید.
۳. استاد مطهری (ره)، رابطه‌ی یاد خدا و پرهیز از گناهان را چگونه تبیین می‌کند؟
۴. چگونگی تأثیر نماز بر پرورش تمرکز ذهن را با رویکردی روان شناسانه توضیح دهید.
۵. رابطه‌ی نماز با عدالت اجتماعی چیست؟
۶. علت تأثیر نماز در شخصیت نمازگزار چیست؟
۷. چگونه نماز به زندگی انسان نظم و انضباط می‌دهد؟
۸. استاد مطهری (ره) در زمینه‌ی فلسفه‌ی تعیین وقت نمازها، چه می‌فرماید؟
۹. ادامه‌ی آیه‌ی «ان الانسان خلق هلوعا» چیست؟ و بر چه مطلبی دلالت دارد؟
۱۰. چگونگی استواری ایمان و استقامت را از طریق نماز، شرح دهید.

### چرا نماز بخوانیم؟ (۳)

آیا هیچگاه دلگیر یا افسرده شده‌اید؟ به هنگام افسردگی چه عواملی در رفع آن مؤثر است؟ انسان به چه کاری در هنگام افسردگی تمایل دارد؟ لطفاً این عوامل و راهکارها را در جدول زیر بنویسید:

جدول ۸. تجویزهای دوره افسردگی و دل‌گیری:

۱.

۲.

۳.

۴.

[ صفحه ۵۴ ]

غریزه‌ها و نیازها اگر اشباع نشوند تأثیرات نامطلوبی در جسم و روح باقی می‌گذارد. مثلاً گرسنگی، تشنگی موجب رخوت و بی‌حرکی می‌شوند. نوزادان به هنگام مواجهه با چنین وضعیتی این کمبود را از راه گریه اظهار می‌نمایند. آیا با نوزادان یا کودکانی مواجه شده‌اید که کمبود آنان مربوط به حس انس و دلتنگی آنان باشد؟ آن را چگونه برطرف نموده‌اید. بزرگترها این حس را چگونه ارضاء می‌کنند؟

### انس فطری انسان با پرستش

تاریخ آفرینش، گونه‌هایی گوناگون از عبادت‌های انتخابی انسان‌ها را در خود ثبت کرده است؛ از پرستش موجودات و اشیایی مختلف، همچون: چوب، سنگ، خورشید، ماه، آب، آتش و... تا: شاه پرستی، شهوت پرستی به اشکال زشت، نام پرستی، هوا پرستی و وطن پرستی از مسیرهای منحرف، که هر یک در همه‌ی دوره‌ها طرفدارانی داشته است.

مجموع این‌ها از وجود یک نیاز به پرستشگری در انسان خبر می‌دهد، که تأمین نکردن آن، روح را مواجه با خلأ می‌سازد. استاد مطهری در این باره می‌فرماید:

«یکی از پایدارترین و قدیم‌ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل‌ترین ابعاد وجود انسان‌ها، حس نیایش و پرستش است. مطالعه‌ی آثار زندگی بشر، نشان می‌دهد هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته، نیایش و پرستش هم وجود داشته است؛ چیزی که هست، شکل کار و شخص معبود، متفاوت شده است. از نظر شکل از رقص‌ها و

حرکات دسته جمعی موزون، همراه با یک سلسله اذکار و اوراد گرفته، تا عالی‌ترین خضوع‌ها و خشوع‌ها و راقی‌ترین اذکار و ستایش‌ها و

[ صفحه ۵۵ ]

از نظر معبود، از سنگ و چوب گرفته تا ذات قیوم ازلی ابدی منزّه از زمان و مکان. پیامبران، پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند، بلکه نوع پرستش را یعنی نوع آداب و اعمالی را که باید پرستش به آن شکل صورت گیرد، به بشر آموختند و دیگر اینکه: از پرستش غیر ذات یگانه (شرک) جلوگیری به عمل آوردند.» سپس می‌افزاید:

«از نظر برخی دانشمندان [۱]، بشر ابتدا موحد و یگانه پرست بود و خدای واقعی خویش را می‌پرستید پرستش بت یا ماه یا ستاره یا انسان از نوع انحراف‌هایی است، که بعداً رخ داده است، یعنی بشر چنین نبوده که پرستش را از بت یا از انسان مخلوقی دیگر آغاز کرده است و تدریجاً با تکامل تمدن به پرستش خدای یگانه رسیده باشد. حس پرستش که احياناً به حس دینی تعبیر می‌شود، در عموم افراد بشر وجود دارد.» [۲].

عمق و اصالت این گرایش را می‌توان از استواری و عظمت بناهایی که در طول تاریخ برای پرستشگری بنیان گردیده، دریافت. آن جا که بشر - خود - در خانه‌ای کلوخین می‌زیست، ولی کلیساها، کنیسه‌ها و مساجد، یا هر عمارت دینی را به بهترین وجه معمور می‌داشت، و سخت‌ترین جنگ‌ها را در حمایت از معبود و مسجود خویش تحمل می‌کرد.

اکنون، انسان از خود می‌پرسد: چه چیز را بپرستد؟ و چگونه پرستش کند؟ بالتبع بررسی قابلیت پرستش موجودات مختلف، به عقل سپرده می‌شود. همان گونه که حضرت ابراهیم علیه‌السلام هنگام رویارویی با ماه پرستان، با آنان هم‌زبانی کرد، ولی پس از ناپدید شدن ماه، آن را عقلاً فاقد قابلیت خواند. سپس

[ صفحه ۵۶ ]

به خورشید، روی آورد و ظاهراً به آن، اظهار علاقه نمود؛ زیرا بزرگ‌تر و درخشان‌تر بود و وقتی خورشید غروب کرد، بی‌ثباتی‌اش را دلیل روی گردانی از آن برشمرد. [۳].

قرآن کریم با معادله‌ای عقلانی، بر پرستش همه اشیای بی‌اراده و ناتوان، خط بطلان می‌کشد:  
«و مالی لا اعبد الذی فطرنی و الیه ترجعون؛» [۴].

چرا آن کس را که آغاز، و انجام از او و به سوی او است، پرستش نکنم؟  
آری! تنها او سزاوار پرستش است و عبادت غیر او، عقلانی نیست.  
«قل افغیر الله تأمرونی اعبد ایها الجاهلون» [۵].

یعنی: «بگو: آیا امر می‌کنید، غیر خدا را بپرستم، ای نادانان! [پرستش ضعیف، ناتوان، نیازمند و وابسته از روی نادانی است و اگر این کاستی‌ها را نداشته باشد، خداست و غیر او واجد این مشخصات نیست.]  
به گفته‌ی استاد مطهری (ره):

«پیام قرآن این است که ای انسان! رب خود، پروردگار خود و صاحب اختیار خود را پرست؛ آن صاحب اختیاری که تمام هستی به اراده‌ی او وابسته است و اگر یک لحظه غافل گردد «در هم ریزند قالب‌ها.»  
«الذی خلقکم و الذین من قبلکم» [۶] [پرستید] آن کس که شما و پیشینیان‌تان را آفرید.» [۷].

[ صفحه ۵۷ ]

تمرکز هر گونه قدرت و توان در خداوند متعال، امر به پرستش غیر او را جدا جاهلانه می‌نماید و اگر پرستش، عقلا سزاوار او است، ادب پرستشگری را باید از همو الهام گرفت و هیچ شیوه‌ای جز آن، در خور تحسین و قبول نیست. تجربه ثابت کرده که هر گاه بشر، خود، خواسته تا مبتکر نحوه‌ی اظهار عبودیت باشد [همچون مناجاتی که در نیایش شبان قوم بنی‌اسرائیل آمده] نتوانسته ادب مقبولی در این زمینه پدید آورد.

[۱] استاد، در نوشتارش از «ماکس مولر» نام برده است.

[۲] احیای فکر دینی / ۱۰۵.

[۳] انعام / ۷۹ - ۷۶.

[۴] یس، ۲۲.

[۵] زمر، ۶۴.

[۶] بقره، ۲۱.

[۷] آشنایی با قرآن، ۱۳۲.

عام نگری

تفاوت بین کسانی که از روحیه‌ی جمعی برخوردارند و همیشه دوست دارند شادی‌ها و نعمت‌های خود را تقسیم کنند و کسانی که همه چیز را برای خود می‌پسندند و دوست ندارند کسی در کنار آنان باشد و چیزی به کسی داده شود ناشی از چه عواملی است و راه درمان آن چیست؟

امروزه که بحث گسترش مرزهای دانش و راهکارهای آن مطرح است، از دیدگاه شما، گسترش مرزهای بینش از چه ضرورت و اولویتی برخوردار است و چه الزام‌هایی دارد؟ دید وسیع و گسترده چگونه حاصل می‌گردد؟ موضوع عام نگرانی را به عنوان کارکرد نماز، مطالعه و بررسی کنید. آیا ممکن است چنین اثری به صورت محسوس از نماز دریافت گردد؟

حیات بشر در گرو بینش و نگرش وسیع و روحیه‌ی سازگاری با محیط و موافقت با جمع است، با آن که نماز - ظاهراً - به دور از فعالیت‌های جمعی و نوعی عمل فردی می‌نماید، اما حضور در جمع و همنوایی و مسالمت با جماعت در جای جای آن تعبیه گردیده است. از نخستین جمله‌ای که به عنوان آغاز با نام خدا به صفت شمول رحمت وی آغاز می‌گردد و سپس به صفت تربیت عموم

[ صفحه ۵۸ ]

جهانیان توسط او اشاره می‌گردد، تا آن جا که نمازگزار، هر چند به تنهایی نماز می‌خواند، با زبان جمع، انحصار عبادت و استعانت را در خدا اعلام می‌نماید، و سرانجام: وقتی که در سلام نماز، نوای مسالمت و صلح و صفا را با نسل حاضر و بندگان صالح خدا، سر می‌دهد، همه و همه، آهنگ صمیمیت و همزیستی مسالمت آمیز را در روح او می‌دمند. معمولاً تمام الفاظ، یا عام و مطلقند، و یا متکلم مع الغیر، و ظرفیت عمومی دارند، مانند «الله اکبر». خدا بزرگ‌تر است از چه چیز؟ از همه چیز، او پرورش دهنده است! پرورش دهنده همه‌ی جهانیان، [همگی ما] تنها تو را عبادت می‌کنیم و تنها از تو کمک می‌خواهیم.

در نماز، اعمال واجب به صورت جمعی انجام می‌شود و در صورتی که نمازگزار مأموم باشد، حمد و سوره نمی‌خواند و صرفاً با استماع قرائت امام جماعت، با او همدل می‌شود و با او به رکوع می‌رود و...

در نماز، حقوق جمع، منظور شده است، از لباس و محل نماز، گرفته، تا سایر توصیه‌های حقوقی که در روایات، رعایت آن‌ها شرط قبولی نماز دانسته شده است، همه و همه مجسم کننده‌ی عدالت اجتماعی در نماز هستند، همان

گونه که روح مسالمت و صلح در زوایای دستوری آن نهفته است، آن جا که در آداب نماز می‌خوانیم: شمشیر و سلاح خود را جلو سجاده نگذار، یا...

نمازگزار، گاهی در قنوت نماز، آمرزش گناهان همه‌ی همسایگان، حقداران، نیاکان و مؤمنان و مؤمنات و خادمان جامعه و کسانی که از او غیبت کرده‌اند، یا او از آنان غیبت نموده، از خداوند تبارک و تعالی مسألت می‌کند. قانونگذار اسلام تأکید دارد تمام این موارد در قالب نماز جماعت و در هیأت گروهی، ادا گردد و برای ترغیب به انجام جمعی آن، ثواب‌هایی فراوان برشمرده است. بنابراین: همزیستی مسالمت آمیز و بازیافت روح موافقت با جمع می‌تواند

[ صفحه ۵۹ ]

به عنوان یکی دیگر از آثار و اسرار نماز مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که مضامین و آداب آن، ناخواسته انسان را به این خصلت و باور سوق می‌دهد.

## زنگ هشدار

سپید گشتن موی تو، ترجمان این سخن است  
به پای خیز ز خواب گران، سپیده دمید

انسانها به جای آنکه از صدای جرس ساعت‌ها، زنگ بیداری را برداشت کنند، از آن به جای نوای لالائی استفاده می‌نمایند. هیچ سرمایه‌ای گران‌بها تر از عمر نیست و ارزان‌تر از آن هیچ چیز به طور دائم و لاینقطع مصرف نمی‌گردد. هیچ امری به اندازه گذر عمر قطعی نیست و هیچ گزاره‌ای به میزان آن مورد تردید عملی انسانها قرار نگرفته است. آیا می‌دانید چرا؟ شاید به این دلیل که:

فرصت از دست می‌رود هشدار  
عمر چون کاروان بی‌جرس است

پس لازم است زنگ‌هایی از نوع دیگر در زندگی انسانها تعبیه گردد. اینک به نقش نماز در این مورد توجه فرمایید:

فرو رفتن در دنیا و گرفتاری‌های زندگی، حساب شب و روز و چگونگی گذشت عمر را از خاطر انسان می‌برد و در این میان انسان، نیازمند مذكر است، تا گذشت ساعات و ایام را به او یادآور شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله العالی، این نقش نماز را، ژرف بینانه ترسیم می‌فرماید:

«انسان از لابلاي مشغولیت‌های فکری که او را احاطه کرده است، به ندرت می‌تواند به خود و هدف زندگی و گذشت لحظات و ساعات و روزها بیندیشد. چه بسا روزها که شب می‌گردد و روزهای دیگری آغاز می‌شود و هفته‌ها و ماه‌ها

[ صفحه ۶۰ ]

که می‌گذرد و انسان به آغاز و پایان آن توجه نمی‌یابد و گذشت زندگی و معنا، یا بطالت آن را احساس نمی‌کند. نماز، یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه روز است، که به انسان برنامه می‌دهد و از او تعهد می‌خواهد. به روز و شبش معنا می‌دهد و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد. در زمانی که انسان، مشغول و بی‌خبر از طی زمان و انقضای عمر است، او را می‌خواند و به او می‌فهماند که: روزی گذشت و روزی دیگر آغاز شد.» [۸]

غفلت از گذشت عمر، نمودی از بعد حیوانی انسان است. قرآن کریم، پس از تشبیه برخی آدمیان به چهارپایان می‌فرماید:

«اولئك هم الغافلون؛ [۲] اینان غافلاند.»

آری! نماز انسان را از غفلت دور کرده، و در مدار توجه می‌نهد. انسانی که:

آفرینش خود را از یاد برده؛ «نسی خلقه» [۳].

عملکرد گذشته را از خاطر برده؛ «نسی ما قدمت یداه» [۴].

و خدای خود را فراموش کرده است. «نسوا الله» [۵].

نوشتاری از آیت‌الله مطهری را مرور می‌کنیم:

«به همان نسبت که وابستگی به غرق شدن در مادیات، انسان را از خود جدا و با خود بیگانه می‌سازد، عبادت انسان را به خویشتن باز می‌گرداند. عبادت، به هوش آورنده و بیدار کننده‌ی انسان است. عبادت، انسان غرق و محو شده در اشیا را، مانند نجات غریق از اعماق دریای غفلت‌ها بیرون می‌کشد. در عبادت و

پرتو یاد خداوند: انسان خود را آنچنان که هست می‌بیند؛ به نقص‌ها و کسری‌های خود آگاه می‌گردد، از بالا به هستی و حیات و زمان و مکان می‌نگرد، و در عبادت است که انسان به حقارت و پستی آمال و آرزوهای محدود مادی پی می‌برد و می‌خواهد خود را به قلب هستی برساند.

من همیشه به این سخن دانشمند معروف عصر خودمان «اینشتاین» به دیده‌ی اعجاب می‌نگرم. این دانشمند، متخصص در فیزیک و ریاضی است، نه در مسایل روانی و انسانی و مذهبی و فلسفی. او پس از تقسیم مذهب به سه نوع، نوع سوم را که مذهب حقیقی است، «مذهب وجود» یا «مذهب هستی» می‌نامد و احساسی را که انسان در مذهب حقیقی دارد، این چنین شرح می‌دهد:

در این مذهب، فرد، کوچکی آمال و هدف‌های بشر و عظمت و جلالی که در ماورای پدیده‌ها در طبیعت و افکار، تظاهر می‌نماید، حس می‌کند. او وجود خود را یک زندان می‌پندارد، چنان که می‌خواهد از قفس تن پرواز کند و تمام هستی را یک باره به عنوان یک حقیقت واحد دریابد.» [۶].

[۱] از ژرفای نماز / ۸۰.

[۲] اعراف / ۱۷۹.

[۳] یس / ۷۸.

[۴] کهف / ۵۷.

[۵] حشر / ۱۹.

[۶] احیای فکر دینی / ۱۰۵.

## همراهی با هستی

آیا تاکنون فهرستی از خصوصیات یا کارکرد مشترک همه‌ی اجزای هستی را تهیه کرده‌اید؟ از خصوصیات مشترک جانداران چطور؟

به نظر شما خصوصیات یا کارکرد مشترک انسان‌ها که به میزان‌های متفاوت و گونه‌گون، هر یک از انسان‌ها واجد آن هستند، کدام است؟

در جدول زیر حداقل سه مورد از خصوصیات مشترک هر کدام را بنویسید.



جدول ۹. خصوصیات مشترک موجودات:

۱. مشترکات تمام موجودات:

الف:

ب:

ج:

۲. مشترکات جانداران:

الف:

ب:

ج:

۳. مشترکات انسانها:

الف:

ب:

ج:

همه موجودات هستی، همواره هستی آفرین را می‌ستایند؛ قرآن کریم می‌فرماید: «ان من شیء الا یسبح بحمده؛ [۱] . هیچ چیز در دایره‌ی وجود نیست، مگر آن که خدا را تسبیح می‌گوید.» [۲] .

حتی غرش ابرها پیام‌آور تسبیح الهی‌اند [۳] آن‌ها که فاقد شعور و ادراکند، خدای را می‌ستایند، چگونه ممکن است انسان شعورمند و با ادراک در برابر عظمت

خداوند کرنش نکند؟! آنها که برای وجودی دیگر آفریده شده‌اند، در پی سپاس خالقند، پس چرا انسان که وجودش مستقل و بهره‌مندترین موجودات هستی است با آن‌ها همراهی نکند! آیا این از انصاف، دور نیست؟!

نماز، برترین، زیباترین و پسندیده‌ترین کرنش‌ها را دربر دارد و انسان در قالب نماز، همراه با هستی، هستی بخش را تقدیس می‌کند.

[۱] اسراء / ۴۴.

[۲] برای آگاهی بیشتر، ر.ک: فلسفه‌ی اخلاق / ۱۲۳؛ فطرت / ۱۸۰ و طهارت روح ۴۰ - ۳۵؛ استاد مطهری.

[۳] رعد / ۱۳ (و یسبح الرعد بحمده).

## بهداشت جسم و نظافت لباس

آیا برای شما امکان دارد یک گزارش مقایسه‌ای از وضع بهداشت در پنج کشور اسلامی و پنج کشور غیر اسلامی تهیه و ارائه کنید.

چرا مسلمانان، موضوع بهداشت و نظافت را جدی نمی‌گیرند؟

فهرستی از رفتارهای غیر بهداشتی موجود در کشورهای اسلامی خصوصا در مجامع دینی را در جدول زیر بنویسید:

جدول ۱۰. رفتارهای غیر بهداشتی در مجامع اسلامی و دینی:

۱.

۲.

۳.

آیا هیچ مکتبی را سراغ دارید که روزانه پنج نوبت شست شوی دست‌ها و صورت و پاکیزگی لباس را برای مراسمی عبادی، واجب کرده باشد؟

این تکلیف، چه نقشی در بهداشت فردی دارد؟

[ صفحه ۶۴ ]

بی‌تردید، وضو و غسل، مقدمه‌ی نماز هستند و به طفیل ذی المقدمه به عرصه‌ی الزام و وجوب راه یافته‌اند و هرگز نمی‌توان چنین گفت که: نماز، واجب و مفید است؛ زیرا مقدمه‌ی آن موجب بهداشت جسم می‌شود؛ ولی می‌توان در کنار سلامت روح و بهداشت روانی نمازگزار به این درآمد نیز اشاره کرد، که نمازگزار از نوعی مواهب تبعی و جسمی نیز برخوردار می‌گردد؛ چرا که جسم او روزانه چندین بار در قالب وضو و غسل شست شو می‌شود و مجبور است مواضع وضو را از هر گونه آلودگی و مانعی پاک سازد. همچنین باید لباس‌های خود را پاکیزه و زینت ظاهری

آنها را فراهم نماید [۱] و هنگام نماز در حد توان، آراسته و معطر باشد. [۲] تأثیر این نظم ظاهری در سایر بخش‌های زندگی نمازگزار نیز باقی می‌ماند و او را شخصیتی آراسته و منظم معرفی می‌کند. یک پزشک متخصص می‌گوید:

«قبض و بسطی که عروق جلدی در قالب جریان آب در وضو بر آنها می‌یابند، موجب ازدیاد حرکت قلب و نشاط مبادلات جسمی می‌گردد و حرکات تنفسی، جذب اکسیژن و دفع کربن را آسان می‌نماید و سبب تمدد اعصاب می‌شود. همچنین او را از ابتلا به بیماری‌های مختلف مصون می‌دارد. همان گونه که شست شوی اجباری دست‌ها برای وضو، روزانه حداقل پنج بار، عامل نظافت دست‌ها و پیشگیری از ورود میکروب‌های مختلف به دهان و ابتلا به بیماری گوارشی و سایر بیماری‌ها صعب‌العلاج می‌شود.» [۳]

[ صفحه ۶۵ ]

یکی از استادان دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه قاهره، پایان نامه‌ی دکترای خود را به بررسی تأثیر شگفت‌انگیز نماز در صیانت از بیماری‌های عضلانی از جمله فراخی رگ‌های پا، اختصاص داده و کتابی در این زمینه تدوین و در آن به طور مبسوط آثار طبی نماز بر عضلات پا را، بررسی کرده است. [۴]

و دیگر بار، باید گفت: نماز، یک عبادت است، و یک امر روحانی و عبادی اصولاً نیازی به چنین توجیهاتی ندارد.

[۱] اعراف / ۳۱؛ «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد».

[۲] توضیح المسائل، مسأله‌ی ۸۶۸؛ حضرت امام خمینی رحمه الله علیه پوشیدن پاکیزه‌ترین لباس‌ها و جامه‌ی سبید و استعمال بوی خوش را از مستحبات لباس نمازگزار، برشمرده‌اند.

[۳] روح الصلاة فی الاسلام / ۸۲.

[۴] معجزه الصلاة فی الوقایه من مرض دوالی الساقین، عنوان کتاب فوق و دارالنشر للجامعات المصریه - مکتبه الوفاء آن را چاپ کرده است. دانشمندی دیگر به نام دکتر فارس علوان از دانشگاه جده، کتابی با عنوان «و فی الصلاة صحة و وقایه» تدوین کرده است. این کتاب از سری کتاب‌های «صحتک فی عبادتک» از «دار المجتمع» است، که به بررسی آثار نماز در سلامت جسم و بدن پرداخته و پژوهشی نسبتاً جامع در این باره ارائه کرده است.

## احساس قدرت و عزت

نماز، احساس تواضع را در انسان برمی‌انگیزد، اما هرگز به نمازگزار اجازه نمی‌دهد در خود احساس فرومایگی کند.

نماز، انسان را به قدرت لایزال الهی متصل می‌گرداند و از این جهت، احساس قدرت و عزت را در نهادش پدید می‌آورد. امام علی علیه‌السلام در مناجات با خدای متعال از راز رسیدن به عزت، پرده برمی‌دارد:

«الهی کفی بی‌فخرا ان اکون لک عبدا و کفی بی‌عزا ان تکون لی ربا: [۱] .

خدایا! این افتخار مرا بس، که بنده‌ات باشم و این عزت، مرا کافی که تو پروردگار من باشی! نماز، سندی است بر عبودیت برترین مخلوق، در پیشگاه پروردگاری خالق، و شاهد صدقی بر این پیوند عاشقانه و سرافرازانه.

[ صفحه ۶۶ ]

[۱] بحارالانوار، ج ۷۷ / ص ۴۰۰؛ خصال ج ۲ / ص ۴۵۲.

## آزمون

۱. استاد مطهری رحمه الله علیه فطری بودن پرستش را چگونه تبیین می‌کند؟
۲. معادله‌ی عقلانی قرآن کریم را درباره‌ی قابلیت نداشتن غیر خدا برای پرستش را توضیح دهید.
۳. پیام قرآن در زمینه‌ی پرستش چیست؟ معیار معبود بودن در قرآن را، با ذکر آیه، بنویسید.
۴. چگونه نماز بینش وسیع و روحیه‌ی سازگاری با جمع را به انسان می‌آموزد؟
۵. کلام مقام معظم رهبری را در خاصیت هشدار نماز، شرح دهید.
۶. قرآن، در کدام آیه و چگونه غفلت را ناشی از حیوانیت می‌داند؟
۷. مراد از همراهی انسان با هستی در نماز چیست؟
۸. درباره‌ی تأثیر جریان آب وضو بر بدن انسان، چه تحقیقی و از سوی چه کسانی ارائه شده است؟
۹. چند مورد از مستحبات مربوط به بدن و لباس نمازگزار را ذکر کنید؟
۱۰. چگونه نماز در انسان، احساس قدرت و عزت را برمی‌انگیزد؟ سخنی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام را در این زمینه بنویسید.

[ صفحه ۶۷ ]



## سابقه‌ی تاریخی نماز

کهن‌ترین عبادتی که در تمام ادیان گذشته، سابقه‌ی حضور دارد، نماز است. اینک به بررسی نمونه‌هایی از آن از منظر روایات می‌پردازیم:

۱. نماز حضرت آدم علیه‌السلام: از صحف حضرت ادریس نقل شده که خداوند در نخستین روز اقامت حضرت آدم و حوا در زمین، نماز عصر و مغرب و عشا را مجموعاً ۵۰ رکعت به حضرت آدم واجب کرد. [۱].

۲. نماز حضرت شیث علیه‌السلام: وقتی حضرت آدم وفات یافت حضرت شیث او را غسل داد و بر وی نماز خواند. [۲].

۳. نماز حضرت ادریس علیه‌السلام: امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاران خود سفارش فرمود: وقتی به مسجد کوفه شرفیاب شدی، به مسجد سهله نیز برو و در آن جا نماز بخوان و از خدا، حاجت بخواه؛ زیرا مسجد سهله، خانه‌ی حضرت ادریس است، که در آن خیاطی می‌کرد و نماز می‌خواند. [۳].

[ صفحه ۶۸ ]

۴. نماز حضرت نوح علیه‌السلام: کشتی حضرت نوح، دارای پنجره‌ها و سوراخ‌هایی بود، که نور خورشید از آنها به درون می‌تابید و از این طریق، وقت نماز را تشخیص می‌دادند. [۴].

۵. نماز حضرت صالح علیه‌السلام: وقتی قوم صالح از او خواستند به عنوان نشانه‌ی پیامبری ناقه‌ای را از کوه بیرون آورد، حضرتش فرمود: آنچه از من خواستید، کاری دشوار، ولی نزد خداوند آسان است. سپس به پا خاست؛ دو رکعت نماز خواند و سر به سجده نهاد: آن گاه تضرع کرد، و قبل از آن که سر از سجده بردارد، کوه به فرمان خداوند شکافته شد و صدایی از آن به گوش رسید که جمعی را مدهوش کرد و ناقه‌ای با همان خصوصیات ظاهر گشت. [۵].

۶. نماز حضرت ابراهیم علیه‌السلام: حضرت ابراهیم آن گاه که همسر و فرزند خود را در کنار کعبه‌ی نوینیا نهاد، دست به دعا برداشت: «خدایا! من، خاندان خود را در سرزمینی غیر حاصلخیز و کنار خانه‌ات ترک نمودم، تا نماز را به پا دارند؛ پس دل‌های مردم را در هوای (گرو) آنان قرار ده.» [۶].

۷. نماز حضرت اسماعیل علیه‌السلام: قرآن کریم، او را از این جهت ستوده، که خاندان خود را به نماز توصیه می‌فرمود. [۷].

۸. قرآن کریم، پس از اشاراتی به تاریخ حضرت اسحاق، یعقوب و لوط علیهم السلام می‌فرماید: ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که مردم را به مکتب‌مان هدایت می‌کنند و به آن‌ها انجام نیکی‌ها، اقامه‌ی نماز و ادای زکات را الهام کردیم. [۸].

[ صفحه ۶۹ ]

۹. نماز حضرت شعیب علیه السلام: بت پرستان در برابر دعوت آن حضرت به پرستش خداوند یکتا می‌گفتند: آیا نماز تو، فرمان می‌دهد که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، رها کنیم؟ [۹].

۱۰. نماز حضرت موسی علیه السلام: وقتی حضرت موسی به کوه طور آمد و پیام رسالت را دریافت داشت، خداوند متعال به او فرمود: من خدای یکتایم؛ پس مرا عبادت کن و نماز را به پا دار! [۱۰].

۱۱. نماز حضرت لقمان علیه السلام: حضرت لقمان ضمن وصایای حکیمانه‌ی خود به فرزندش می‌فرماید: ای فرزندم! نماز را به پا دار. [۱۱].

۱۲. نماز حضرت داوود علیه السلام: حضرتش روزی را جهت رسیدگی به امور مردم و داوری در میان آنان و روزی دیگر را به عبادت می‌گذارد، که در آن، به دور از همه‌ی مردم در محراب خود به نماز می‌ایستاد. [۱۲].

۱۳. نماز حضرت سلیمان علیه السلام: نماز صبح را در شهر شام و نماز ظهر همان روز را در فارس می‌گزارد. [۱۳].

۱۴. نماز حضرت یونس علیه السلام: در تفسیر آیه‌ی «فلولا انه كان من المسبحين» [۱۴] گفته شده: مراد آن است که اگر حضرت یونس از نمازگزاران نبود، زمانی بیشتر در شکم ماهی باقی بماند. [۱۵].

[ صفحه ۷۰ ]

۱۵. نماز حضرت زکریا علیه السلام: در حالی که زکریا در محراب عبادت خود به نماز مشغول بود ملائک بشارت تولد یحیی را به او دادند. [۱۶].

۱۶. نماز حضرت عیسی علیه السلام: آن گاه که در میان گهواره به امر خداوند، سخن آغاز کرد خود را اینگونه معرفی نمود: من بنده‌ی خدا هستم، که مرا پیامبر قرار داد و در هر جا که باشم مرا مایه‌ی برکت قرار داد و به نماز و زکات تا وقتی جان در بدن دارم مرا توصیه نمود. [۱۷].

۱۷. نماز حضرت ایوب علیه السلام: وقتی خداوند روحیه‌ی بندگی حضرت ایوب را ستود، شیطان حسادت کرد و گفت: خدایا! اموال او را از وی بستان و بین آیا باز هم چنین روحیه‌ای خواهد داشت؟! خداوند، همه‌ی احشام ایوب را نابود کرد. شیطان در لباس چوپانی، نزد حضرتش آمد و وی را به نماز ایستاده، دید. پس از نماز به او گفت: آیا می‌دانی خدایی که تو برای او عبادت می‌کنی، با شترهایت چه کرد؟ حضرت ایوب فرمود: مال من نبوده؛ مال خود او بوده و به عاریه داده بود و او صاحب اختیار است که هر وقت بخواهد بستاند... [۱۸].

۱۸. نماز حضرت خضر علیه السلام: علی بن ابراهیم گوید: پدرم در مسجد کوفه، حضرت خضر را زیارت کرد که در جای جای مسجد نماز می‌خواند. [۱۹].

در مورد سابقه نماز در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین می‌خوانیم:

«هی آخر وصایا الانبیاء» [۲۰].

آری تمام پیامبران الهی، با نماز مأنوس و سفارش کننده به آن بودند.

[ صفحه ۷۱ ]

[۱] بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۹۶.

[۲] همان / ص ۲۶۳.

[۳] همان / ص ۲۸۰.

[۴] بحار الانوار ج ۱۱ / ص ۳۳۳.

[۵] همان / ص ۳۸۳.

[۶] ابراهیم / ۳۷؛ «ربنا انی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم ربنا لیقیموا الصلوة...».

[۷] مریم / ۵۵.

[۸] انبیا / ۷۳.

[۹] هود / ۸۷.

[۱۰] طه / ۱۴.

[۱۱] لقمان / ۱۷.

[۱۲] بحار الانوار، ج ۱۴ / ص ۲۰.

[۱۳] همان / ۹۹.

[۱۴] صافات / ۱۴۳ - ۱۴۴.

[۱۵] مجمع البیان، ج ۸ / ص ۴۵۹ ذیل آیه‌ی مذکور.



[۱۶] آل عمران / ۳۹.

[۱۷] مریم / ۳۱ - ۳۰.

[۱۸] بحارالانوار، ج ۱۲ / ص ۳۵۸.

[۱۹] همان / ج ۱۳ / ص ۳۳۰.

[۲۰] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۰۶.

## تشریع نماز در اسلام

مشهور چنین است که حکم وجوب نماز را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سفر معراج دریافت و به مسلمانان ابلاغ کرد. از سویی دیگر: صفحات نخستین روز شمار تاریخ اسلام، تصویرهایی از نماز پیامبر اکرم؛ امام علی و حضرت خدیجه - سلام الله علیهم - را فراروی قریش و در کنار کعبه در خود جای داده است. [۱].

در این جا سؤال مطرح می گردد که: اگر نماز در لیلۃ الاسراء تشریع گردید، آیا مسلمانان نخستین، نماز نمی گزاردند؟ علامه طباطبایی رحمه الله علیه می فرماید:

براساس روایات، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز مغرب را در مسجد الحرام خواند و سپس سفر به مسجد الاقصی را آغاز کرد و این مطلب با روایاتی که می گوید: نمازهای پنج گانه در لیلۃ الاسراء واجب شد، منافاتی ندارد. زیرا اصل نماز، پیش از این تاریخ نیز واجب بود، چنانکه آیات نهم و دهم سوره ی علق: (ارایت الذی ینهی، عبدا اذا صلی) بر نماز رسول خدا، پیش از هجرت و در اوایل بعثت، دلالت دارد؛ آن دوران که ابوجهل و مردمان نااهل، نماز پیامبر و اصحابش را به تمسخر می گرفتند، اما تعیین رکعت ها و نظام کنونی نمازها در آن سفر آسمانی صورت گرفت.

از اخبار چنین برمی آید که: نماز در همه ی شرایع و ادیان، سابقه داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز که قبل از اسلام از «دین حنیف» پیروی می کردند، حتی پیش از بعثت، در اقامت های طولانی در غار حرا به این عبادت

[ صفحه ۷۲ ]

اشتغال داشته و پس از بعثت نیز نماز، نخستین مراسم دینی مسلمانان بوده است، اما در شب معراج و نخستین سال های تشکیل حکومت در مدینه، شکل و تعداد رکعات نماز تعیین گردید.

[۱] بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۷۹.

## قبله

آیا تاکنون از خود پرسیده‌اید که چرا باید نماز را رو به قبله بخوانیم؟ مگر خدا درون کعبه است؟ او که مکانی خاص ندارد، پس چرا باید هنگام توجه به او، به سوی کعبه و مکان خاص رو کنیم؟

ابتدا خوب است بدانیم قبله کنونی مسلمانان در چه زمانی تعیین شد، سپس به پاسخ پرسش‌ها بپردازیم. شانزده ماه از تشکیل حکومت اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه گذشت، در کنار هجده‌ها و عملیات نظامی، نوعی جنگ روانی و تبلیغاتی، پیوسته نهاد پیامبر رحمت را به خود مشغول می‌داشت؛ چرا که یهودیان یثرب همواره مسلمانان را به دلیل نداشتن قبله‌ای مستقل، و روی آوردن آنان به بیت المقدس، برای عبادت، سرزنش می‌کردند و رهبر جامعه‌ی اسلامی بی‌صبرانه نزول پیک الهی را در امر تغییر قبله انتظار می‌کشید، تا آنکه روز دوشنبه نیمه ی رجب سال دوم هجرت، این آیه نازل شد:

«قد نرى قلب وجهک فی السماء فلنولينک قبلة ترضاها فول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره: [۱].

[ صفحه ۷۳ ]

ما، توجه تو را به سوی آسمان - به انتظار وحی و تغییر قبله - بنگریم و البته، رویت را به قبله‌ای برگردانیم که بدان خرسند شوی. پس: روی کن به مسجد الحرام. و شما مسلمانان نیز هر کجا بودید، به آن سو رو کنید...»  
با این پیام، قبله‌ی مسلمانان یک نیم دایره تغییر کرد و از شمال به سمت جنوب، جهت گرفت. محل نزول این آیه، «ذوقبلتین» نام گرفت و مسلمانان از آن پس، با خشنودی و افتخار، به سوی کعبه نماز گزاردند.  
اینک نوبت پاسخ به پرسش‌های فوق می‌رسد. خدا مکانی خاص ندارد و مکان نمی‌پذیرد. قرآن با صراحت در این باره می‌فرماید:

فاینما تولوا فثم وجه الله [۲]؛ به هر طرف رو کنید، به سوی خدا روی آورده‌اید.

اما بیت، نشانی از صاحب بیت دارد. لذا جهت‌گیری جسم‌ها به سوی آن خانه است و جهت‌گیری جان‌ها به سوی صاحب خانه! خانه‌ای که مقدس‌ترین مکان‌های زمین بوده، نشانه‌هایی از پیامبران بزرگ خدا دارد و کتاب مجسم خاطرات توحیدی است. آری! آن جا که پایگاه توحید است، قبله‌ی موحدان قرار گرفته، تا با توجه به این مرکز معنوی که از هر آلایشی به دور است، تمام آلایش‌ها را از دل، دور و قلب را به سوی او پرواز دهیم. [۳].

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«آن گاه که به سوی قبله رو کردی، از تمام دنیا و شؤون دنیایی و خلاق و امور مربوط به آنان مأیوس باش و قلب خود را از هر سر گرم کننده‌ای پاک کن و

[ صفحه ۷۴ ]

در درون، عظمت خدا را مجسم دار و به یادآور وقوف خود را در پیشگاه خدا، آن زمان که اعمال گذشته‌ی هر یک از انسان‌ها پیش روی آنان نهاده می‌شود...» [۴].

در هر سجده‌ای که دل به سوی حق می‌نهد، جسم نیز به سمت و سویی است، پس چه بهتر که همه‌ی موحدان، جهتی واحد داشته باشند و در برابر خانه‌ای بایستند، که برای عبادت برپا شده است. نظمی یکسان و ترکیبی هماهنگ را بپذیرند و نه تنها در عبادت، بلکه در همه‌ی فعالیت‌ها و تلاش‌ها، همانند ذبح حیوانات، خواب، خوراک، پوشیدن لباس و... به صورت‌هایی الزامی و ترجیحی، پیرو همین نظم و صبغه و آهنگ معنوی باشند.

[۱] بقره / ۱۴۴.

[۲] بقره / ۱۱۵.

[۳] برای آگاهی از مشخصات و سابقه‌ی تاریخی کعبه، بنگرید به: تاریخ و آثار اسلامی مکه‌ی مکرمه و مدینه منوره: انتشارات مشعر: اخبار مکه و ما جاء فیها: تألیف ابوالولید ازرقی، الغرام باخبار البلاد الحرام؛ تألیف دکتر عمر عبدالسلام و اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه: تألیف عبدالملک بن عبدالله بن وهیش.

[۴] محجه البیضاء، ج ۱، ص ۳۸۲.

## معنای واقعی اقامه‌ی نماز

قرآن، بیش از صد و دو بار، از نماز و احکام و آثار گوناگون آن سخن رانده، اما معمولاً «اقامه‌ی نماز» محور سخن و تأکید بوده است. اینک باید پرسید: چه فرقی است بین گزاردن نماز و به یادداشتن آن؟ برای درک تفاوت بین این دو مفهوم، گفتاری زیبا از مقام معظم رهبری - مدظله العالی - را مرور می‌کنیم:

«به نظر می‌رسد که اقامه‌ی نماز، چیزی فراتر از گزاردن نماز است؛ یعنی: فقط همین نیست که کسی خود، به عمل نماز قیام کند، بلکه این نیز هست که در جهت و سمتی که نماز بدان فرامی‌خواند، به راه افتد و دیگران را نیز به راه اندازد. گویا برپا داشتن نماز، آن است که انسان با کوششی بایسته، جو و فضای زندگی خود و دیگران را جوی نماز گزارانه یعنی خداجویانه و خداپرستانه بسازد و همه را در خط و جهت نماز به راه افکند.» [۱].

استاد مطهری نیز می‌نگارد:

«به پا داشتن نماز، آن است که حق نماز ادا شود؛ یعنی: نماز به صورت یک پیکر بی‌روح انجام نگیرد، بلکه نمازی باشد که واقعا بنده را متوجه خالق و آفریننده‌ی خویش سازد.» [۲] .

یکی از استادان دانشگاه دمشق برای توجیه دانشجویان، چنین نگاشته است:

«اقامه‌ی نماز، یعنی ادای آن به بهترین وجه ممکن، که از طریق:

۱. دقت در تحصیل طهارت، شادابی و صحت وضو، پاکی بدن، لباس و مکان نماز، و پاکی از آلودگی‌های اخلاقی زشت به وسیله‌ی توبه و پشیمانی؛ چرا که وضو و نظافت ظاهری باید همراه با صفا و طهارت قلب باشد؛

۲. دقت در انجام واجبات و مستحبات نماز و ارائه‌ی صحیح اذکار آن به عنوان ساختار و ارکان نماز؛

۳. مواظبت بر روح نماز (اخلاص و حضور قلب) به وسیله‌ی خشوع و فروتنی و آرامش بدن، در نماز امکان‌پذیر خواهد بود.» [۳] .

خداوند متعال می‌فرماید: «قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون» [۴] .

هدف از نماز، خشوع قلبی است، نه فقط خضوع بدنی؛ بنابراین: خداوند هرگز نمی‌پذیرد که نمازگزار به زبان بگوید: «الله اکبر»، ولی در قلب او چیزی دیگر بزرگ‌تر باشد، یا بگوید: «وجهت وجهی» در حالی که جانش متوجه غیر خدا و مشاغل دنیایی و بهره‌های ناپایدار آن باشد.

[۱] از ژرفای نماز / ۱۵.

[۲] آشنایی با قرآن / ۶۸.

[۳] الصلاة / ۳۲.

[۴] مؤمنون / ۱.

۱. سابقه‌ی تاریخی نماز را، با ذکر خاطره‌ی ارتباط شش تن از انبیای الهی با نماز بنویسید.
۲. آیه‌ی «فلولا انه كان من المسبحين» چه معنایی را درباره‌ی کدام یک از انبیای الهی بیان می‌کند؟
۳. کدام پیامبر، در گهواره، زبان به سخن گشود و چه مطالبی را بیان فرمود؟
۴. سرگذشت گفت‌گوی شیطان با حضرت ایوب علیه‌السلام را بیان کنید.
۵. یک روایت از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی ارتباط تمام انبیای الهی با نماز، ذکر کنید.
۶. حکم وجوب نماز در چه زمانی و چگونه نازل شد؟
۷. قبله‌ی مسلمانان در چه تاریخی و به دنبال چه حوادثی تغییر کرد؟
۸. چرا مسلمانان، هنگام نماز، روی به جهتی خاص دارند؟
۹. مقام معظم رهبری - مدظله‌العالی - در تحقق مفهوم اقامه‌ی نماز، چه شرایطی را دخیل می‌دانند؟
۱۰. شرایط سه‌گانه‌ی نویسنده‌ی عرب زبان را، در تحقق معنای اقامه‌ی نماز، بنویسید؟

## اهتمام به نماز

به رغم اهمیت فراوانی که فریضه‌ی مهم نماز در میان عبادات و احکام شرعی دارد، اهتمام مسلمانان به آن و ابعاد گوناگونش اندک است. ابلیس و تمام شیطان صفتان در طول تاریخ بر آن بوده‌اند که محتوای این عبادت بزرگ را از جوامع اسلامی محو کنند، اگرچه صورت آن باقی بماند و در این طریق، دست به هر اقدامی آلوده‌اند. چرا که سلطه‌ی خود را در گرو از میان برداشتن این عزیمت می‌دانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«لا يزال الشيطان يربع من بني آدم ما حافظ على الصلوات الخمس فاذا ضيعهن تجرأ عليه و اوقعه في العظام؛ [۱] همواره شیطان از فرزند آدم در ترس و وحشت است، مادام که او بر انجام نمازهای پنج گانه دقت دارد. پس: آن گاه که آن را تضييع کند، شیطان جرأت می‌یابد و او را به گناهان بزرگ می‌افکند.»

و حضرت علی علیه‌السلام نماز را به سنگری در برابر وسوسه‌های شیطان تشبیه می‌فرماید. [۲] بنابراین از آن جهت که نماز، مزاحم نفوذ و سلطه‌ی شیاطین است، آنان نیز به جد با اقامه و برپایی آن در ستیزند. درک این حساسیت باید

[ صفحه ۷۸ ]

درجه‌ی اهتمام به این فریضه را افزایش دهد؛ هر چند باید با تأسف گفت: در جوامع اسلامی و بین ملت‌های مسلمان، شاهد آن نیستیم.

می‌دانیم پس از تحکیم پایه‌های اعتقادی (اصول دین) نخستین گام عملی، در حوزه‌ی شریعت، به سوی نماز برداشته می‌شود [۳] و نماز با عناوینی همچون: مایه‌ی خشنودی خدا، [۴] رأس الاسلام [۵]، سنگری در برابر حمله‌های شیطان [۶]، واپسین وصیت پیامبران [۷]، محبوب‌ترین عمل نزد خداوند متعال [۸] نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم [۹]، پایه‌ی دین [۱۰] و تعبیری از این قبیل ستوده شده است. اولیای الهی شب و روز خود را همچون گرسنه‌ای در پی طعام و تشنه‌ای در جست و جوی آب، با یاد و در انتظار نماز وقت ملاقات با خدا سپری می‌کردند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از تشریح عطش و اشتیاق خود به نماز فرمود:

«و انا لا اشبع من الصلاة؛ [۱۱] هر گرسنه‌ای با غذا سیر می‌شود و با آب، سیراب؛ اما من از نماز سیر نمی‌شوم.»

ایشان، هنگام نماز، کسی را نمی‌شناخت و با همگان جز خدا بیگانه بود. [۱۲].

چرا چنین به نماز نگریسته شده است و آن را این اندازه مهم دانسته‌اند؟ به عبارت دیگر، این عبادت چه امتیازی بر عبادات دیگر دارد؟

آیا می‌توانید حدس بزنید چرا اسلام این قدر به نماز اهمیت داده و تعبیری همانند تعبیرات پیشگفته را درباره‌ی نماز به کار برده است که در زمینه‌ی سایر وظایف به کار نگرفته است؟ این موارد را در جدول زیر بنویسید.

جدول ۱۱. ادله‌ی اهمیت نماز در مقایسه با سایر تکالیف:

- ۱.
- ۲.
- ۳.
- ۴.

[۱] بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۲۰۲.

[۲] «الصلوة حصن من سطوات الشيطان» غررالحکم و دررالکلم.

[۳] کان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم اذا اسلم الرجل، علمه الصلاة؛ الصلاة / ۱۲۵.

[۴] «فيها مرضاة الرب»؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۱.

[۵] «فانها راس الاسلام بعد الاقرار بالدين.» همان، ج ۷۷، ص ۱۳۷.

[۶] «الصلاة حصن من - سطوات الشيطان.» غررالحکم و دررالکلم.

[۷] «و هي اخر وصايا الانبياء.» وسائل الشيعه، ج ۲۶، ص ۳.

[۸] «احب الاعمال الى الله عزوجل الصلوه...» همان.

[۹] «قرة عيني في الصلاة.»؛ بحارالانوار، ص ۷۷ / ج ۷۷.

[۱۰] «ما من شيء بعد المعرفة يعدل هذا الصلاة.»؛ همان، ج ۹۹، ص ۱۴.

[۱۱] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۳.

[۱۲] «كان رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) اذا دخل وقتها كأنه لا يعرف اهلا ولا حميما»؛ تنبيه الخواطر / ۳۲۳.

## وجوه اهمیت نماز

### نماز؛ وجه مشترک ادیان آسمانی

ادیان آسمانی که همگی در دعوت به عبادت خدا و دوری از طاغوت با هم متحد بودند، در جدول تکالیف، وظایفی گوناگون را بر عهده بندگان می‌نهادند، ولی قدر مشترک تمام آن‌ها، اقامه‌ی نماز بود و همان گونه که در درس پیشین گفته شد، این عبادت، در عرصه‌ی هر یک از ادیان الهی، سابقه‌ی حضور داشته است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آن به عنوان «نهج الانبیاء» و شیوه‌ی تمام پیامبران یاد کرده است. [۱].

[ صفحه ۸۰ ]

[۱] بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۱.

### نماز، سیمای دین

هر یک از ادیان برای اعلام موجودیت از وسیله و ابزاری خاص استفاده می‌کنند؛ همانند آتش، بوق، ناقوس و.... این وسیله‌ی اعلام، نوعی ابزار دعوت همگانی به انجام مراسم دینی نیز تلقی می‌شود. در اسلام، اذان عنوان این وسیله‌ی عمومی است، که در قالب دعوت به نماز، نقش دعوت به اسلام را ایفا می‌کند. همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر آیه‌ی: «و من احسن قولا ممن دعا الی الله» [۱] فرمودند: مراد از دعوت کننده به سوی خدا، مؤذن است. [۲].

[۱] فصلت / ۳۴.

[۲] تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۰۹.

### نماز، فریضه‌ای همیشگی و همگانی

روزه بر کسانی که سلامت جسمی دارند؛ خمس، زکات و حج بر کسانی که تمکن مالی دارند، واجب است. همچنین زنان و پیرمردان از حضور در صحنه جهاد معافند، اما نماز، فریضه‌ای همیشگی و همگانی است. همه مردان و زنان در همه شرایط، در ناامنی و امنیت، روز و شب، تمام ماههای سال، ثروتمند و فقیر، صحیح و مریض، مقیم و مسافر



باید نماز بگزارند. قرآن می‌فرماید: اگر شرایط، چنان سخت بود که مجال پیاده شدن از مرکب وجود نداشت، پیاده یا سواره باید به انجام این فریضه اقدام گردد. [۱].

آیا تاکنون فکر کرده‌اید به چه دلیل در بدو تولد، کودک را با صلا‌ی نماز، آشنا می‌کنند و اذان و اقامه در گوش او می‌دمند و پس از مرگ و قبل از دفن بر پیکر

[ صفحه ۸۱ ]

بی‌جان انسان نماز می‌خوانند؟! چرا نخستین گام در عرصه‌ی تکلیف، به سوی نماز برداشته می‌شود و چرا اولیای الهی در واپسین لحظات عمر معمولاً اجازه‌ی دو رکعت نماز خواندن را می‌خواستند؟ آیا پاسخ این چراها نمی‌تواند از اهمیت این فریضه‌ی بزرگ که باید سراسر عمر را فراگیرد، خبر دهد؟

[۱] بقره / ۲۳۹. فقط زنان در زمان عذر ماهیانه از نماز معافند که به آنان نیز توصیه شده به هنگام نماز در مصلا‌ی خود بنشینند و به ذکر خدا

مشغول شوند.

## نماز، امداد الهی

استعانت از غیر خدا، امری است که هر روزه و در هر نماز به عنوان یک ضد ارزش تلقی گردیده و در نمازهای یومیه تأکید می‌شود که «ایاک نعبد و ایاک نستعین». قرآن نیز به دو امر به عنوان ابزار استعانت اشاره کرده است: «صبر و صلا» [۱] و پیشوایان دین برای رفع مشکلات زندگی و دستیابی به خواسته‌ها، نمازهایی گوناگون را توصیه کرده‌اند. شکی نیست که نظام جهان، بر اسباب و علل مادی تکیه دارد، ولی جریان اسباب نیز به فرمان خداوند متعال است و نیروی غیبی را برای هماهنگی این عوامل به کمک می‌خواند که این امداد غیبی در پرتو نماز فراهم می‌آید.

در روایتی چنین می‌خوانیم:

«کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اذا حزنه امر فزع الی الصلا»؛ [۲].

پیامبر اکرم هر گاه از امری نگران می‌گردید به نماز پناه می‌برد.

بنابراین: نماز از آن جهت که نقشی مؤثر در پیشبرد امور زندگی انسان‌ها دارد، عبادتی مهم و تعیین کننده تلقی می‌گردد.

[ صفحه ۸۲ ]

[ ۱ ] بقره / ۴۵.

[ ۲ ] بحارالانوار، ج ۸۲ / ص ۱۹۲.

## نماز و مسجد

یکی دیگر از وجوهی که اهمیت و عظمت نماز را مبرهن می‌سازد، برپایی بنایی خاص برای انجام این فریضه است. مساجد، پایگاه مسلمین برای اقامه نماز به جماعت‌اند و عنوان این بنا، بر انگیزه‌ی ایجاد آن دلالت دارد. [۸].

اجرای این طرح عظیم در تمام نقاط دنیای اسلام و در طول اعصار و قرون که با کمک‌های مالی عموم مسلمانان صورت گرفته است، حکایت از تکریم و تعظیم این وظیفه، در نزد آنان دارد:

«انما يعمر مساجد الله من امن بالله و اليوم الآخر» [۲].

[۸] مسجد: محل سجده.

[۲] توبه / ۱۸.

## تکرار نماز در هر روز

انعطاف مکرر توجه و درخواست انجام پیایی یک وظیفه، انسان را از اهمیت و عظمت آن آگاه می‌کند. اگر به کسی تکلیف شود که باید روزانه پنج بار با شخصیتی ملاقات کند، بدون شک این سؤال پیش می‌آید که: او کیست؟ و چه اندازه اهمیت دارد، که باید هر روز، چندین بار به سراغ او رفت؟ نماز، عبادتی است که هر روزه چند نوبت تمام مسلمانان به سوی آن سوق داده می‌شوند. غیر از ملاقات‌های الزامی که در قالب نمازهای واجب، سامان یافته، ملاقات‌های آزاد نیز برای بندگان، با نماز، پیش بینی گردیده است، که همه و همه، به نیکی از اهمیت این عمل خبر می‌دهد. آری، رکعات نماز، که ظاهراً تکراری می‌نماید پلکانی است، که انسان را به مقامی برتر عروج می‌دهد. [۹].

[ صفحه ۸۳ ]

[۹] قال علی علیه السلام: الصلاة قربان کل تقی. تفسیر نورالثقلین ج ۴ / ص ۲۰۵.

## انواع نماز

هر چند، اصول و ارکان این عبادت بزرگ، در شکل‌های مختلف آن یکسان هستند، تفاوت‌هایی بسیار در مقارنات آن دیده می‌شود؛ مثلاً: از حیث رکعات و رکوع‌ها، قرائات و سور، اذکار و دعا‌های مستحب، در قیاس با ظرف زمانی و نیت اقامه‌ی نماز، و.... برای هر بلا و رخایی نمازهایی پیش بینی شده است؛ نماز استسقا، شکر، خوف، حاجت، زیارت، عید فطر و قربان، جمعه، لیلۃ الدفن، گرسنه، وسوسه، استعاذه، رفع عسرت و سختی، زیاد شدن روزی،

استغاثه، امامان معصوم - علیهم السلام - وصیت، افزونی حافظه، عفو، هر یک از روزهای هفته، نافله‌ی شب و از این دست نمازهایی که برشماری و احاطه بر آنها از حوصله‌ی بحث خارج است. چگونگی اقامه‌ی بیش از سیصد نوع نماز در کتاب‌های ادعیه، زیارات و... ما دیده می‌شود. این گوناگونی به خوبی می‌تواند دلیلی دیگر بر اهمیت این عبادت، تلقی گردد.

## تکفیر تارک نماز

همان گونه که قبلاً اشاره گردید، در صدر اسلام، نوگروندگان پس از اقرار به توحید، از باب نماز به سرای دین، راه می‌یافتند. با استناد به روایات اسلامی این نکته نیز مستدل می‌گردد که خط قرمز دین، ترک نماز است؛ چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«ما بین المسلم و بین ان یکفر الا ان یت ترک الصلاة الفریضة متعمدا او یتهاون بها فلا یصلیها؛ [۱] فاصله‌ای بین مسلمان و کافر نیست، جز آن که نماز را از روی عمد، ترک، یا در انجام آن سستی کند و نماز نخواند.»

[ صفحه ۸۴ ]

در گفتاری دیگر از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

«لا حظ فی الاسلام لمن ترک الصلاة [۲] آن کس که نماز نگذارد، چه سان خود را مسلمان می‌داند؟»

[۱] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۱۶.

[۲] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۲.

## نخستین پرسش در قیامت

در منابع اسلامی به نوعی اولویت در رسیدگی به پرونده‌ی انسان‌ها در قیامت اشاره شده است. نماز، به عنوان نخستین عمل، و قبولی آن شرط رسیدگی به سایر اعمال معرفی شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«ان اول ما یحاسب به العبد الصلاة، فان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها [۱]؛ نماز، نخستین عملی است که محاسبه می‌شود: پس اگر قبول گردید، سایر اعمال نیز قبول می‌شوند، و اگر رد شد، اعمال دیگر نیز پذیرفته نمی‌شوند.»

و در سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم:

«اول ما ينظر في عمل العبد في يوم القيمة في صلاته فان قبلت نظر في غيرها و ان لم تقبل لم ينظر في عمله بشيء:

[۲] نماز نخستین مسأله است که پرونده‌ی آن را، روز قیامت بررسی می‌کنند...»

در روایت دیگری حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«ان كل شيء من عملك تبع لصلاتك: [۳] همه‌ی اعمال تو، تابع نماز تو است.»

[ صفحه ۸۵ ]

[۱] همان / ج ۲۵، ص ۸۳.

[۲] همان / ج ۲۲۷، ص ۸۲.

[۳] بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۲۱.

## برابری نماز با ایمان

از ابتدای بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا حدود شانزده ماه، مسلمانان، نمازهای خود را به سوی بیت المقدس انجام می‌دادند، ولی بنا به مصلحتی خاص و با هدف رهایی از سرزنش‌های یهود، قبله‌ی مسلمانان به سوی کعبه تغییر یافت. به همین جهت، مسلمانان با این سؤال مواجه شدند: حکم نمازهایی که به سوی بیت المقدس گزارده‌اند، چیست؟ آیا آنها مورد قبول قرار می‌گیرد یا نیاز به قضا و تکرار دارد؟ آن گاه این آیه نازل گردید:

«و ما كان الله ليضيع إيمانكم؛ [۱] خداوند، ایمان شما (نمازهای پیشین‌تان) را ضایع نمی‌کند و آنها را بی‌پاداش نمی‌گذارد.» [۲].

[۱] بقره / ۱۴۳.

[۲] مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲۵.

## نقش نماز در اصلاح جامعه

در روایاتی فراوان، اظهار امیدواری شده که نمازخوان، اگر مبتلا به فساد اخلاقی باشد، به تدریج تحت تأثیر معنویت نماز، اصلاح می‌گردد و این دو با هم قابل ادامه نیستند. در روایتی چنین می‌خوانیم: «جوانی از انصار که در صف جماعت با پیامبر نماز می‌خواند، مبتلا به فساد اخلاقی بود. یاران پیامبر با شنیدن این آیه که: نماز، انسان را از فحشا و منکر بازمی‌دارد، [۱] احوال این جوان را گزارش کردند، حضرت فرمودند:

«ان صلاته تنهائیه یوما ما: در آینده، نماز بر او تأثیر می‌گذارد و به صلاحش وامی‌دارد.» دیری نپایید که توبه کرد و روی به نیکی آورد. [۲].

[ صفحه ۸۶ ]

آری، به فرموده‌ی قرآن، تارکان نماز، همان گنهکارانند که وقتی از آنان می‌پرسند: چه چیز، شما را اهل دوزخ گردانید؟ می‌گویند: ما نماز نمی‌خواندیم. [۳] آنان، در آن جهان، حسرت خویش را چنین عیان می‌سازند: «رب ارجعون: خدایا! مرا بازگردان، تا نمازهایی که نخواندم، بخوانم! اما به او پاسخ منفی داده می‌شود. [۴] و چه نیکو فرمود رهبر کبیر انقلاب اسلامی؛ حضرت امام خمینی - قدس سره -:

«هر چه پرونده [جرم و جنایت] پیدا کنید، پرونده‌ی بی‌نمازها است.» [۵].

[ صفحه ۸۷ ]

[۱] عنکبوت / ۴۵.

[۲] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۸.

[۳] مدثر / ۴۳.

[۴] بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۵۸.

[۵] سخنرانی در تاریخ، ۱۴ / ۳ / ۵۹.

## آزمون

۱. شیطان، چه هنگام از انسان بیمناک می‌شود؟ روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این بنویسید؟
۲. روایت «الصلاة حصن من سطوات الشيطان» از کیست و به چه معنا است؟
۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی اشتیاق خود به نماز، چه فرمود؟
۴. چگونه تمام دین در نماز تجلی می‌یابد؟
۵. خداوند در آیه‌ی ۲۳۹ سوره‌ی بقره در زمینه‌ی لزوم توجه به نماز، چه فرموده است؟
۶. ابزار استعانت از نظر قرآن چیست؟ به آیه‌ی مربوط اشاره کنید.
۷. روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی تعیین مرزهای ایمان و کفر را بنویسید.
۸. نخستین پرسش در قیامت از چه عملی است؟ در این باره، روایتی از امام باقر علیه‌السلام ذکر کنید.
۹. آیه‌ی «و ما کان الله لیضیع ایمانکم» به چه معنا است؟ و شأن نزول آن چیست؟
۱۰. دوزخیان روز قیامت، چه چیز را دلیل عذاب و گرفتاری خود می‌دانند؟ به آیه‌ی مربوط اشاره کنید؟

## محراب سخن

### اذان و اقامه

اذان، فریاد بیداری، صلاهی رحمت و ترانه‌ی عبودیت و عشق مخلوق به خالق است. نغمه‌ی جانبخش اذان بلال، آرامش و صفا را بر قلب ملکوتی پیامبر والهان و وارستگان حاکم می‌ساخت. چه زیبا است این سرود مسجع آزادی و ایمان، که خالق مطلق را می‌ستاید و سرگشتگان را به سرای امن او می‌خواند. با نام «الله» آغاز و با نام او ختم می‌گردد. نخستین آوای آشنای نوزادان و مونس تنهایی آدمیان. [۸] هشداری به تمام جهانیان، که خدا از هر شاغلی برتر و از هر وصفی فراتر است رو به سوی او آرید که او بزرگ‌تر است و جز او کسی شایسته‌ی توجه نیست. همو که سفیرانش را در هیأت پیامبران به سوی‌تان فرستاد، تا راهنماتان باشند، همو که اینک هنگام نماز شما را به خود فرامی‌خواند. می‌خواند تا رستگار کند. می‌خواند، تا برترین پاداش‌ها را در برابر بهترین اعمال به شما ارزانی دارد. به راستی، برتر و فراتر از او کیست؟ و نهاد انسان واله و حیران را پاسخگویی جز او کیست؟

[ صفحه ۹۰ ]

فقیه عارف، آیت‌الله مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله علیه می‌گوید:

«آن گاه که «الله اکبر» را شنیدی، قلب را متوجه عظمت و بزرگواری ذات اقدس حق نما و دنیا و آنچه را در آن است، کوچک شمار، تا در تکبیرت دروغگو نباشی و هر گاه «لا اله الا الله» را شنیدی، هر معبودی غیر از او را از لوح دل محو کن.» [۲].

[۸] سفارش شده در صحرا برای ایمنی از گزند حیوانات اذان گفته شود. (عروة الوثقی، کتاب الصلوه).

[۲] اسرار الصلوة / ۲۹۲.

### ثواب مؤذن

آری، هیچ شعاری شکننده‌تر از نغمه‌ی توحیدی اذان نیست و هیچ شعوری سازنده‌تر از تبیین موضع فکری و سیاسی بر فراز تریبون‌های سنتی، تصور نمی‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«یغفر للمؤذن مد صوته و بصره و یصدقه کل رطب و یابس و له من کل من یصلی باذانه حسنة؛ [۸] بخشیده می‌شود برای مؤذن به مقداری که صدایش برسد و چشمش کار کند و هر تر و خشکی او را تصدیق می‌کنند و برای او در برابر هر کسی که با اذان او به نماز می‌ایستد حسنه‌ای منظور می‌گردد.»



در حدیثی نبوی می‌خوانیم:

«گوشت و خون اذان گویان بر آتش حرام است و هر مؤذنی، هفت سال با نیت خالص، اذان سر دهد، از آتش دوزخ برهد.» [۲]

حضرتش در گهر گفتاری دیگر، سرافرازترین کسان را، روز قیامت، مؤذنان، برمی‌شمارد [۳] و در روایت دیگر می‌فرماید:

[ صفحه ۹۱ ]

«پس از انبیا و شهیدان، مؤذنان وارد بهشت می‌شوند و هیچ عملی برتر از اذان نیست، مگر جهاد در راه خدا.» [۴]

[۱] بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۱۰۴.

[۲] کنز العمال، ج ۸، ص ۳۳۸.

[۳] بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۱۰۶.

[۴] کنز العمال، ج ۸، ص ۳۴۳.

## شرایط مؤذن و کیفیت اذان

مؤذن باید دارای صفات و ویژگی‌هایی خاص باشد. امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: «مؤذن باید فصیح‌ترین افراد باشد» [۱] پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شخصا مؤذن خود را انتخاب کردند و همانند یک سمت رسمی، برای سایر مساجد مهم مثل مسجد قبا، مؤذن منصوب می‌فرمودند و معمولاً کسانی را بر این مقام می‌گماشتند، که صدایی زیبا و رسا داشتند. [۲] حضرتش چندان در شأن مؤذن و ثواب اذان، سخن گفت و بر آنان دعا فرمود، که یکی از یارانش چنین لب به سخن گشود: یا رسول‌الله! خوف این هست که افراد، در آینده به خاطر سبقت در اذان و احراز سمت مؤذنی با یکدیگر بستیزند! حضرت فرمود: خیر (متأسفانه) در آینده این سمت به طبقات پایین و ضعیف جامعه سپرده می‌شود. [۳]

استاد مطهری رحمه الله علیه در این باره، خاطره‌ای نقل می‌کند:

«در یکی از مجالس پیرمردی را دیدم، که از مردم می‌خواست صلوات بفرستند نمی‌دانم بیچاره مفلوج بود؛ زبان نداشت، چه طور بود که یک کلمه که می‌خواست بگوید، خودش هم تکان می‌خورد، با یک وضع مسخره و

خنده آور. پیش خود گفتم سبحان الله! فرد دیگری نیست تا شعار صلوات بدهد؟ آیا باید بد صداترین افراد را در این موارد انتخاب بکنیم؟

[ صفحه ۹۲ ]

سعدی داستانی ذکر می کند و می گوید:

مؤذنی بد صدا، با صدایی بلند، اذان می گفت: روزی، یک یهودی برایش هدیه ای آورد و گفت: آیا این هدیه ی ناقابل را قبول می کنی؟ مؤذن پرسید: چرا؟ یهودی گفت: برای خدمت بزرگی که به من کردی! مرد اذان گو، دیگر بار پرسید: چه خدمتی؟ من که خدمتی به شما نکرده ام! هدیه آورنده پاسخ داد: من دختری دارم که مدتی است به اسلام متمایل شده، اما از وقتی که تو اذان می گویی و «الله اکبر» را از تو می شنود، دیگر از مسلمانی بیزار شده، حال این هدیه را آورده ام برای خدمتی که به من کردی و نگذاشتی دخترم مسلمان بشود. [۴].

استاد مطهری، خوش صدا بودن مؤذن را، مهم برمی شمارد و چنین می نگارد:

«در فقه اسلامی آمده: مستحب است مؤذن خوش صدا باشد؛ زیرا طبع آدمی وقتی اذان را از یک خوش صدا می شنود، جمله های آن، جور دیگری بر قلبش اثر می گذارد. همین طور است قرآن خواندن و تبلیغ کردن؛ که اگر با لحن خوش باشد، بهتر بر شنونده اثر می گذارد.» [۵].

مؤذن پیامبر، «بلال حبشی» برخلاف پوست تیره اش دارای نورانیت درونی، فضیلت های اخلاقی و سوابق انقلابی همچون: حضور در جبهه های نبرد بدر، احد و احزاب بود و تا پایان عمر آن بزرگوار در همین سمت حضور داشت. او دست ها را بر گوش می گذاشت و به جوانب گوناگون روی می کرد، [۶] ولی در بیش تر حالات، هنگام اذان، روی بر قبله داشت.

[ صفحه ۹۳ ]

[۱] اسرار الصلاة / ۲۹۲.

[۲] کنز العمال، ج ۸، ص ۳۴۱.

[۳] همان / ۳۴.

[۴] حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۲۱.

[۵] حکایتها و هدایتها / ۱۷۸.

[۶] کنز العمال، ج ۸، ص ۲۴۴.

## وضو

پیش از حضور در پیشگاه معبود، باید مہیای ملاقات شد. صورت و دست‌های خود را شست و شو داد و آمادہ‌ی دیدار شد. دلیل انجام این امر چیست؟ آیا نمی‌شود ہر کس، ہر طور تمایل دارد دست و صورتش را بشوید و رعایت آداب و دستور خاصی لازم نباشد؟ در روایت اسلامی بہ چند مورد بہ عنوان اسرار و آثار وضو اشارہ گردیدہ کہ تلفیقی است از نتایج مادی و معنوی و تحقق ہر کدام در گرو انجام آن منطبق با دستور الہی است:

۱. آراستگی ظاہر: امام باقر علیہ السلام در حدیثی زیبا بہ یکی از شاگردان خود چنین فرمود: اگر کسی بپرسد: چرا خداوند، فرمان بہ وضو داد؟ پاسخ می‌گوییم: زیرا عبد در مقام مناجات و گفت و گو و ہنگام ملاقات با خالق، پاک و آراستہ باشد و اطاعت خود را در برابر او بہ اثبات رساند. [۱].

۲. نشاط و رفع کسالت: در ہمین روایت امام علیہ السلام بہ عنوان دلیل دیگر وجوب وضو می‌فرماید: «مع ما فیہ من ذہاب الکسل و طرد النعاس؛ وضو، سبب رفع کسالت، خواب آلودگی و سستی می‌گردد.»

۳. روسفیدی در قیامت: مردی از پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم پرسید، روز قیامت از میان انبوه مردمان کہ از عصر حضرت نوح تا روزگار شما گرد آمدہ‌اند، چگونه امت خود را می‌شناسید؟ حضرت فرمود: امت من چہرہ‌های تابندہ و درخشانی دارند کہ بر اثر وضو این زیبایی در سیمای آنان دیدہ می‌شود و هیچکس دیگر چنین ویژگی و نشانی ندارد. [۲].

۴. طولانی شدن عمر: پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم می‌فرمایند:

[ صفحه ۹۴ ]

«اکثر من الطہور یزد اللہ فی عمرک: [۳].

ہر چہ بیشتر طاہر و باوضو باش تا خداوند عمرت را زیادتر کند.»

این وعدہ بہ حق خداوند متعال توجیہ علمی و پزشکی نیز دارد کہ بہ طور طبیعی افرادی کہ جہات بہداشتی خصوصاً نظافت پوست بدن را رعایت کنند از سلامت جسمی و دوام عمر بیشتری برخوردار خواهند بود.

۵. درک ثواب شهیدان: در روایات، تأکیدی فراوان بر دائم الوضوء بودن شده است، دائم الوضوء بودن یعنی یک رشته دائمی عبادی با خدا داشتن، یعنی صیقل دادن منظم روح، یعنی زدودن غبار از دل. در روایتی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ضمن تأکید بر حفظ این امتیاز در تمامی حالات می‌فرماید:

«و ان استطعت ان تكون ابدًا علی وضوء فافعل فان ملک الموت اذا قبض روح العبد و هو علی وضوء کتب له شهادة؛ [۴].»

اگر می‌توانی همیشه با وضو باشی این عمل را ترک نکن؛ زیرا ملک الموت آن گاه که روح بنده‌ای با وضو را قبض می‌کند او را شهید محسوب خواهد نمود.»

[۱] علل الشرایع / ۲۵۷.

[۲] وسائل الشیعه، ج ۱، ۲۶۷.

[۳] بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۰۵.

[۴] کنز العمال، ج ۹، ص ۲۹۳.

## تکرار وضو

نشاط نو و تجدید روحیه، خواست طبیعی انسان و همساز با فطرت بشری است، تکرار وضو، به عنوان یک عامل نشاط مورد ستایش و توجه خاص اسلام قرار گرفته است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «تجدید وضو بدون آنکه وضوی قبلی باطل شده باشد موجب تجدید توبه انسان قبل از استغفار و

[ صفحه ۹۵ ]

درخواست او می‌گردد» [۱] و در روایت دیگری حضرتش می‌فرماید: «الوضوء علی الوضوء نور علی نور» [۲] یعنی: «وضو گرفتن برای کسی که وضودار است نوری است افزون بر نورانیت قبلی.» شاید رمز این تأکیدات در مورد دوام و تکرار وضو این باشد که اکثر فعالیت‌های انسان الزاما یا ترجیحا مقید به وضو است. غیر از نماز و طواف که الزاما مقید به وضو است، دست زدن به متن قرآن و نام خدا و پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام، بدون وضو ممنوع است.

در موارد زیر نیز وضو گرفتن مستحب است: نماز میت، قرائت و کتابت قرآن، مسح حواشی قرآن، انجام کارهای مهم، موقع صرف غذا، هنگام خوابیدن، تماس با همسر، بازگشت از سفر و ورود به منزل، تجدید وضوی سابق برای به جای آوردن نماز، پس از بذله‌گویی، به دنبال دروغ یا غیبت، و...

[ صفحه ۹۶ ]

[۱] وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۴.

[۲] همان، ص ۲۶۵.

## آزمون

۱. غیر از وقت نماز، در چه زمان‌هایی اذان گفتن مستحب است؟
۲. مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، چه دستوری را هنگام شنیدن تکبیر به ما آموخت؟
۳. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم علیه‌السلام ثواب مؤذن را مشخص کنید؟
۴. شرایط مؤذن را بنویسید؟
۵. حکایتی از سعدی درباره مؤذن بد صدا ذکر کنید؟
۶. چهار مورد از اسرار و آثار وضو را بنویسید؟
۷. با ذکر روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ثواب دائم الوضوء را بیان کنید؟
۸. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جواب کسی که پرسید: «شما در قیامت در میان آن جمعیت انبوه چگونه امت خود را شناسائی می‌کنید» چه فرمود؟
۹. بلال، مؤذن رسمی پیامبر، چه ویژگی‌هایی داشت؟
۱۰. تکرار وضو، چه آثاری دارد؟

[ صفحه ۹۷ ]

## پایه‌ی ارزش‌ها

### نیت

نخستین رکن هر عمل، بلکه تعیین‌کننده‌ی هویت هر عمل، نیت است.

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید:

«لا عمل الا بالنیة؛ [۱] قوام هر عمل به نیت است.»

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«انما الاعمال بالنیات؛ [۲] تمام اعمال با توجه به نیت انسانی سنجیده می‌شوند.»

تعبیر دیگر منابع اسلامی درباره‌ی نیت عبارت‌اند از:

«لکل امرء ما نوى؛ [۳] هر انسانی به اندازه‌ی پاکی نیت خود اجر می‌برد.»

«یحشر الناس على نیاتهم يوم القيامة؛ [۴] انسان‌ها با نیت خود محشور می‌شوند.»

«لا دين لمن لا نية له؛ [۵] آن که نیت صحیح ندارد، دین ندارد»

[ صفحه ۹۸ ]

«ولتكن لك في كل شيء نية حتى في النوم و الاكل؛ [۶] در تمامی کارها نیت (اخلاص) داشته باشد حتی در

خوابیدن و خوردن.»

روشن است که مراد از نیت در عبادت، بازگو کردن الفاظ خاص نیست بلکه نیت امری قلبی و هویتی عینی در

ارتباط با عمل است. نیت یعنی سلامت و استمرار انگیزه و انحصار آن در اطاعت و رضایت خدا. نیت یعنی عمل

آگاهانه و عاشقانه در رابطه با معبود.

در نماز و عبادت‌های دینی باید چه نیتی داشته باشیم؟ با آن که بسیاری از عبادت‌گران و نمازگزاران، نیت خالص

دارند، اما نیت آنان، ناب نیست. یعنی به جهت شایستگی خدا، او را عبادت نمی‌کنند بلکه شوق رسیدن به بهشت و

هراس از جهنم، آنان را به خضوع در برابر «رب» کشانیده است.

سخنی از استاد مطهری را بخوانیم:

«عارف از نظر هدف، «موحد» است، تنها خدا را می‌خواهد؛ اما او خدا را به واسطه‌ی نعمت‌های دنیوی، یا اخروی‌اش نمی‌خواهد؛ زیرا اگر چنین باشد، مطلوب بالذات او این نعمت‌ها است و خدا مقدمه و وسیله است و در حقیقت معبود و مطلوب حقیقی او نفس است؛ زیرا آن نعمت‌ها را برای ارضای نفس می‌خواند.

عارف هر چه را بخواهد به خاطر خدا می‌خواهد، او اگر نعمت‌های خدا را می‌خواهد از آن جهت می‌خواهد که آن نعمت‌ها از ناحیه‌ی او و عنایت او است، کرامت و لطف او است. پس غیر عارف، خدا را به خاطر نعمت‌هایش می‌خواهد و عارف، نعمت‌های خدا را به خاطر خدا می‌خواهد.

[ صفحه ۹۹ ]

این جا پرسشی پیش می‌آید، که اگر عارف، خدا را برای چیزی نمی‌خواهد، پس چرا او را عبادت می‌کند؟ مگر نه این است که هر عبادتی برای منظوری است؟ پاسخ آن است که هدف عارف و انگیزه عارف بر عبادت یکی از دو چیز است؛ یکی شایستگی ذاتی معبود برای عبادت یعنی از آن جهت او را عبادت می‌کند که او شایسته‌ی عبادت است، نظیر این که انسان، کمالی در شخص یا شیئی می‌بیند و او را مدح و ستایش می‌کند، اگر بپرسند انگیزه‌ی تو از این ستایش چیست؟ این ستایش برای تو چه فایده‌ای دارد؟ می‌گوید: من به طمع فایده‌ای از این شخص یا از این شیء ستایش نکردم، فقط از آن جهت ستایشش کردم که او را به حق، لایق ستایش دیدم، همه‌ی تحسین‌های قهرمانان در هر رشته‌ای از این قبیل است.

هدف دیگر عارف از عبادت، شایستگی خود عبادت یعنی شرافت و حسن ذاتی آن است. عبادت از آن جهت که نسبت و ارتباطی است میان بنده و خدا، کاری است در خور انجام دادن، پس لازم نیست الزاما هر عبادتی به خاطر طمعی یا ترسی باشد.

جمله‌ای معروف از علی علیه‌السلام نقل شده است که: «الهی ما عبدتک خوفا من نارک و لا طمعا فی جنتک بل وجدتک اهلا للعبادة فعبدتک» عبادت به خاطر شایستگی معبود را بیان می‌کند.

عارفان بر این مطلب زیاد تکیه می‌کنند که اگر هدف و مطلوب انسان در زندگی، یا در خصوص عبادات، چیزی غیر از ذات حق باشد، نوعی شرک است، عرفان صد در صد بر ضد این شرک است. در این زمینه سخن‌های لطیف فراوان گفته‌اند. ما، در این جا به تمثیلی عالی و لطیف که «سعدی» در «بوستان» ضمن داستانی از «محمود غزنوی» و «ایاز» آورده، بسنده می‌کنیم:

یکی، خرده بر شاه غزنین گرفت  
که حسنی ندارد «ایاز» ای شگفت!

گلی را که نه رنگ باشد، نه بو  
دریغ است سودای بلبل، بر او

به محمود گفت این حکایت کسی  
پیچید ز اندیشه بر خود بسی

که عشق من ای خواجه! بر خوی اوست  
نه بر قد و بالای دلجوی اوست!

شنیدم که در تنگنایی شتر  
بیفتاد و بشکست صندوق در

به یغما، ملک آستین بر فشاند  
وز آنجا به تعجیل، مرکز براند

سواران، پی در و مرجان شدند  
ز سلطان به یغما پریشان شدند



نماند از وشاقان گردن فراز  
کسی در قفای ملک، جز «ایاز»

چو سلطان، نظر کرد، او را بدید  
ز دیدار او، همچو گل بشکفید

بگفتا که: ای سنبلت پیچ پیچ  
ز یغما، چه آورده‌ای؟ گفت: هیچ!

من اندر قفای تو می‌تاختم  
ز «خدمت» به «نعمت» نپرداختم

سعدی پس از آوردن این داستان، منظور اصلی خود را چنین بیان می‌کند:

گر از دوست، چشم‌ت به احسان اوست  
تو در بند خویشی، نه در بند دوست

خلاف طریقت بود کاولیا  
تمنا کنند از خدا، جز خدا

بر اساس این تلقی، مسأله‌ی کارگر و کارفرما و مزد به شکلی که میان کارگر و کارفرما متداول است مطرح نیست و نمی‌تواند باشد. برحسب این برداشت، عبادت: نردبان قرب، معراج انسان، تعالی روان، پرواز روح به سوی کانون نامرئی هستی، پرورش استعدادهای روحی و ورزش نیروهای ملکوتی آنان، پیروزی روح بر بدن، عالی‌ترین عکس‌العمل سپاسگزارانه‌ی انسان از پدید آورنده‌ی خلقت، اظهار شیفستگی و عشق انسان به کمال مطلق و جمیل علی‌الاطلاق، و سرانجام: سلوک و سیر الی الله است.

بر مبنای این دریافت، عبادت پیکری دارد و روحی، ظاهری دارد و معنایی، آنچه وسیله‌ی زبان و سایر اعضای بدن انجام می‌شود، پیکره و قالب عبادت است، روح و معنای عبادت چیز دیگر است، روح عبادت وابستگی کامل دارد به مفهومی که عابد از عبادت، دارد و به نوع تلقی او از عبادت و به انگیزه‌ای که او را به عبادت برانگیخته است و بهره و حظی که عملاً از عبادت می‌برد و این که عبادت تا چه اندازه سلوک الی الله و گام برداشتن در بساط قرب باشد. [۷]

در برابر این همه توصیه به نیت خالص و ناب، امروزه چنان زمینه این کارهای ارزشمند کم شده است که استاد مطهری رحمه الله علیه می‌نگارد:

«مرحوم شیخ جعفر شوشتری، آن سال‌ها که آمده بود تهران و منبرهای معروف را می‌رفت، یک روز گفت: ایها الناس! همه‌ی پیغمبران شما را به توحید دعوت کرده‌اند، اما من آمده‌ام شما را به شرک دعوت کنم! همه تعجب کردند، که شیخ چه می‌گوید؟! گفت: همه‌ی پیامبران آمدند و گفتند: فقط خدا را بپرستید، فقط برای خدا کار کنید؛ ولی من می‌گویم: کمی هم برای خدا کار کنید!» [۸]

[۱] وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۳.

[۲] بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

[۳] همان.

[۴] وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴.

[۵] قصار الجمل.

[۶] وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۵.

[۷] سیری در نهج البلاغه / ۸۳.

[۸] فطرت، ۱۹۴.

## نقش و جایگاه نیت خالص

۱. عامل رستگاری: اخلاص، در گفتار امیرمؤمنان علیه‌السلام به «فوز» [۱] یعنی: رستگاری و پیروزی تعبیر شده است. حضرتش در حدیثی دیگر، فرمود: «فی الاخلاص یكون الخلاص» [۲] آسودگی و آرامش در پرتو اخلاص میسر گردد.»

۲. هدف ادیان و شرایع: امیرمؤمنان علیه السلام می فرمایند: اخلاص، هدف دین و مقصد شرایع آسمانی است. «الاخلاص غاية الدين؛ [۳] همه ی پیامبران آمدند تا انسان را به قله ی اخلاص صعود دهند.»
۳. ملاک برتری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی فرمودند: «بالاخلاص تتفاضل مراتب المؤمنين؛ [۴] مقام مؤمنان با اخلاص سنجیده می شود.»
۴. برترین نعمت ها: امام صادق علیه السلام می فرماید: «ما انعم الله عزوجل على عبد اجل من الا يكون في قلبه مع الله غيره؛ [۵]. هیچ نعمتی بالاتر از این نیست که در قلب بنده غیر از خدا چیزی نباشد.»
- در یک حدیث قدسی خداوند متعال می فرماید: نیت خالص سری از اسرار من است که آن را در قلب آن کس که بخواهم قرار می دهم. [۶].
۵. راه دستیابی به محبوبیت: یکی از آرزوهای دیرینه ی بشر دستیابی به محبوبیت اجتماعی است و همه ی تلاش ها برای راضی کردن عناصر و افراد گوناگون در جامعه و کسب محبوبیت بسیج می شود. قرآن کریم می فرماید: «ان الذين امنوا و عملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا؛ [۷]. آنان که ایمان و عمل صالح انجام دادند خداوند رحمان بر ایشان محبوبیت عمومی را تقدیر خواهد کرد.»

- و بنا به مقتضای روایات و تفاسیر، عمل صالح، عملی است که در آن غیر خدا نباشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی چنین می فرماید: «اعمل لوجه واحد يكفيك الوجه كلها؛ [۸]. «برای خدای یکتا کار کن تا او [قلب] دیگران را در اختیار تو قرار دهد.»
۶. معیار شرافت و کرامت انسانی: خداوندی که همه چیز را مسخر بنی آدم قرار داده است [۹] از او توقع ویژه ای دارد که برتری او از دیگر موجودات را مبرهن نماید و الا این کرامت و امتیاز بیهوده خواهد بود. امام صادق

علیه السلام می‌فرماید: باید بندگان در هر حرکت و سکونی، نیت خالص داشته باشند؛ چرا که در غیر این صورت غافل خواهند بود و غافلان را قرآن چنین معرفی فرموده:

«اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون؛ [۱۰] انسان‌های غافل و پند ناپذیر، مانند چهار پایانند، بلکه پست‌ترند.»

بنابراین، نیت خالص، تنها معیار شناسائی و جدایی انسان از حیوان است.

۷. کارآمدترین ابزار نیکوکاری: انسان می‌تواند از امکانات مالی و مادی خدادادی عمر و زندگی و از فرصت‌ها و نشاط کاری خود، برای انجام طاعات و ارائه‌ی عبادات بهره‌گیرد. هر کدام از این ابزارها مواجه با محدودیت‌هایی است که استفاده از آن‌ها نمی‌تواند مطلق و بی‌پایان باشد. بخشی از اموالش را می‌تواند صرف تعاون و خدمت نماید. سالیانی از عمرش را به انجام عبادت و طاعت و خدمت مردم، اختصاص دهد. اما تنها ابزاری که بهره‌ی انسان از آن نامحدود و جاودانه است، نیت است.

[ صفحه ۱۰۴ ]

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مؤمنی که از خداوند امکانات مالی درخواست کند برای انجام کارهای خیر، خداوند پاداش همه‌ی این خیرات را در صورتی که نیت خالص داشته باشد، به او عطا می‌فرماید.» [۱۱].

آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید:

«هر کس تصمیم به کار خیری بگیرد ولی جامه‌ی عمل به آن نپوشاند، پاداش آن برایش منظور شود و اگر انجام دهد، تا هفتصد برابر برایش نوشته می‌شود.»

۸. مایه‌ی قوام دین: تمام کنش‌ها و واکنش‌های بشر در پرتو نیت معنا می‌یابد و همگون با نیتی که از عمل داشته با او رفتار می‌شود. چاقوی جراح و چاقوی اشرار به ظاهر یک کار را انجام می‌دهند اما با توجه به نیت، با هر یک برخوردی کاملاً غیر از آنچه با دیگری انجام می‌گیرد اعمال می‌شود. دین و کنش روحی و اعتقاد انسان نیز بر عمود نیت استوار است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: همان گونه که جسم انسان بدون حیات، ضایع و متلاشی می‌گردد همچنین دین جز با نیت صادق استوار نمی‌گردد.

آری، در هر یک از اعمال خصوصا در عبادات، نه تنها نیت الهی و خیر ضرورت دارد، بلکه باید ناب و خالص نیز باشد و هر گونه ناخالصی، هر چند اندک، ارزش معنوی اش را ضایع خواهد کرد و خداوند آن را نخواهد پذیرفت. در روایتی قدسی، خداوند متعال می‌فرماید: من بهترین شریک هستم. هر کس مرا در عملی با دیگری شریک گرداند، هر چند سهم او اندک و سهم من زیاد باشد، سهم خود را به او می‌بخشم و جز آنچه را خالص باشد نمی‌پذیرم. [۱۲].

[ صفحه ۱۰۵ ]

همان گونه که قبلا اشاره شد نیت، امری قلبی است و تنها به گذراندن لفظ از زبان بسنده نمی‌شود و قربت الی الله با لفظ محقق نمی‌گردد، بلکه در عمل و در اعماق دل باید تقرب به خدا تنها عامل و محرک به سوی عمل باشد و چگونگی ارائه‌ی عمل طوری باشد که انسان را به خدا نزدیک سازد.

[۱] غرالحکم، فهرست، واژه‌ی اخلاص.

[۲] تنبیه الخواطر / ۳۹۰.

[۳] غرالحکم و دررالکلم.

[۴] تنبیه الخواطر / ۳۶.

[۵] مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰.

[۶] بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۴۹.

[۷] مریم / ۹۶.

[۸] کنزالعمال، ج ۳ / ص ۲۳.

[۹] حج / ۶۵؛ (الم تر ان الله سخر لکم ما فی الارض).

[۱۰] اعراف، ۱۷۹.

[۱۱] بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۹۹.

[۱۲] مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰.

## راه‌های دستیابی به نیت خالص

هشدارها و تأکیدهایی فراوان در روایات بر ناب‌سازی و اخلاص نیت، فرا می‌خواند. در عین حال نفوذ شرک خفی و شراکت غیر خدا در عمل عبادی را در روایات به حرکت مورچه در دل شب، بر روی سنگ سیاه تشبیه کرده‌اند.

بنابراین؛ دستیابی به مقام اخلاص و رهایی از نفوذ شرک خفی، کار آسانی نیست و بایسته‌ی دقت و تأمل است. اکنون با پژوهش در منابع معرفتی به جست و جوی آن می‌پردازیم.

## یقین به مبدأ و معاد

همه‌ی ما به خدا و روز قیامت ایمان داریم، ولی این اعتقاد به مرز یقین نرسیده است، صرفاً پذیرفته‌ایم که خدا و بازگشت به او، حق است. می‌دانیم خدا، عادل است و به پرونده اعمال تمام بندگان در قیامت رسیدگی می‌کند. می‌دانیم که همه امکانات دنیوی ما از ابتدای خلقت تاکنون مرهون فیض مبدأ هستی، و او پرورش دهنده‌ی ما و رحمان و رحیم است و همه قدرت‌های دیگر، شعاعی بسیار ضعیف از قدرت اویند و مقهور اراده او خواهند بود. می‌دانیم که نفس‌های ما، ما را به سوی دروازه‌ی مرگ پیش می‌برد، اما به هیچ یک از این‌ها یقین نداریم؛ لذا به غیر خدا امید می‌بندیم و متکی بر این امید، آنان را در عمل خود

[ صفحه ۱۰۶ ]

شریک می‌کنیم. پیشوایان دین علیهم‌السلام به این واقعیت با تعبیری گوناگون در سخنان خویش پرداخته‌اند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«سبب الاخلاص اليقين؛ اخلاص، ره‌آورد یقین است.»

و در سخن دیگری می‌فرماید: «علی قدر قوة الدين يكون خلوص النية؛ [۸] اخلاص آدمی به میزان استحکام دینداری او است.»

[۹] غررالحکم و دررالکلم.

## یأس از مردم

با آن که در بینش اسلامی، جامعه و مردم مورد توجهند، اما هیچ‌گاه، تکیه‌گاهی مناسب برای انسان نیستند؛ چرا که جایگاه انسان در نظام خلقت به هیچ وجه توجیه‌کننده‌ی وابستگی روحی فردی از افراد بشر به دیگری نیست؛ زیرا با آن که انسان، خلیفه‌ی خدا در زمین محسوب می‌گردد، و پروردگار حکیم، سایر موجودات را به طفیل او، آفریده، ولی انسان موجودی ناتوان است، که: «لن یخلقوا ذبابا ولو اجتمعوا له و ان یسلبهم الذباب شیئا لا یستنقذوه منه؛ [۸]

اگر تمام انسان‌ها جمع شوند نمی‌توانند مگسی خلق کنند و چنانکه مگسی از آنان چیزی بستاند و بگریزد، نمی‌توانند آن را از وی بازگیرند.»

با آنکه هر چه دارند داده الهی است و هر چه در راه خدا بدهند خداوند آن را به آنان برمی‌گرداند اما: «اذا مسه الخير منوعا؛ [۲] وقتی توانگرند، تعاونگر نیستند.»  
بنابراین باید از این خیل ناتوان ممسک، قطع امید کرد و این ناامیدی، گام پیشین وابستگی به خدا و اخلاص عمل برای او است.

[ صفحه ۱۰۷ ]

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«اول الاخلاص اليأس مما في ايدي الناس؛ [۳].

ناامید بودن از مردم، نخستین شرط اخلاص است.»

[۱] حج / ۷۳.

[۲] معارج / ۲۱.

[۳] غررالحکم و دررالکلم.

## دوری از پرورش و پرستش هواها

آنچه انسان را وادار به خضوع و زانو زدن بر در خانه‌ی خلاق می‌کند، آرزوها، هواها و محبت دنیا است. اگر آرزوها محدود گردند و هواها سرکوب و محبت دنیا مهار گردد چگونه حریت انسان به او اجازه می‌دهد که به دنیا وابسته شود و پرستشگری را که افضل اعمال انسانی است به شراکت نالایق مشوب گرداند. غزالی در بیان حقیقت اخلاص چنین می‌گوید:

«آن کس که حب دنیا بر قلب او غالب گردد، تمام حرکاتش چنین صفت و نشان غیر خدایی را به خود می‌گیرد؛ پس: جز اندکی از عبادات و نماز و روزه او، ره به سلامت نمی‌برد. بنابراین راه رسیدن به اخلاص، بریدن از دنیا و آخرتی شدن است. تا قلب، صبغهی الهی را بپذیرد و به اعمال، منتقل کند.» [۱].

[۱] محجة البیضاء، ج ۸، ص ۱۳۸.

## به کارگیری عقل

اندیشه‌مندی که به توان و ضعف مردم و میزان کارآیی آنان در یاری افراد جامعه توجه کند و آن را با قدرت، محبت و کرامت الهی بسنجد، هیچ گاه حاضر نیست عمل خود را به دیگران بفروشد؛ زیرا یا نمی‌خرند، یا کم می‌خرند، و یا با منت می‌پذیرند و... هزار قید و شرط دارند، زیادند و آراء و اهواء مختلف دارند،

[ صفحه ۱۰۸ ]

دیر راضی می‌شوند و پرتوقعند و اگر کم باشد قهر می‌کنند و جسارت به خود می‌دانند، اما خدای سبحان یکی است و «سریع الرضا»، «کم» را می‌پذیرد و «زیاد» پاداش می‌دهد، بی‌نیاز است و بامحبت، بی‌منت است و نزدیک‌ترین وجود به انسان، پس چرا به غیر او رومی‌آوریم و از او می‌گریزیم؟! او کجا اجری از پادشاهای ما را کم گذاشته است؟ کجا به ما بی‌مهری و بی‌توجهی نموده، کجا ما را از یاد برده است؟ کدامین نعمت را از ما دریغ کرده است؟ سزاوار است که قرآن از انسانی چنین با عنوان «ظلوم و جهول» [۱] یاد کند. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: انسانی که عمل عبادی خویش را برای دیگران و با نیت غیر الهی انجام می‌دهد، دچار کم‌عقلی است؛ زیرا اگر همان کار را برای خدا انجام دهد، سریع‌تر و نیکوتر به نیت و خواست خود نایل می‌شود. [۲].

در روایتی دیگر، انجام عمل برای غیر خدا، به «خسران در دنیا و آخرت» و «شقاوت عظیم»، تعبیر شده است؛ چرا که از دنیا، مایه گذاشته و به اجری در آخرت نیز دست نیافته است. [۳].

[ صفحه ۱۰۹ ]

[۱] احزاب / ۷۲.

[۲] بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۹۹.

[۳] همان، ص ۳۰۰.

## آزمون

۱. «حشر الناس علی نیاتهم يوم القيمة» به چه معنا است و بر چه چیز دلالت دارد؟

۲. فرق نیت «خالص» و «ناب» چیست؟

۳. عبادت عبید و تجار و احرار چه تفاوتی با هم دارد؟



۴. مرحوم شیخ جعفر شوشتری، درباره‌ی نیت، چه سفارشی به مردم کرد؟ چرا؟
۵. جایگاه نیت خالص در آموزه‌های اسلامی چیست؟ به سه مورد اشاره کنید.
۶. راه دستیابی به محبوبیت بر مبنای آیات قرآن کریم چیست؟
۷. چگونه انسان می‌تواند به نیت خالص، دست یابد؟
۸. قرآن کریم در وصف ناتوانی مردم، چه می‌گوید؟
۹. سخن غزالی در بیان حقیقت اخلاص چیست؟
۱۰. نخستین شرط اخلاص از نظر حضرت علی علیه‌السلام چیست؟

## گفتگو با معبود

### الله اکبر

نخستین سخن در بارگاه آن یگانه، این است که: او بزرگ‌تر از هر چیز و برتر از هر گونه وصف است. بنابراین، حال، که به گفت و گو با او ایستاده‌ایم، باید از اشتغال به هر چیز دیگر - که جملگی فروترند - بپرهیزیم.

«الله اکبر»، پاسخی است بر پرسش‌هایی فراوان در محور عبادت و عبودیت؛ سؤال‌هایی از قبیل چرا او را پرستیم؟ زیرا «الله اکبر»، چرا با او راز و نیاز کنیم؟ زیرا...، چرا باید سایر کارهای خود را کنار بگذاریم و روزی چند بار به نماز بایستیم؟ زیرا...، نباید از هیچ تهدیدی در راه او بهراسیم؟ زیرا «الله اکبر» علاوه بر زبان، عمل و جان نمازگزار نیز باید به بزرگی خدا شهادت دهند و همه چیز را جز او حقیر انگارند، در غیر این صورت، به فرموده‌ی امام صادق علیه‌السلام به او از سوی خدا خطاب می‌شود: «ای دروغگو! آیا با من خدعه می‌کنی؟ به عزت و جلالم سوگند، تو را از حلاوت گفت و گو با خودم محروم می‌کنم.» [۱].

[ صفحه ۱۱۲ ]

این شعار اساسی و کوتاه در مقدمات نماز پیش از پنجاه بار و در متن نماز حدودا هشتاد و پنج بار به صورت واجب و مستحب تکرار می‌شود، تا تجسم عظمت خالق در دل نمازگزار، هر که جز او را در دیده‌ی وی حقیر گرداند و به تمام آنچه جز او است بی‌اعتنا باشد و نمازگزار مصداق این سخن از کلام امیرمؤمنان علیه‌السلام شود که فرمود:

«عظم الخالق فی انفسهم فصغر مادونه فی اعینهم» [۲].

[۱] محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۸۵.

[۲] نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

### بسم الله الرحمن الرحيم

حال که او بزرگ‌تر از همه چیز است، پس با نام و یاد او آغاز می‌کنیم؛ او که محبت عام دارد در دنیا بر مؤمنان و غیر مؤمنان و مهر دائم دارد بر مؤمنان چه در دنیا و چه در آخرت.

مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان می‌گوید:

«تمام عالمان ما بر این رأی، اتفاق نظر دارند که: «بسم الله» جزء سوره‌ی حمد است و هر کس آن را در نماز، ترک کند، نمازش باطل می‌شود.» [۱] .

امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

«بسم الله» به اسم اعظم نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سپیدی آن است.»  
بنابراین: می‌تواند ابزاری کارآمد برای حل مشکلات و موجب برکت و تقدس در کارها باشد.  
امام عسگری علیه‌السلام در شرح مفهوم بسم الله می‌فرماید:  
«ای استعین علی اموری کلها بالله؛ در همه‌ی امورم از خدا کمک می‌جویم.» [۲] .

[ صفحه ۱۱۳ ]

جای گرفتن صفت رحمانیت و رحیمیت در «بسمله» بیانگر اهمیت این صفت در میان صفات الهی است و به انسان می‌آموزد که در عین قدرت و قوت، باید مقام رحمت و محبت را به عنوان والاترین افتخار، توجه کرد.

[۱] مجمع البیان، ج ۱، سوره‌ی حمد.

[۲] توحید صدوق / ۲۳۱.

## الحمد لله رب العالمین

همه‌ی ستایش‌ها و سپاس‌ها مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده‌ی جهانیان است. ستایش او که صاحب هر جمال و کمالی است، و سپاس از او در برابر نعمت‌هایی که به ما ارزانی داشته است. هر خیری از او نشأت یافته و او مدیر و مدبر حرکت تکاملی موجودات است. [۱] .

در بینش توحیدی در تمام عوالم هستی، رب یا رب النوعی، جز خدای یگانه وجود ندارد و تنها او «رب العالمین» است و شریکی برایش متصور نیست.

[۱] در مفردات راغب آمده است: «رب فی الاصل التریب و هو انشاء شیء حالا فحالا الی حد التمام».

## الرحمن الرحیم

دیگر بار، سخن از رحمت پایان ناپذیر الهی است؛ زیرا استوانه‌ی اصلی تربیت در فرهنگ الهی، رحمت و محبت است. برخی معتقدند: صفت رحمان و رحیم در «بسمله» به راز عبودیت و آغاز کار با نام خدا اشاره دارد و در آغاز سوره‌ی حمد، بیانگر علت بایستگی انحصار حمد و سپاس در خدا است. [۱] .

[۱] مجمع البیان، ج ۱، تفسیر سوره حمد.

## مالک یوم الدین

«یوم الدین» یکی از اسامی قیامت است، و هنگام حساب و بررسی اعمال، تنها خداوند مالک و زمامدار امور است.

[ صفحه ۱۱۴ ]

او در این دنیا نیز مالک همه چیز است، در حالی که مالکیت‌های اعتباری و ادعایی دیگر نیز در طول مالکیت او در دنیا وجود دارد، اما در «یوم الدین» همه‌ی مالک‌ها از مملوک‌های خود گریزانند و هیچ کس، با هیچ چیز نسبتی ندارد و ملک و مملکتی جز ملک و مملکت الهی نیست.

## ایاک نعبد و ایاک نستعین

پس از شناخت مبدأ، مربی و مدبر هستی، به بارگاه ربوبی او راه می‌یابیم و به زبان جمع که همراه احترام و خضوع بیشتری است، به پیشگاهش عرضه می‌داریم: تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌جوییم؛ چرا که تو سرچشمه‌ی همه‌ی کمالات و دریای رحمتی و ما همواره نیازمندت بوده و هستیم. از این عبارت می‌آموزیم:

۱. همنوایی تمام موحدان در سرود عبادت و استعانت، روحیه‌ی جمعی و حفظ وحدت را پیام می‌دهد.  
۲. استعانت از او به دنبال ادعای عبادت مخلصانه‌ی او، به ما می‌آموزد که حتی در انجام عبادات، بی‌نیاز از کمک و اعانت ذات ربوبی نیستیم.

۳. عبادت خالصانه، زمینه‌ی دریافت امدادهای الهی است.

۴. با توجه به انحصار قدرت در گذشته و حال و آینده در خداوند، مددجویی، جز از او، کاری عبث و بیهوده است.

۵. استعانت، بایسته‌ی مبدئی است، که پرستش و عبادت متوجه او می‌شود.

۶. ستایش و اقرار به کمالات معبود و احساس حضور در پیشگاه او از آداب نیایش است.

[ صفحه ۱۱۵ ]

## اهدنا الصراط المستقیم

پس از اظهار نیاز و استعانت از پیشگاه معبود، مهم‌ترین نیاز، به عنوان نخستین درخواست، مطرح می‌شود: «ما را به راه راست هدایت کن»؛ چرا که در میان جاذبه‌های دنیا و تبلیغات دنیاپرستان، تنها او است که می‌تواند ما را به راه خود هدایت کند و بر آن استوار گرداند: «ما کنا لنهتدی لولا ان هدینا الله» [۱].

از این جمله می‌آموزیم:

۱. انحراف از راه مستقیم، خطری جدی است که همواره موحدان را تهدید می‌کند. پس باید همواره استواری بر راه را از خدا طلب کنند.

۲. نیازهای فرهنگی، نخستین و ضروری‌ترین نیازهای فرد و جامعه است.

۳. راه الهی، مسیری مستقیم، روشن و منحصر است و مانند سبیل و طرق انحرافی، اعوجاج و پیچیدگی ندارد.

۴. دعا، در استقامت فکری و عملی انسان، نقشی مؤثر دارد.

۵. هدایت، دارای مراتبی است و ما در هر نماز، رسیدن به مرتبه بالاتر را می‌طلبیم. خداوند متعال می‌فرماید: «و الذین اهتدوا زادهم هدی» [۲].

برای «صراط المستقیم» تفاسیری گوناگون در روایات و منابع اسلامی ارائه گردیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: مراد از «صراط مستقیم» راه انبیا است [۳]، حضرت علی علیه‌السلام «صراط مستقیم» را به راه هدایت قرآنی تعبیر فرموده [۴] و امام صادق علیه‌السلام، «صراط مستقیم» را راه

[ صفحه ۱۱۶ ]

معرفت الهی دانسته است، [۵]، در روایت دیگری آن حضرت می‌فرماید: صراط مستقیم، در دنیا مسیر امامت و اطاعت از امام و پیشوای جامعه‌ی اسلامی است. هر کس در دنیا او را بشناسد و به او اقتدا کند، در آخرت از صراطی که روی جهنم کشیده شده، آسان عبور می‌کند [و به بهشت می‌رسد] و هر کس در دنیا او را نشناسد، پایش بر صراط می‌لغزد و به دوزخ سقوط خواهد کرد. [۶] امام عسکری علیه‌السلام می‌فرماید: راه مستقیم، پایین‌تر از طریق غلط افراطیان و بالاتر از مسیر تفریطیان است و به سوی هیچ باطلی تمایل ندارد. [۷].

در سخنی از امام صادق آل محمد - علیهم‌السلام - می‌خوانیم: صراط مستقیم، راهی است که به محبت خدا و دین او می‌انجامد! و از تبعیت هوا و سلیقه‌های شخصی، پرهیز می‌دهد. [۸].

خداوند متعال در قرآن کریم، راه خدا [۹]، راه پیامبر [۱۰] و راه عبودیت [۱۱] را صراط مستقیم برمی‌شمارد.

امام رضا علیه السلام نیز می فرماید:

«آن کس که متشابهات قرآنی را از طریق محکّمات درک کند، به صراط مستقیم هدایت شده است.» [۱۲].

[ صفحه ۱۱۷ ]

[۱] اعراف / ۴۳.

[۲] محمد / ۱۷.

[۳] تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲.

[۴] نورالتقلین، ج ۱، ص ۲۰.

[۵] معانی الاخبار / ۳۲.

[۶] نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۲.

[۷] بحارالانوار، ج ۹، ص ۲۴.

[۸] همان.

[۹] هود / ۵۶ (ان ربی علی صراط مستقیم) پروردگار من، بر صراط مستقیم است.

[۱۰] زخرف / ۴۳ (انک علی صراط مستقیم)؛ ای پیامبر! تو در صراط مستقیم هستی.

[۱۱] یس / ۶۲ (و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم؛ مرا عبادت کنید که این صراط مستقیم است).

[۱۲] بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۷۷.

## صراط الذین انعمت علیهم

این آیه می فرماید: راه مستقیم، همان راهی است که دریافت کنندگان نعمت خاص تو، آن را پیموده اند. اما چه کسانی

به فیض نعمت خاص او نایل شده اند؟ بنا بر فرموده ی امیرمؤمنان علیه السلام برخی آیات قرآن، مبهمات آیات دیگر

را تبیین می کند. [۱] فائزین به نعمت خاص الهی در آیه ای دیگر مشخص گردیده اند، آن جا که می فرماید:

«و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن

اولئک رفیقاً» [۲].

بنابراین آیه، پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان کسانی هستند، که خدا به آنان نعمتی ویژه مرحمت فرموده است و

ما همراهی با آنان را، روزانه حداقل ۱۰ بار در نماز آرزو می کنیم تا از مسیر مستقیم خارج نشویم.

در روایات، مصداق روشن این گروه مورد تفضل الهی، چنین بیان شده است: «صراط الذین انعمت علیهم؛ محمدا و

ذریته: [۳] راه راست، راه محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - و خاندان او است.»

[۱] بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۸.

[۲] نساء، ۶۹.

[۳] نور الثقلین / ۲۳.

## غیر المغضوب علیهم و لا الضالین

قرآن کریم، گروه‌های زیر را غضب شده خوانده است:

۱. ناسپاسان: «و لا تطغوا فیه فیحل علیکم غضبی؛ [۱] با ترک شکر، رو به سوی طغیان نبرید و موجبات غضب خدا را فراهم نیاورید.»

[ صفحه ۱۱۸ ]

۲. بنی اسرائیل: «باءو بغضب من الله؛ [۲] به دلیل لجاجت و اصرار در موضع باطل به رغم آشکاری حق، کشتن پیامبران، تحریف کتاب آسمانی و رباخواری [دچار غضب الهی شدند.»

۳. قاتلان و آدم‌کشان: «و من یقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فیها و غضب الله علیه [۳] هر کس مسلمانی را عمدا بکشد، کیفرش خلود در دوزخ و ابتلا به خشم خدایی است.

۴. مرتدان: «ان الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم؛ [۴] آنان که [پس از هدایت] دیگر بار به گوساله پرستی روی آوردند، به زودی به غضب خدا مبتلا خواهند شد.»

۵. افراد بد گمان به خدا: «الظانین بالله ظن السوء علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم؛ [۵] بد گمانان به خدا، به پیش آمد بد و غضب خدا گرفتار آیند.»

گمراهان نیز دارای مصادیقی هستند که برخی از آنها بر مبنای آیات قرآنی عبارت‌اند از: مشرکان [۶]، دروغگویان [۷]، خودپسندان [۸]، مخالفان پیامبران [۹]، آنان که مانع راه خیرند [۱۰] مشبهین (کسانی که خدا را به خلق تشبیه می‌کنند). [۱۱].

[ صفحه ۱۱۹ ]

[۱] طه / ۸۱.

[۲] بقره / ۶۱؛ آل عمران / ۱۱۲.

[۳] نساء / ۹۳.

[۴] اعراف / ۱۵۲.

[۵] فتح / ۶.

[۶] نساء / ۱۱۶.

[۷] انعام / ۲۴.

[۸] کهف / ۱۰۴.

[۹] احزاب / ۳۶.

[۱۰] نساء / ۱۶۷.

[۱۱] اسراء / ۴۸.

### سوره‌ی توحید

پس از قرائت فاتحه‌ی الکتاب که سرآغاز کتاب آسمانی است، نوبت به سوره توحید یا اخلاص می‌رسد. [۱] پیامبر اکرم فرمود: هر کس این سوره را قرائت کند همانند آن است که ثلث قرآن را قرائت کرده باشد و ده برابر تمامی کسانی که به خدا و ملائکه و کتاب‌های آسمانی ایمان آورده‌اند برای او حسنه ثبت می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: به هنگام دفن پیکر سعد بن معاذ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر او نماز خواندند و هفتاد هزار ملک نیز در نماز با حضرتش شرکت داشتند. پس از نماز، پیامبر اکرم از جبرئیل پرسیدند: «چرا شما نیز بر جنازه او نماز گزاردید؟ جبرئیل گفت: زیرا او «قل هو الله احد» را دائما در حال قیام و قعود و سواره و پیاده و در رفت و آمدش می‌خواند.» [۲].

سوره توحید خطاب به پیامبر می‌فرماید: بگو: او خدای یکتا است؛ خدایی بی‌نیاز و مرجع همه نیازمندان، کسی را نزاده و از کسی زاده نشده و همانندی ندارد.

این سوره به ما می‌آموزد که:

۱. تکرار شعار توحید برای موحدان و حتی پرچمدار توحید ضرورت دارد.

۲. خدا پاسخگوی همه‌ی نیازمندان است و با هیچ کس ارتباط نسبی ندارد.

۳. خدا ماده نیست و با آن، ارتباطی ندارد.

برای لفظ «صمد»، معانی زیادی ذکر شده، که به برخی از آنها اشاره می‌شود: [۳].



۱. مقصد و ملجأ بندگان و نیازمندان؛
  ۲. کسی که در نهایت سیادت، آقایی و صلابت و اقتدار است؛
  ۳. وجودی که قائم به نفس است و بی‌نیاز از غیر؛
  ۴. وجودی که فساد و تغییرات ندارد؛
  ۵. توانایی که به صرف اراده می‌تواند به اشیاء وجود بخشد؛
  ۶. صمد یعنی «لم یلد و لم یولد»؛
  ۷. وجودی که جسم نیست، حد و محل و مکان و شبیه و سکون و حرکت ندارد، در هیچ چیز نمی‌گنجد و هیچ جایی، خالی از او نیست.
- وحدت خدای متعال، وحدت عددی نیست، او یکتا است و همتایی ندارد، نه آن که یکی است و دومی ندارد؛ چرا که در وحدت عددی، دوم متصور است، گرچه موجود نباشد. ولی درباره‌ی خدا، فرد دومی متصور نیست.

[ صفحه ۱۲۱ ]

[۱] البته نمازگزار می‌تواند هر سوره‌ای از قرآن را جز عزائم - سوره‌هایی که سجده واجب دارند - پس از سوره‌ی حمد، قرائت کند.

[۲] مجمع البیان.

[۳] این معانی در روایات متعدد از امامان معصوم علیهم‌السلام آمده است؛ ر.ک: بحارالانوار، ج ۳، ص ۲ به بعد.

## آزمون

۱. «الله اکبر» به چه پرسش‌هایی بر محور عبادت پاسخ می‌دهد؟
۲. تکبیر در مقدمات و متن نماز، چند بار تکرار می‌شود و دلیل آن چیست؟
۳. مرحوم طبرسی رحمه الله علیه چه نظری در مورد «بسم الله» دارد؟
۴. امام حسن عسگری علیه‌السلام «بسم الله» را چگونه تفسیر می‌فرماید؟
۵. حمد به چه معنا و چرا مخصوص خدا است؟
۶. با آن که خداوند مالک دنیا و آخرت است، چرا درباره او می‌گوییم: «مالک یوم الدین»؟
۷. از جمله‌ی «ایاک نعبد و ایاک نستعین» چه درس‌هایی می‌آموزیم؟ هر یک را جداگانه توضیح دهید؟
۸. از عبارت «اهدنا الصراط المستقیم» چه مطالبی استفاده می‌شود؟ شرح دهید.
۹. راه غضب شدگان، چه راهی است؟

۱۰. از سوره‌ی توحید، چه نکاتی استفاده می‌شود و «صمد» به چه معنایی است؟

[ صفحه ۱۲۳ ]

## اجزای نماز

### رکوع

پس از عرضه‌ی یک دوره معارف و درخواست ضرورت‌ترین نیازها در پیشگاه لایزال، به خضوع می‌پردازیم و به حالت رکوع که به فرموده‌ی امام صادق علیه‌السلام تجسم ادب خاص بنده در برابر پروردگار است، قرار می‌گیریم و او را می‌ستاییم. او منزّه است از هر چیز، و از این که نیازی به نماز و خضوع ما داشته باشد و ما این ادب را به نشان شایستگی رب به جا می‌آوریم، نه نیاز او. اولیاء الله، در حالت رکوع و سجده، لذتی از یاد و ذکر خدا را احساس می‌کردند که نمی‌توانستند به زودی آن را ترک کنند. «ابان بن تغلب» از شاگردان امام صادق، می‌گوید: خدمت حضرتش شرفیاب شدم، که در حال نماز بودند. تعداد اذکار امام در رکوع و سجود، بالغ بر شصت بار بود! [۱].

[ صفحه ۱۲۴ ]

رکوع، از ارکان نماز است، که کم یا زیاد کردن آن، به هر شکل موجب بطلان نماز می‌شود. [۲] رعایت نکردن طمأنینه و تمامیت رکوع موجب خروج از دین خواهد بود. [۳].

[۱] وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۲۷.

[۲] البته اگر در نماز جماعت، مأموم زودتر از امام جماعت، سر از رکوع بردارد، باید به رکوع بازگردد و از امام تبعیت کند و زیادی رکن در اینجا اشکالی ندارد؛ ر.ک: توضیح المسائل.

[۳] فروع کافی، ج ۱، ص ۷۴.

### سجده

عالی‌ترین درجه‌ی عبودیت و نزدیک‌ترین حالت عبد به خدای سبحان، حالت سجده است. طبق نص قرآن کریم، تمام ذرات وجود، هر کدام به نوعی خدا را سجده می‌کنند: «الم تر ان الله یسجد له من فی السموات و من فی الارض و الشمس و القمر و النجوم و الجبال و الشجر و الدواب و...» [۴].

اهل باطل نیز در برابر بت‌ها و پیشگاه شاهان به نشان احترام سجده می‌کردند. سجده، عرصه‌ی مجدد تقدیس و تنزیه خدای سبحان و زمینه‌ای مناسب برای نجوا و گفت و گو با خدا است. در اهمیت و فضیلت سجده و طولانی کردن آن، روایاتی فراوان رسیده است، که به نقل برخی از آنها می‌پردازیم:

۱. راه رسیدن به بهشت: مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسید، حضرت از او پرسیدند: چه می‌خواهی؟، در جواب گفت: بهشت!، حضرت پس از تأملی کوتاه، فرمودند: «یا عبدالله اعنا بطول السجود؛ [۲] ای بنده‌ی خدا! یاری ده ما را [در راه رسیدن به این خواسته] از طریق سجده‌های طولانی.»

[ صفحه ۱۲۵ ]

۲. نزدیک‌ترین حالت به خدا: امام صادق علیه‌السلام فرمود: «اقرّب ما یكون العبد الی الله و هو ساجد؛ [۳] نزدیک‌ترین حالت بنده به خدا، حالت سجده است.»

۳. آمرزش گناهان: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من سجد حط بها خطیئته و رفع له بها درجة» یعنی: «هر کس سجده را انجام دهد یک گناهش بخشیده، و یک درجه بر درجات او افزوده می‌گردد.»

۴. شیوه‌ی اولیای الهی: امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاران خود فرمود: «یا ابامحمد علیک بطول السجود فان ذلک من سنن الاولین؛ [۴] سفارش می‌کنم تو را به سجده طولانی؛ چرا که این شیوه‌ی پیشینیان است.»

خداوند متعال در قرآن پس از ذکر نام گروه زیادی از پیامبران همچون: زکریا، یحیی، عیسی، موسی، ابراهیم، اسماعیل، ادريس، نوح و... می‌فرماید: «و ممن هدینا و اجتبینا اذا تتلی علیهم آیات الرحمن خروا سجدا و بکیا؛ [۵] و از آنان که ما هدایت کردیم و برگزیدیم، کسانی هستند که وقتی آیات قرآنی بر آنان تلاوت می‌شود، به سجده می‌افتند و می‌گریند.»

۵. مؤثرترین عامل طهارت قلب: مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله علیه می‌فرمود: مؤثرترین عامل اصلاح قلب، مداومت بر سجده‌ی طولانی است، اگر چه در هر شبانه روز، یک بار اتفاق افتد و در آن ذکر را بگوید: «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» [۶] .

[ صفحه ۱۲۶ ]

۶. مایه‌ی افتخار خدای لایزال: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به یکی از یارانش به نام «اسامه» توصیه فرمودند: «بر تو باد به سجده کردن... چرا که هیچ بنده‌ای برای خدا سجده نمی‌کند، مگر آن که خداوند متعال، حسنه‌ای برایش ثبت، و گناهی از او محو می‌کند. و مقام او را یک درجه ترفیع می‌دهد و نزد ملائیک به او مباحثات می‌کند که به رغم تمام جاذبه‌های باطل در پیشگاه عظمت خدا، کرنش می‌کند.» [۷].

۷. اعتراف کنایه‌وار به حیات اخروی: از امیرمؤمنان علیه‌السلام پرسیدند: سجده چیست؟ فرمود: یعنی: خدایا! تو مرا از خاک آفریدی، دیگر بار، مرا به خاک باز می‌گردانی و در قیامت مرا از خاک بیرون خواهی آورد. [۸].

۸. نشانه تقوا: سجده‌ی طولانی، نشان متقین را بر تارک انسان، نقش و وی را سزاوار ستایش حق می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«الذین یبیتون لرهبم سجدا و قیاما؛ [۹].

بندگان خدای رحمان، شب را با سجده و نماز به روز می‌رسانند.»

در آیتی دیگر در بیان ستودگان از پیروان ادیان آسمانی می‌فرماید: «یتلون آیات الله آناء اللیل و هم یسجدون؛ [۱۰]

آیات الهی را در طول شب قرائت می‌کنند؛ در حالی که سجده می‌روند.»

در آیه‌ی دیگر، سجده را از ویژگی‌های رسول خدا و یارانش می‌داند و می‌فرماید: «نشان سجده بر چهره‌ی آنان نقش بسته است.» [۱۱].

[ صفحه ۱۲۷ ]

۹. مباحثات زمین: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به «اباذر» فرمود: «زمینی که مؤمنی بر آن قدم نهد و در برابر عظمت حق چهره بر آن ساید، بر زمین‌های اطراف، افتخار و مباحثات می‌کند.» [۱۲].

۱۰. راهی برای رسیدن به خواسته‌ها: امام صادق علیه‌السلام هر گاه حاجتی داشت، سر به سجده می‌گذاشت و هفت بار عرضه می‌داشت: «یا ارحم الراحمین!» و پس از آن، حاجت خود را از خداوند مسألت می‌کرد و می‌فرمود: هر کس هفت بار این ذکر را بگوید، خداوند در جواب او می‌فرماید: آری، من «ارحم الراحمین» حاجت خود را بخواه! [۱۳].

[۱] حج / ۱۸.

[۲] فروع کافی، ج ۱، ص ۷۳.

[۳] وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹۸۰.

[۴] همان / ص ۹۸۱.

[۵] مریم / ۵۸.

[۶] اسرار الصلوه / ۲۷۰.

[۷] جامع احادیث شیعه، ج ۵، ص ۲۶.

[۸] بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱۳۹.

[۹] فرقان / ۶۴.

[۱۰] آل عمران / ۱۱۳.

[۱۱] فتح / ۲۹.

[۱۲] جامع احادیث شیعه، ج ۵، ص ۲۳۷.

[۱۳] همان، ص ۴۷۹.

## سجده‌ی شکر

غیر از سجده‌هایی که در نماز واجب و مستحب به جا می‌آوریم سجده‌های خضوع و شکر، توصیه گردیده است. زیرا آن حالت، تقرب به خدا، و فرار و فریاد شیطان را سبب می‌شود و برترین هیأت خضوع و تعبد را ارائه می‌دهد. در روایتی از حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - چنین می‌خوانیم:

«سجده الشکر من الزم السنن و اوجیها: [۱].»

سجده‌ی شکر از ضروری‌ترین سنت‌ها است.»

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «هر وقت به یاد نعمتی از نعمت‌های پروردگار افتادی و در جایی بودی که دیگری تو را نمی‌دید، صورت خود را به زمین بچسبان و اگر در حضور دیگران بودی، کمی به نشانه‌ی تواضع در برابر نعمت

[ صفحه ۱۲۸ ]

خدا، خم شو! [۲] در روایت دیگری چنین آمده است: اگر [انسان هنگام یادآوری نعمت] جای مناسبی برای سجده پیدا نمی‌کند، صورت بر کف دست بگذارد و سپاس خداوند به جای آرد. [۳].

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوار بر مرکب از مسیری عبور می‌کردند. ناگاه یاران متوجه شدند حضرتش ناقه را متوقف کرده، پیاده شدند و پنج سجده به جای آوردند. یاران پرسیدند: رمز این عمل چیست؟ حضرت فرمودند: جبرئیل بر من نازل شد و پنج بشارت به من داد، در برابر هر یک، سجده‌ی شکر به جای آوردم. [۴].

آری، روحیه‌ی سپاس‌گزاری در پیشگاه خدا، فضیلتی است در خور تحسین که زیادت نعمت را در پی دارد.

[۱] همان، ص ۴۵۳.

[۲] وافی، ج ۸، ص ۸۲۵.

[۳] محجه البیضاء، ج ۱، ص ۳۴۶.

[۴] همان.

## قنوت

قنوت، به معانی مختلفی از جمله: دعا، اطاعت، سکون، خودداری از سخن، قیام، خشوع، عبادت و نماز آمده است. در نماز، قنوت به مفهوم دعا و درخواستی است که با هیأتی خاص در رکعت دوم نماز بعد از قرائت و قبل از رکوع انجام می‌شود. برخی از فقیهان قائلند: خواندن هر دعایی، به هر زبانی در قنوت جائز است، بنابراین: نمازگزار می‌تواند قنوت را با زبان فارسی بخواند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هر کس قنوتی طولانی‌تر داشته باشد، آسایش بیشتری روز قیامت نصیبش می‌شود [۱] و بهترین نماز، آن است که

[ صفحه ۱۲۹ ]

قنوتی نیکوتر داشته باشد.» [۲] امام رضا علیه‌السلام در نامه‌ای به مأمون یادآور شدند که قنوت از سنت‌های لازم در هر نماز است. [۳].

[۱] بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱۹۹.

[۲] خصال، ج ۲، ص ۱۰۳.

[۳] عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۳.

## تشهد

تشهد، شهادتی است دوباره به یکتایی خدا و پیامبری رسول، و پیک رحمت و هدیه‌ای است به هادی امت و واسطه‌ی رحمت و خاندان با کرامت او، که در میان و پایان هر نماز تکرار می‌گردد:

«اشهد ان لا اله الا الله، وحده لا شریک له، و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، اللهم صل علی محمد و آل محمد»

چگونگی صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در روایات گوناگون بیان شده است. صحیح بخاری، از کتب مهم اهل سنت، در باب کیفیت صلوات بر پیامبر، این روایت را نقل کرده است: از رسول خدا پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد...» [۸].

شافعی، از بزرگان اهل سنت، در ضمن اشعاری می‌گوید: «ای خاندان پیامبر! محبت شما به حکم قرآن بر ما واجب است. در عظمت مقام و بلندی منزلت‌تان، همین بس که هر کس در نماز بر شما درود نفرستد، نمازش باطل است.» [۲].

در رکعت آخر هر نماز نیز، پس از تشهد، بر پیامبر خدا، بندگان صالح او و حاضران در نماز و جماعت درود می‌فرستیم و نماز را به پایان می‌بریم.

[ صفحه ۱۳۰ ]

[۱] صحیح بخاری، باب الصلاه علی النبی.

[۲] مسند احمد حنبل، ج ۶، ص ۳۲۳.

## آزمون

۱. خاطره‌ای از رکوع امام صادق علیه‌السلام از زبان یکی از یارانش نقل کنید.
۲. فرق رکن و غیر رکن چیست و بگویید در کجا این تفاوت نیست؟
۳. چهار مورد از فضایل سجده را ذکر کنید.
۴. سخن مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله علیه را درباره‌ی سجده، بیان کنید.
۵. امام صادق علیه‌السلام - برای رفع مشکلات خود چه عملی انجام می‌داد و چه توصیه‌ای می‌فرمود؟
۶. سخن حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را درباره‌ی سجده‌ی شکر، نقل کنید.
۷. امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی سجده‌ی شکر چه سفارشی فرمود؟
۸. قنوت، دارای چند معنا و در نماز به چه مفهومی به کار رفته است؟
۹. بهترین نماز از نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه نمازی است؟
۱۰. شعر شافعی درباره‌ی خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشتمل بر چه مضمونی است؟





## شوق وصال و درد فراق

### نماز اول وقت

در بحث‌های پیشین، چنین آمد، که نماز، گفت و گو و دیدار با معبود است. انسان‌های وارسته که جز حضرت حق، دوست و ولی نعمتی برای خود نمی‌شناسند، مشتاقانه در انتظارند تا در نخستین فرصت، جسم و روح خسته از دنیای مادیت خود را جانی دوباره بخشند؛ از این رو است که حتی قبل از رسیدن وقت نماز، با انجام مقدمات واجب و مستحب و نظافت و معطر کردن بدن و لباس، خویش را برای حضور در پیشگاه معشوق آماده می‌کنند.

در بحث «اهتمام به نماز» درباره‌ی انجام این فریضه به وقت فضیلت، سخن گفته شد. در اینجا یک بار دیگر اهمیت انجام به موقع آن را مورد توجه قرار می‌دهیم.

هر چند برای هر یک از نمازهای یومیه، زمانی موسع در نظر گرفته شده، اما تأکید بر این است که همگان در نخستین فرصت، با شتاب به سوی نماز حرکت، و آن را در اول وقت اقامه کنند. و هیچ مشغله‌ای را بهانه‌ی تأخیر نماز قرار ندهند.

[ صفحه ۱۳۲ ]

امیرمؤمنان علیه‌السلام در گرماگرم جنگ، دل در گرو رسیدن وقت نماز دارد و می‌فرماید: ما برای اقامه‌ی نماز می‌جنگیم [۱] و فرزندش امام حسین علیه‌السلام نیز به رغم بارش تیرها و نیزه‌ها در میدان نبرد ظهر عاشورا نماز را به پا می‌دارد. [۲].

[ صفحه ۱۳۳ ]

امام رضا علیه‌السلام نیز در حال مناظره‌ای سرنوشت‌ساز با یکی از پیروان ادیان پیشین آن گاه که بحث به جایی حساس و تعیین کننده رسیده بود، اصرار مخاطب برای ادامه‌ی گفت و گو و اظهار آمادگی برای پذیرش مکتب اسلام را، نادیده گرفته، با رسیدن وقت نماز، بی‌درنگ، برخاسته و به سوی نماز شتافتند! [۳].

زمانی دیگر، وقتی به آن حضرت گفتند: صبر کنید، تا مأمومان برای نماز، گرد آیند. امام ضمن توصیه به نماز اول وقت و در هر شرایطی که ممکن باشد، آن را به هنگام اقامه فرمودند.

هنگام اقامت حضرت امام رحمه الله عليه در پاریس، حدود سیصد خبرنگار از سراسر جهان برای انجام مصاحبه درباره‌ی مسأله‌ی فرار شاه از ایران در منزل ایشان جمع شده بودند. هنوز بیش از چند پرسش مطرح نشده بود، که وقت نماز رسید. امام فوراً جایگاه خود را ترک کردند و به سوی نماز شتافتند: ایشان در پاسخ کسانی که اصرار داشتند: این برنامه‌ی مهم، بیشتر ادامه یابد، با عصبانیت فرمودند که: به هیچ وجه نمی‌شود. [۴].

آن بزرگوار در سفرها، و حتی بیمارستان به رغم خستگی و بیماری، نماز اول وقت را ترک نمی‌کردند. روزی به دلیل استفاده از قرص خواب‌آور مطمئن نبودند هنگام اذان ظهر بیدار شوند. لذا از پزشکان خواستند ایشان را، نزدیک اذان بیدار کنند؛ ولی آنان زمان استراحت امام را، به هم نزدند! حضرتش اندکی پس از اذان، برخاستند؛ نخست، نماز را ادا، و سپس غذا را صرف کردند.

[ صفحه ۱۳۴ ]

حضرت موسی در مقام مناجات از خداوند پرسید: پاداش کسی که نماز را در وقت آن بخواند، چیست؟ خطاب آمد: «اعطیته سؤله و ایحه جنتی؛ خواسته‌اش را، روا می‌دارم و بهشتم را بر او مباح می‌گردانم.» [۵].

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«ما من عبد اهتم بمواقیت الصلاة و مواضع الشمس الا ضمانت له الروح عند الموت و انقطاع الهموم و الاحزان و النجاء من النار؛ [۶].»

هر بنده‌ای به اوقات نماز اهمیت دهد، من ضمانت می‌کنم هنگام مرگ، آرامش یابد؛ اندوه‌ها از دلش رخت بندند و از آتش خلاص شود.»

[۷] ارشاد القلوب.

[۲] استاد مطهری (ره) در این باره می‌نگارد:

روز عاشورا مردی از اصحاب حضرت اباعبدالله علیه السلام یک وقت متوجه شد که الان اول ظهر است. آمد عرض کرد یا اباعبدالله! وقت نماز است، و ما دلمان می‌خواهد برای آخرین بار نماز جماعتی با شما بخوانیم. اباعبدالله نگاهی به آسمان کرد و فرمود: «ذکرت الصلوة جعلک الله من المصلین» نماز را یاد کردی، خدا تو را از نمازگزاران قرار بدهد. مردی که سر بر کف گذاشته است - یک چنین مجاهدی را - امام دعا می‌کند که خدا تو را از نمازگزاران قرار بدهد، ببینید نمازگزار واقعی چه مقامی دارد! فرمود: بله نماز می‌خوانیم، همانجا در میدان جنگ نماز خواندند، نمازی که در اصطلاح فقه اسلامی «نماز خوف» نامیده می‌شود. نماز خوف مثل نماز مسافر دو رکعت است، نه چهار رکعت، یعنی انسان اگر در وطن هم باشد باز باید دو رکعت بخواند، برای اینکه مجال نیست، در آنجا باید مخفف خواند، چون اگر همه به نماز بایستند وضع دفاعیشان بهم می‌خورد، موظف هستند در حال نماز، نیمی از سربازان در مقابل دشمن بایستند و نیمی به امام جماعت اقتدا بکنند، امام جماعت یک رکعت را

که خواند صبر می‌کند تا آنها یک رکعت دیگر را خودشان بخوانند، بعد آنها می‌روند، پست را از رفقای خودشان می‌گیرند در حالیکه امام همینطور منتظر نشسته یا ایستاده است، بعد سربازان دیگر می‌آیند و نماز خودشان را با رکعت دوم امام می‌خوانند.

اباعبدالله چنین نماز خوفی خواند ولی وضع اباعبدالله یک وضع خاصی بود به طوری که چندان از دشمن دور نبود، لذا آن عده‌ای که می‌خواستند دفاع کنند نزدیک اباعبدالله ایستاده بودند و دشمن حتی در این لحظه هم آنها را راحت نگذاشت، در حالیکه اباعبدالله مشغول نماز بود، دشمن شروع به تیراندازی کرد، دو نوع تیر، هم تیر زبان! یکی فریاد کرد: حسین نماز بخوان ولی نماز تو فایده‌ای ندارد، تو بر پیشوای زمان خودت یزید، یاغی هستی، و هم تیرهایی که از کمان پرتاب می‌کردند. به طوری که یکی دو نفر از صحابه که خودشان را سپر قرار داده بودند، روی خاک افتادند، یکی از آنها «سعید بن عبدالله حنفی»، نزدیک جان دادنش بود، آقا خودش را به بالین او رساند. عرض کرد: «یا اباعبدالله! اُوفیت» آیا حق وفا را به جا آوردم؟ مثل اینکه هنوز هم فکر می‌کند که حق حسین آنقدر بزرگ و بالا است که این مقدار فداکاری هم شاید کافی نباشد. این بود نماز اباعبدالله در صحرای کربلا.

[۳] عیون اخبار الرضا.

[۴] سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی (ره).

[۵] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۴.

[۶] همان، ج ۸۳، ص ۹.

## تعقیبات نماز

جدایی از عزیزان و وداع یاران، جانکاه و طاقت فرسا است. نماز، نور چشم پیامبر و پیروان او است، چگونه می‌توان آسان با آن، وداع کرد؟!

تعقیبات نماز، نشان آن است که نمازگزار بر استمرار ارتباط معنوی خود با خداوند مهربان، اصرار دارد. دیدار او با نماز، عاشقانه و وداعش ناباورانه است.

نیایش‌هایی را پس از نمازها، با عنوان تعقیبات نماز در دو بخش «مشترک» و «ویژه» برای هر نماز، روایت کرده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: در سه زمان، مانعی برای رسیدن دعا [و اجابت آن] نیست؛ بعد از نماز واجب، هنگام نزول باران و آن گاه که معجزه یا امری خارق عادت دیده می‌شود. [۷].

[ صفحه ۱۳۵ ]

امام رضا علیه‌السلام نیز از زبان پیامبر می‌فرماید: هر کس نماز واجبی را به جای آورد، به دنبال آن، یک دعای مستجاب دارد. [۲].

در حدیثی می‌خوانیم: «یابن ادم اذکرنی بعد الغداء ساعة و بعد العصر ساعة اکفک ما اهمک: [۳] ای فرزند آدم! ساعتی بعد از نماز صبح و نیز ساعتی پس از نماز عصر، مرا یاد کن، تا آنچه را، مهم می‌شماری برایت فراهم آورم.» یکی از یاران امام باقر علیه‌السلام از حضرتش پرسید: بعضی می‌گویند؛ خوابیدن بعد از اذان صبح تا طلوع خورشید مکروه است؛ زیرا پروردگار در آن ساعت، روزی بندگان را تقسیم می‌کند. حضرت فرمود: رزق‌ها از پیش، تقسیم شده، اما خداوند متعال، فضلی دارد که آن هنگام، آن را - علاوه بر روزی - به آفریدگان عطا می‌کند؛ همان گونه که خود فرموده است: «واسئلو الله من فضله؛ [۴] از خداوند، از فضلش بخواهید.» سپس افزود: ذکر خدا بعد از نماز صبح، در کسب روزی و مال، مؤثرتر از تلاش و تجارت است. [۵].

در روایتی دیگر وعده داده شده: تا زمانی که نمازگزار در مصلاهی خود بنشیند، مقام او نزد خداوند متعال بالا رود و گناهانش محو و بر حسناتش افزوده شود. [۶].

در حدیث می‌خوانیم: وقتی مؤمنی نماز به جا می‌آورد، خداوند، گروهی از فرشتگان را مأمور می‌سازد، تا گرداگردش حلقه زنند، اما وقتی می‌بینند از خدا چیزی نمی‌خواهد، پراکنده می‌شوند. [۷].

[ صفحه ۱۳۶ ]

اینک پاره‌ای از مهم‌ترین آداب و تعقیبات نماز را برمی‌شمарیم:

[۱] امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۸۷.

[۲] عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۸.

[۳] امالی شیخ صدوق / ۱۹۳.

[۴] نساء / ۳۲.

[۵] تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۰.

[۶] بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۳۲۳.

[۷] همان / ۱۸.

## تکبیر

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مکه را فتح کردند و در خانه‌ی خدا، نماز ظهر را همراه یارانش کنار حجرالاسود به جا آوردند، با سه تکبیر نماز را به پایان بردند و آنگاه دعای وحدت را با اصحاب خود خواندند و به آنان فرمودند: این تکبیرها و دعا را پس از هیچ نمازی فراموش نکنید؛ زیرا نهایت سپاسی است که می‌توان به پاس تقویت لشکریان اسلام به جا آورد. [۸].

[۱] علل الشرائع، ج ۲، باب ۷۸.

## تسبیح حضرت زهرا

تسبیحات حضرت زهرا، ادبی خاص است، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دخترش تعلیم فرمود؛ ابتدا ۳۴ «الله اکبر» و سپس ۳۳ «الحمد لله» پس از آن ۳۳ «سبحان الله». این تسبیح موجب آمرزش گناهان و دور ماندن از فقر و بیماری‌های روحی و جسمی می‌گردد. [۱].

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هیچ ذکری ارزشمندتر از این تسبیحات نیست؛ زیرا در این صورت، پیامبر اکرم، آن را به دخترش تعلیم می‌فرمود. [۲].

در خبری دیگر، حضرتش به یکی از یاران خود فرمود:

«انا نأمر صبیاننا بتسبیح فاطمة علیها السلام کما نأمرهم بالصلاة فالزمه فانه لم یلزمه عبد فشق؛ [۳] ما همان سان که به نماز خواندن فرزندانمان توصیه داریم، آنان

[ صفحه ۱۳۷ ]

را به خواندن تسبیحات حضرت زهرا فرمان می‌دهیم. پس: بر انجام این تسبیحات تأکید داشته باش؛ تا دچار شقاوت نشوی.»

[۱] بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۷.

[۲] وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۲۴.

[۳] فروع کافی، ج ۳، ص ۳۴۲.

## نفرین و اعلام برائت از دشمنان اسلام

پیوند با خدا همواره با اعلام برائت از دشمنان او همراه است. دو تن از یاران امام صادق علیه السلام می‌گویند: ما خود شنیدیم که امام علیه السلام به دنبال هر یک از نمازهای واجب، چهار مرد و چهار زن را لعنت می‌فرمود. [۱] از این روایت فهمیده می‌شود که برائت و لعن با صدای بلند صورت می‌پذیرفت. البته گفتنی است که لعن و نفرین باید بر دشمنان شناخته شده‌ی اسلام نثار گردد تا بر وحدت و صلابت مسلمانان بیفزاید.

[۱] فروع کافی، ج ۳، ص ۳۴۲ و تهذیب، ج ۲، ص ۳۲۱.

## استغفار

خداوند متعال در قرآن کریم، وجود دو عنصر را مانع عذاب امت معرفی می‌کند و خطاب به پیامبرش می‌فرماید: تا تو در میان امت هستی و آنان اهل استغفارند، عذاب بر آنها نازل نمی‌گردد:

«و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون؛ [۱] .

امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: اکنون «امان نخست» (پیامبر اکرم) را از دست داده‌اید پس: امان دیگر را مغتنم شمرد و از آن بهره گیرید.» [۲] .

[۱] انفال / ۳۳.

[۲] نهج‌البلاغه، حکمت ۸۸.

## سجده‌ی شکر

امام رضا علیه‌السلام فرمود: سجده بعد از نماز واجب، سپاسی است در برابر توفیق انجام فریضه، و کمترین حد آن این است که ۳ بار بگوید: «شکرا لله».

[ صفحه ۱۳۸ ]

علامه مجلسی رحمه الله علیه ذیل این حدیث شریف می‌نگارد:

«فان كان في الصلاة تقصير لم يتم بالنوافل ثم بهذه السجدة؛ [۱] اگر در نماز، اشکالی باشد که با نماز نافله برطرف نشود، با سجده‌ی شکر، جبران می‌شود.»

درباره‌ی فضیلت و اهمیت سجده‌ی شکر به همین مختصر، بسنده می‌کنیم.

آری، پس از انجام عبادت و سجده‌ی طاعت، گاه مناسبی برای طلب آمرزش گناه و استغفار از پروردگار است. در روایتی امام صادق علیه‌السلام پس از آموزش استغفار می‌فرماید: هر کس این استغفار را بعد از نماز بگوید، خداوند گناهان بزرگ او را می‌بخشد. [۲] .

[۱] بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۱۹۸.

[۲] همان، ص ۵.

## تبرک جستن به سجده‌گاه

هنگام وداع در هر دیداری، پرونده‌ی ملاقات با «مصافحه» بسته می‌شود. در فرجام هر نماز نیز، نمازگزار نخست دست بر سجده‌گاه می‌کشد، سپس بر چهره و بدن، تا از هر گونه ضعف و بیماری، ایمن شود! [۱] .

[۱] امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۶۷؛ بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۲۰۶ و ۲۱۰.

## آزمون

۱. گفتاری از تأکید حضرت علی علیه السلام بر نماز اول وقت بنویسید.
۲. چرا امام حسین علیه السلام در گرما گرم جنگ ظهر عاشورا، بر اقامه‌ی نماز اول وقت، اصرار داشتند و آن نماز را چگونه به جای آوردند؟
۳. امام رضا علیه السلام در کدام یک از صحنه‌های حساس، کار خود را ترک کرده، به سراغ نماز رفتند؟
۴. یک خاطره از امام خمینی رحمه الله علیه درباره‌ی توجه به نماز اول وقت ذکر کنید.
۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی پاداش کسی که به نماز اول وقت مقید باشد چه فرمود؟
۶. به گفته‌ی امام صادق علیه السلام دعا در چه اوقاتی مستجاب است؟
۷. روایتی قدسی در زمینه‌ی فضیلت تعقیبات نماز ذکر کنید و تفاوت بین حدیث قدسی و احادیث دیگر را بنویسید.
۸. چهار مورد از آداب تعقیبات نماز را بنویسید.
۹. براساس سخن امام علی علیه السلام چه چیزهایی وسیله‌ی ایمنی از عذاب دوزخ است؟
۱۰. روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد فضیلت استغفار بعد از نماز ذکر کنید.



## نماز جماعت

### نماز جماعت

ساختار فرهنگ اسلامی بر اساس زدودن منیت‌ها و رهایی انسان از تنهایی و حصار خود، بنا گردیده است. هر یک از آموزه‌ها و الزام‌های شرعی به نحوی، جامعه را به سوی ضمیمه شدن تمام انسان‌ها به یکدیگر پیش می‌برد. غالب اذکار و شعارهای نماز به این شعور فرامی‌خواند و نیز به سمت همین هدف، سایر تعالیم، همچون روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، تولی و تبری و... جهت می‌گیرند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین می‌فرماید: هر کس به اندازه‌ی یک وجب، راه خود را از مسیر مسلمانان جدا کند و از آنان فاصله بگیرد، رشته‌ی اسلام را از گردن خود باز کرده است. [۱] حضرتش در گفتاری دیگر، چنین افرادی را در مقایسه با توده‌ی انسان‌ها به گوسفندی تشبیه می‌کند که از سایر گوسفندان جدا، و در دام گرگ‌ها افتد. انسان تک‌رو، اسیر ابلیس و طعمه‌ی او می‌شود. [۲].

[ صفحه ۱۴۲ ]

لذا اسلام به انسان توصیه می‌کند برای سفر و حضر خود و در هر حرکت و سکون، از تنهایی و تک‌روی بپرهیزد. شاید به همین منظور و با در نظر گرفتن اهداف و آثار دیگر، او را به نماز جماعت فرامی‌خواند و آن را از هر عبادتی فراتر می‌داند.

در روایتی چنین آمده است: «امیرمؤمنان علیه‌السلام شبی تا صبح مشغول عبادت بود. وقت اذان صبح، نماز خود را به صورت فرادی خواند و خوابید. چون پیامبر اکرم حضرت را در صف نمازگزاران ندید، روانه‌ی خانه‌اش گردید و احوالش را از حضرت زهرا پرسید. وقتی پیامبر، ماجرا را شنید، فرمود: آنچه به خاطر ترک جماعت صبح از دست علی رفته، بیش از چیزی است که از شب زنده‌داری و عبادت در تمام شب، به دست آورده است.

در این هنگام علی علیه‌السلام از گفت و گوی پیامبر و فاطمه علیهما‌السلام بیدار شد. رسول خدا به حضرتش فرمود: «یا علی ان من صلی الصلاة فی جماعة افضل من قیام لیلة کله؛ [۳] کسی که نماز صبح را به جماعت بخواند، بهتر است از آن که تمام شب را به عبادت بگذراند.»

و در گفتاری دیگر فرمود: اگر تعداد نمازگزاران صفوف جماعت از ۱۰ نفر فراتر رود، پاداش هر رکعت آن چنان افزون می‌شود، که حتی اگر تمام آسمان‌ها کاغذ، تمام دریاها مرکب و همه‌ی درختان قلم گردند و تمام فرشتگان،

مأمور نوشتن پاداش آن، نمی‌توان ثواب آن را ثبت کرد؛ که این کار، فقط در خور محاسبه‌ی ذات بیکران الهی است.

[۴] پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

[ صفحه ۱۴۳ ]

«صلاة الرجل في جماعة خير من صلاته في بيته اربعين سنة» [۵] یک نماز جماعت، بهتر است از چهل سال نماز در خانه.

و باز فرمود: هر کس همواره و در هر شرایطی به نماز جماعت برود، از پل صراط همچون برق بگذرد و به بهشت نایل شود. [۶].

مردی نابینا از حضرتش پرسید: من توان پیمودن مسیر بین منزل تا مسجد را ندارم؛ و راهنما و مددکاری هم ندارم! پاسخ شنید: طنابی از مسجد تا منزلت بکش و به وسیله‌ی آن، راه را پیدا کن اما هرگز نماز جماعت را ترک نکن.

[۷].

[۱] سفينة البحار، ج ۱، ص ۱۷۶.

[۲] كنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶.

[۳] سفينة البحار، ج ۱، ص ۱۷۶؛ بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۷ و ۴۰.

[۴] بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۱۴.

[۵] مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۵.

[۶] ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ۳۲۳.

[۷] بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۷.

## آثار و برکات نماز جماعت

۱. عرضه‌ی اسلام به جامعه: دعوت به یک اعتقاد و یک روش، گونه‌هایی مختلف دارد. امروزه با راه یافتن شیوه‌های جدید در تبلیغات، اثر ارائه‌ی نمونه در معرض دید همگان یا نصب ماکت و تصویر در جذب افراد، بر کسی پوشیده نیست. نماز، ماکت اسلام و اعتقاد مجسم دینی است و عرضه‌ی آشکار آن - به فرموده‌ی امام رضا علیه السلام - حجت را بر بسیاری افراد تمام می‌کند، تا نتوانند از اسلام اظهار بی‌اطلاعی کنند. [۱].

۲. توفیق اجباری: در میان مسلمانان و کسانی که به زبان، اسلام را پذیرفته‌اند، افرادی وجود دارند که در عمل، توجهی به لوازم ایمان خود ندارند! برپائی نماز جماعت و شرکت در آن، این گروه را وامی‌دارد نماز خود را همراه جمع به جا

[ صفحه ۱۴۴ ]

آورند و اگر در انجام نماز، یا به جا آوردن آن در اول وقت، سست هستند، زمینه‌ی این توفیق برای‌شان فراهم گردد. ۳. آشنایی مسلمانان با یکدیگر: با کندوکاو در برنامه‌ها و میتینگ‌هایی که به منظور آشنا کردن افراد یک جامعه با یکدیگر صورت می‌گیرد، می‌توان دریافت که برنامه‌ی نماز سالم‌ترین، عاطفی‌ترین، پربهاترین و کم‌خرج‌ترین آن‌ها است.

مسلمانان در قالب این برنامه‌ی دینی و عبادت گروهی، یکدیگر را می‌شناسند، تا بتوانند هنگام گرفتاری و نیاز، یار هم باشند و در هر گونه داوری، قبول شهادت و استفسار، دوستان مسجدی و برادران دینی خود را تأیید کنند. امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر کس نمازهای خود را به جماعت می‌خواند، به او خوش‌بین باشید و شهادت او را درباره‌ی دیگران بپذیرید. [۲].

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز می‌فرماید: اگر درباره کسی که اهل جماعت و مسجد نیست، از شما سؤال کردند، بگویید: من او را نمی‌شناسم. [۳].

۴. ایجاد فضای معروف در جامعه: صدای مؤذن و برپایی صفوف جماعت، عطر معنویت و تقوا را در جامعه منتشر می‌سازد و به عبارتی دیگر: نماز جماعت، تجسم عملی امر به معروف و نهی از منکر است؛ به طرفداران توحید، قوت و تحرک و امید می‌بخشد و طالبان منکر را منزوی و مأیوس می‌نماید. [۴] حرکت فشرده‌ی مؤمنان به سوی مساجد و تعطیلی همه‌ی مشاغل، جز اشتغال به خدا و انجام فرمان او، فضای جامعه را تغییر می‌دهد. زیبایی این تقید و تعهد حتی

[ صفحه ۱۴۵ ]

قلب‌های تاریک و ناآشنا را به خود مشغول و مشعوف، و کفهی دین باوران را در مقایسه با دنیاطلبان، وزین می‌کند.

۵. رعب و وحشت دشمنان: امروزه مانور نیرو و امکانات از جمله تاکتیک‌ها و برنامه‌های بودجه‌بری است که قدرت‌ها، برای نمایش موجودیت خود در برابر دیگران در موقعیت‌های مختلف انجام می‌دهند. نماز جماعت مسلمانان، یک مانور نیرویی سالم و آرامی است که بدون صرف بودجه، هر روزه انجام می‌گیرد. صفوف متحد نمازگزاران در هر کوچه و محله و میدان، مانوری است که دشمن را از فکر صدمه زدن به توطئه بر ضد مسلمانان منصرف می‌سازد.

آری، نماز جماعت، اعلام موجودیت و حضور در برابر کافران است؛ لذا وقتی خداوند تبارک و تعالی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمان داد آیین خود را آشکار سازد، برپایی نماز جماعت، با حضور امیرمؤمنان علیه السلام و جعفر بن ابی طالب، جزء نخستین اقدام‌های آن بزرگوار بود. [۵].

۶. حفظ اعتبارات اجتماعی: یکی از آثار شرکت در نماز جماعت، تثبیت جایگاه و موقعیت افراد در جامعه اسلامی است. چنانکه اگر کسی از جماعت مسلمانان روی بگرداند و به آنان بی‌اعتنایی کند، آنان نیز حق دارند از او فاصله بگیرند و حتی در صورت لزوم با او قطع رابطه کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس از جماعت مسلمانان روی گرداند، از عدالت ساقط می‌شود و می‌توان با او قطع رابطه نمود. [۶].

[ صفحه ۱۴۶ ]

[۱] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۱.

[۲] بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۸.

[۳] همان، ص ۵.

[۴] این اثر در صورتی متجلی است، که نماز جماعت با حضور همه‌ی قشرها در جامعه برپا گردد و اگر صرفاً با حضور چند تن، به شکل محدود و... برگزار شود، بالتبع، آثار مزبور در آن، تحقق نمی‌یابد.

[۵] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶۳.

[۶] همان، ص ۳۹۴.

## آداب نماز جماعت

برخی مقررات و احکام در نماز جماعت باید مورد توجه قرار گیرد، که فشرده‌ای از آن‌ها را، ذیلاً یادآور می‌شویم:

۱. برادران اهل سنت تأکیدی شایسته بر تنظیم صفوف نماز جماعت دارند، که این تقید در صفوف جماعت تشیع نیز بایسته است؛ چرا که سنت و سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین بوده و شخصا به این مسأله اهتمام می‌ورزید. در جایی نیز فرمودند: «صفوف نماز را منظم کنید؛ زیرا عامل تمامیت و کمال نماز [۱] و موجب درود و سلام و تحسین ملایک است.» [۲].

گفتنی است صف‌های جلو از ثواب و امتیاز بیشتری برخوردارند، به طوری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر می‌دانستند فضیلت صف اول چقدر است، برای حضور در آن، قرعه می‌کشیدند، و همه خواهان صف اول بودند. [۳] اما متأسفانه معمولاً نمازگزاران صف‌های وسط یا آخر را ترجیح می‌دهند که این باور غلط باید تصحیح شود. در هر حال باید صفوف جماعت پیوسته باشد و بین نمازگزاران فاصله‌ای نباشد.

۲. امام جماعت باید شرایطی از قبیل عدالت و صحت قرائت حمد و سوره را دارا باشد. ولی تفحص فراوان در این موارد لازم نیست و حکم به ظاهر یا اتکا به گواهی شهود، کفایت می‌کند. در روایات، به معیارهایی همچون: فهم، فضیلت، برتری در مقایسه با دیگران، حفظ قرآن، علم، تقوا، رعایت احترام بزرگ‌ترها

[ صفحه ۱۴۷ ]

خصوصاً والدین، تبعیت از رهبری حق و دوری از افراط و تفریط اشاره شده است.

۳. زنان، به فتوای برخی مراجع، در صورت احراز شرایط می‌توانند امامت جماعت زنان دیگر شوند و در سمت امام یا مأوم باید نکاتی را که در حفظ و صیانت آنان از نامحرم مؤثر است رعایت کنند؛ زیرا از آداب وضو تا انجام سجده، قرائت یا سایر آداب و احکام، نکات و تفاوت‌هایی بین زن و مرد منظور شده، که دقت قانونگذار را در حفظ عفت زنان، آشکار می‌سازد.

۴. مساجد باید آراسته، زیبا و دلپذیر باشند و افراد نیز این نظم و آراستگی را رعایت، و خود را برای نماز، تزیین و معطر کنند. نه آن که بوی نامطبوع پای آنان، یا گرد و غبار غربت مسجد، موجب دل‌زدگی و گریز افراد از آن شود.

۵. امام جماعت باید از طولانی کردن نماز پرهیزد و آن را متناسب با توان ضعیف‌ترین مأمومان تنظیم کند.

درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین آمده است که «کان من اتم الناس صلاة و اخفهم» [۴] کامل‌ترین نمازها و در عین حال کوتاه‌ترین آن‌ها را به جا می‌آورد.»

۶. متولیان امور مساجد باید افرادی خوش اخلاق، با جاذبه و مؤدب باشند، تا خاطره‌هایی زیبا در ذهن نمازگزاران، نقش بندد. مسجد باید کانون محبت باشد و آنچه موجب اندوه می‌گردد، از مسجد حذف شود.

۷. امام، در حد امکان باید قرائت نماز را در نمازهای جهریه، به گونه‌ای بخواند، که صدای قرائت او به گوش مأمومین برسد، ولی آنان نباید اذکار رکوع و سجده را به شکلی بگویند، که امام بشنود. [۵].

[ صفحه ۱۴۸ ]

۸. مستحب است امام، وقتی متوجه می‌شود کسی قصد اقتدا به او را در رکوع دارد، رکوعش را طولانی‌تر کند. همچنین بعد از نماز، قبل از مأمومین مصلاهی خود را جز در موارد ضروری، ترک نکند. [۶].

۹. مأموم می‌تواند قبل از اتمام رکوع امام به او اقتدا کند و آن رکعت، حساب می‌شود. در رکعت‌هایی که امام، حمد و سوره را قرائت می‌کند، مأموم باید ضمن سکوت کامل به حمد و سوره‌ی او گوش دهد.

۱۰. در صورتی که امام، از ادامه‌ی نماز معذور شد، یکی از مأمومین واجد شرایط می‌تواند ادامه‌ی جماعت را بر عهده گیرد.

[۱] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۹۴.

[۲] بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۲۰.

[۳] دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۵۵.

[۴] من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۱.

[۵] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۵۱.

[۶] همان.

## نماز جمعه

چشمه‌های بی‌شمار فیض و عبودیت (نمازهای جماعت) هفته‌ای یک بار به اقیانوس بیکران انسان‌های مؤمن تبدیل می‌گردد و در این مجمع بزرگ، مؤمنان دین باور و تعهد شناس با قلبی آکنده از تقوی و توجه به خدا، به اقامه‌ی نماز جمعه می‌پردازند.

نماز جمعه دو رکعت است که حتماً باید به صورت جماعت خوانده شود و قبل از نماز، امام جماعت به عنوان خطیب جمعه، دو خطبه ایراد می‌کند، که در آن، علاوه بر توصیه به پرهیزکاری و نیکوکاری، به واریسی مسایل سیاسی - فرهنگی جهان اسلام می‌پردازد.

وقت نماز جمعه از زوال ظهر تا یک ساعت پس از اذان ظهر است و حداقل افرادی که می‌توانند به نماز جمعه رسمیت دهند، پنج نفر هستند. [۱].

[ صفحه ۱۴۹ ]

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز جمعه را حج مساکین [۲]، موجب آمرزش گناهان [۳] و این اجتماع عظیم را سرزنش و توبیخی مجسم برای منافقان معرفی کرده است. [۴].

هر کس این فریضه‌ی بزرگ را، سه هفته بدون عذر ترک کند، خداوند مهر نفاق را بر قلب او خواهد زد. [۵].

اسلام، همه‌ی قشرها را به شرکت در نماز جمعه دعوت کرده است. امام علی علیه‌السلام زندانیان را با مراقبت، یا تحت ضمانت خانواده‌هایشان در نماز جمعه شرکت می‌دادند. [۶].

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: مسافری که با اشتیاق و ایمان به نماز جمعه روی آورد، پاداش می‌برد. [۷].

در روایت دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ضمن نفرین تارکان نماز جمعه چنین فرمود:

«فمن ترکها فی حیاتی او بعد موتی استخفافا او جحودا لها فلا جمع الله شمله و لا بارک فی امره الا و لا صلاة له، الا و لا زکوة له، الا و لا حج له، الا و لا صوم له، الا و لا بر له حتی یتوب؛ [۸].

[ صفحه ۱۵۰ ]

هر کس نماز جمعه را در زمان حیات من، یا پس از مرگم از روی استخفاف و انکار ترک کند! خدا، پراکندگی را از زندگی او نزداید و برکت را در کارش قرار ندهد، و بدانید نماز و زکاتش پذیرفته نخواهد بود؛ روزه‌ای نخواهد داشت و کار نیکی برای او نیست، مگر آن که توبه کند.»

حضور مسؤولان و کارگزاران کشور در نماز جمعه الزامی است. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «بر هفت گروه واجب است در نماز جمعه شرکت کنند؛ که از جمله به حضور حاکم اسلامی، قضات و کارگزاران اشاره کرده‌اند. [۹].

امام جمعه، همچون حاکم و قاضی توسط رهبر جامعه‌ی اسلامی به این سمت منصوب می‌گردد؛ همان گونه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این مهم را شخصا انجام می‌دادند. [۱۰].

در روایاتی فراوان تأکید گردیده: آن گاه که امام به خطبه می‌ایستد، بر مأمومین لازم است سکوت را رعایت کنند و حالت نمازگزار داشته باشند. [۱۱].

امام جمعه نیز باید با ظاهری آراسته و خوشبو در جایگاه نماز، حاضر گردد. [۱۲].

[ صفحه ۱۵۱ ]

[۱] خصال، ج ۱، ص ۱۳۹.

[۲] بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۹.

[۳] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳.

[۴] بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۳۸.

[۵] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۶.

[۶] مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۷.

[۷] بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۶۶.

[۸] وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۲.

[۹] وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۶.

[۱۰] بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۴۴.

[۱۱] همان / ۲۵۶.

[۱۲] همان / ۲۵۷.

## آزمون

۱. جدایی از جماعت مسلمانان در سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به چه چیز تشبیه شده است؟
۲. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ثواب نماز جماعت صبح را چگونه بیان فرمودند؟
۳. روایتی ذکر کنید که بر حسب آن یک نماز جماعت ثواب سال‌ها نماز در خانه را دارد؟
۴. نماز جماعت دارای چه آثار و برکاتی است؟
۵. نظر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را درباره‌ی تنظیم صفوف جماعت بیان کنید.
۶. روایتی را از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در فضیلت صف اول جماعت ذکر کنید؟
۷. شرایط امامت جماعت و معیارهای اولویت آن چیست؟
۸. امام جماعت چه آدابی را باید در نماز رعایت کند؟



۹. چه شرایطی در فضای مسجد و متولیان امور آن باید رعایت گردد؟

۱۰. به سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی ترک کنندگان نماز جمعه اشاره کنید. متن روایت و ترجمه ذکر شود.

[ صفحه ۱۵۳ ]

## نمازهای غیر یومیه

### نماز شب

کسانی که انس بیشتر و محفل صمیمی‌تری را می‌طلبند، ملاقات ویژه‌ای برای آنان در ساعاتی خلوت تنظیم گردیده، تا فارغ از هر شغل و شاغلی به بارگاه یار، ره یابند و در دامن وصال او بستر گیرند و همنشین‌اش گردند. نماز شب، وقت ملاقات عاشقان قرب به خدا، در نزدیک‌ترین تماس معنوی و روحانی است. اگر فرایض روزانه، تجسم اطاعت و عبادت خدا، نام گیرند، نماز شب را می‌توان نمایش محبت و عشق به خدا تفسیر کرد.

قرآن کریم در ستایش این شب ستیزان چنین می‌گوید: «آنان - به هنگام نیمه شب - پهلوهانشان از بستر کنده می‌شود و خدای را با ترس و امید می‌خوانند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند و هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌های ارزشمندی برای‌شان ذخیر شده است.» [۱] .

[ صفحه ۱۵۴ ]

در حدیثی می‌خوانیم:

«کذب من زعم انه یحبنی فاذا لیل نام عنی، الیس کل محب یحب خلوة حبیبه؛ [۲] دروغ می‌گوید هر که می‌پندارد مرا دوست دارد و شباهنگام - آرام - سر بر بستر می‌گذارد! آیا هر محبی دوست ندارد همنشین خلوت محبوبش باشد؟»

آری، این خلوت نشینی، توفیقی است که به هر کس عطا نکنند. تا محرم نباشد و از گناه پرهیز نکند، به چنین حریمی مقدس و پاک، ره نمی‌برد، و لذت این گفت و گو را در نمی‌یابد. ناپاکی، انسان را از این کامیابی بازمی‌دارد. مردی خدمت امیرالمؤمنین علیه‌السلام عرض کرد: از نماز شب محروم شده‌ام! حضرت فرمود: گناهان، تو را در بند کشیده‌اند. [۳] .

در سخن دیگر امام صادق علیه‌السلام فرمود: گاه، دروغی، سبب محروم ماندن از نماز شب برای اهلش می‌شود. [۴]

نماز شب، آثاری فراوان بر شخصیت، چهره و زندگی نیایشگر باقی می‌گذارد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: نماز شب چهره را نورانی، نفس انسان را معطر [۵] و رزق را فراوان می‌گرداند. [۶] .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر بنده‌ای، به هنگام شب از روی اخلاص وضو بگیرد و با نیت پاک و قلب سلیم و بدن خاشع و چشم گریان،

[ صفحه ۱۵۵ ]

پروردگار را بخواند، خداوند نه صف از فرشتگان بی‌شمار را پشت سر او قرار می‌دهد و به تعداد آن‌ها درجات معنوی‌اش را بالا می‌برد. [۷].

در حدیث نبوی می‌خوانیم: «خداوند به ملایک می‌گوید: بنگرید چگونه در شب تاریک به سراغ من آمده، در حالی که خوش گذرانان سرگرم عشرتند و غافلان، خفته. شاهد باشید که گناهانش را بخشیدم.» [۸].  
امام صادق علیه‌السلام محرومان از سحرخیزی و تهجد را افرادی مغبون در زندگی معرفی می‌فرمایند. [۹] آری! درک این غبن و تشخیص این خسارت، تنها برای کسی ممکن است که دل و جانی آشنا با حلاوت عبادت داشته باشد.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی؛ امام خمینی (ره) شخصیتی بود که در طول دوران جوانی، و تا پایان عمر، در سفر و حضر به اقامه‌ی نماز و نافله‌ی شب، عشق می‌ورزید. از زبان فرزندش می‌خوانیم: «روزی در خانه حالت تأثر و زاری شدیدی از پدرم ملاحظه کردم که برایم بی‌سابقه بود. از این که علت را از ایشان پیرسم، شرم داشتم. لذا از مادر پرسیدم. ایشان پاسخ داد: دیشب نماز شب پدرت قضا شد؛ به همین دلیل ناراحت و متأثر هستند. [۱۰].

امام علی علیه‌السلام در حال مناجات چنین عرض می‌کند:

«الهی من ذا الذی ذاق حلاوة محبتک فرام منک بدلا؛ [۱۱] آن کس که شیرینی انس با تو را چشیده باشد، محال است آن را با چیز دیگر، سودا کند.»

[ صفحه ۱۵۶ ]

آری! این باور است که امیرمؤمنان علیه‌السلام را نیمه‌های شب به نخلستان‌های کوفه می‌کشاند و این زمزمه‌ی عاشقانه را بین عبد و مولا در آسمان کوفه طنین می‌افکند: «الهی صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک». چشیدن طعم این نجواست، که فرزندش امام حسین علیه‌السلام را وامی‌دارد از سپاه کفر، تنها یک چیز تمنا کند!

مجالى ديگر براى عشقبازى، و نه عشق بازى! كه عشق، بازى نيست. شبي براى عبادت و راز و نیاز، سوز و گداز، در بارگاه يگانه محبوب بى نیاز.

استاد مطهرى رحمه الله عليه مى نگارد:

«در عصر تاسوعا، لشکر عمر سعد، طبق دستور عبيدالله بن زياد حمله کردند. شبانه مى خواستند با حسين بجنگند. حسين عليه السلام به وسيله ي برادرش ابوالفضل العباس از آنها مى خواهد فقط شبي ديگر را مهلت دهند. مى گويد: «برادر جان! به آنان بگو: همين امشب را به ما مهلت بدهند؛ من فردا مى جنگم. من اهل تسليم نيستم، مى جنگم...» بعد براى اين كه گمان نکنند حسين عليه السلام مى خواهد دفع الوقت بکند، اين جمله را گفت: «برادر! خدا خودش مى داند من مناجات با او را دوست دارم. مى خواهم شب آخر عمرم را شب توبه و استغفار قرار بدهم.» آن شب عاشورا اگر بدانيد چه شبي بود، معراج بود، يك دنيا شادى و بهجت و مسرت حکمفرما بود.» [۱۲].

در اين جا خاطره اى ديگر از درک لذت و حلاوت عبادت و مناجات نيمه شب مولا اميرمؤمنان عليه السلام را از زبان استاد مطهرى مى خوانيم:

«عدى بن حاتم» نزد معاويه آمد، در حالى كه سالها از شهادت مولا گذشته بود. معاويه مى دانست عدى يکى از ياران قديم مولا است. خواست كارى بکند كه

[ صفحه ۱۵۷ ]

اين دوست ديرين بلکه يك کلمه بر ضد حضرتش سخن بگويد: گفت: «عدى! اين الطرقات؟» پسران چي شدند؟ [عدى سه پسر داشت، طريف، طرفه و طارف]، كه هنگام جوانى در ركاب حضرت در جنگ صفين كشته شده بودند. [معاويه] مى خواست عدى را به خشم آورد، تا از مولا اظهار ناخشنودى كند [عدى گفت: در ركاب مولايشان على با تو كه زير پرچم كفر بودى، جنگيدند و كشته شدند. گفت: عدى! على دربارى تو انصاف نداد! پرسيد: چه طور؟ گفت: پسران خودش را نگاه داشت و پسران تو را به كشتن داد! عدى گفت: معاويه! من دربارى على انصاف ندادم؛ نمى بايست على امروز در زير خروارها خاك باشد و من زنده باشم! اى كاش مرده بودم و او زنده مى ماند.

معاويه ديد تيرش كارگر نيست. گفت: عدى! الان ديگر كار از اين حرفها گذشته است. دلم مى خواهد چون تو زياد با على بودى، قدرى كارهايش را برايم وصف بكنى، كه چه مى كرد. گفت: معاويه! مرا معذور بدار. گفت: نه! حتما بايد بگوئى. شروع كرد به صحبت كردن دربارى على. گفت: معاويه! مى خواهم منظره اى را كه با چشم خودم ديدم،

برایت بگویم. در یکی از شب‌ها دیدم علی در محراب عبادت، مستغرق خدای خودش است و محاسنش را به دست مبارک گرفته، می‌گوید: آه، آه، از این دنیا و آتش‌های آن! می‌گفت: «یا دنیا غری غیری...»  
عدی، آن چنان علی را وصف کرد، که دل سنگ معاویه تحت تأثیر قرار گرفت. به طوری که با آستینش اشک‌های صورتش را پاک می‌کرد. آن وقت گفت: دنیا، عقیم است که مانند علی بزاید!

و مناقب شهد العدو بفضلها  
و الفضل ما شهدت به الاعداء

[ صفحه ۱۵۸ ]

علی، مردی است که دشمنانش درباره‌ی فضیلت او گواهی می‌دادند. [۱۳].  
فرزندان آزاده‌ی امام هنگام اسارت در زندان حزب بعث، حقانیت این ادعا و عینیت آن را در عصر حاضر به امضای تاریخ رساندند. آنان در حالی که به جرم سحرخیزی، ده‌ها و صدها شلاق و شکنجه‌ی روحی و جسمی را تحمل می‌کردند، لحظه‌ای انس با خدا و اقامه‌ی نماز را رها نکردند. خاطراتی تکان دهنده از آنان خوانده‌ایم، و می‌خوانیم:  
«در یکی از شب‌ها، یکی از بچه‌ها در اتاق خودمان، مشغول خواندن نماز شب بود، که نگهبان عراقی سر رسید و او را دید. فردای همان شب - که صبح سردی بود - عده‌ای از عراقی‌ها با کابل به جان او افتادند و آن قدر کتکش زدند، که خودشان خسته شدند. با وجود این او در شب‌های دیگر هم، نمازش را ادامه داد.» [۱۴].  
در خاطره‌ای دیگر چنین می‌خوانیم:

«یک شب به نگهبان خودی که مراقب عزیزان آزاده و دربند بود، سفارش کردم مرا برای نماز شب بیدار کند. وقتی نیمه شب مرا برای گفت و گو با معبود بیدار کرد، متوجه شدم بیش از نود درصد بچه‌ها مشغول خواندن نماز شب هستند. با ملاحظه‌ی این صحنه، از خودم خجالت کشیدم. این در حالی بود که اگر نگهبان عراقی متوجه می‌شد و نام نمازگزار در فهرست اسیران متخلف ثبت می‌شد، فردای آن شب، غرامت و مجازات این سحرخیزی را می‌باید از طریق تحمل ضربه‌های کابل،

شلنگ آب و گاهی میله‌ی مفتول آهنی بپذیرد و گاهی تمام افراد یک آسایشگاه به این پذیرایی! دعوت می‌شدند.»

[۱۵].

[۱] سجده / ۱۶.

[۲] وافى، ج ۲، ص ۲۲.

[۳] بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۴۶.

[۴] همان، ۱۴۶.

[۵] علامه مجلسی (ره) می‌گوید: معطر شدن، کنایه از خوش خویی آدمی و اقبال جامعه است.

[۶] بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۴۹.

[۷] امالی شیخ مفید، ۴۲.

[۸] بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۳۷.

[۹] همان / ۱۴۶.

[۱۰] سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی (ره).

[۱۱] مفاتیح الجنان، مناجات خمسۀ عشر، مناجات المحبین.

[۱۲] گفتارهای معنوی، ۱۲۵.

[۱۳] اسلام و مقتضیات زمان، ۲۹۸.

[۱۴] نماز در اسارت، ۱۰۳؛ با اندکی تصرف؛ خاطره از: رمضانعلی خرسندی.

[۱۵] همان / ۹۹. با اندکی تصرف؛ خاطره از: شهریار رحمانی.

## نماز عید

برخلاف جشن‌ها و شادی‌های معمول و مرسوم که غالباً آمیخته با انواع هوسرانی‌ها و غفلت‌ها است، عید اسلامی با مراسم نماز، دعا، انفاق و غسل برگزار می‌گردد. اصولاً در فرهنگ اسلامی، روزی که در آن، طاعت و عبادت و بروز امتیازهای اخلاقی و منش‌های انسانی باشد، عید است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «کل يوم لا يعصى الله فيه فهو يوم عید» [۱].

در روزهای عید فطر و قربان، مسلمانان، شادی را با نماز آغاز می‌نمایند. این نماز دو رکعت است که در رکعت اول بعد از قرائت، پنج قنوت و در رکعت دوم، چهار قنوت خوانده می‌شود.

این نماز، به جماعت برگزار می‌گردد؛ قنوت آن دعایی ویژه دارد و بندگان از پروردگار می‌خواهند هر خیری را که خدا برای پیامبر و خاندانش مقرر فرموده، برای آنان نیز تقدیر کند و از هر شری که آن بزرگواران را مصون داشته، آن‌ها را ایمن دارد.

قبل و بعد این نماز، تکبیرهایی گفته می‌شود و پایان آن، شکرگزاری از توفیق خداوند در انجام عبادات و طاعات ماه مبارک رمضان، یا ایام دهه مبارک ذی‌الحجه است.

[ صفحه ۱۶۰ ]

[۱] نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۸.

## نماز آیات

انسان، با همه‌ی شرافت و کرامتش، دچار ضعف‌هایی از قبیل نسیان و غفلت است. لذا مربی اصلی خلقت برای نجات او از خطرها، از هر فرصتی بهره گرفته است، هنگام بروز حوادث ارضی و سماوی همانند زلزله و خسوف و کسوف او را به نماز فرامی‌خواند.

امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «همانا برای ماه گرفتگی، نمازی بر انسان واجب است؛ زیرا خسوف یکی از آیات الهی است که نمی‌دانیم نشانه‌ی رحمت است، یا عذاب؟ در چنین هنگامی پیامبر، امت را به سوی خدا بسیج می‌کند، تا آنان را از آفات این حوادث، دور دارد. همان گونه که قوم حضرت یونس وقتی به دنبال مشاهده‌ی نشانه‌های عذاب به خداوند التجا کردند، خدای متعال عذاب را از آنان دور گردانید.» [۱].

با آن که زلزله، خسوف و کسوف از یک نوع قهر و غضب حکایت دارد، اما اسلام با هر نوع تفسیر خرافی درباره‌ی آن‌ها مبارزه کرده است. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حادثه درگذشت ابراهیم فرزند هجده ماهه‌ی آن حضرت، با حادثه گرفتگی خورشید هم زمان شد، مردم این دو حادثه را به هم ربط داده و گفتند: از شدت و عظمت این مصیبت که بر پیامبر وارد شد، خورشید گرفت! پیامبر ضمن ایراد خطابه‌ای روشنگرانه به مردم چنین فرمود: «خورشید و ماه دو آیه از آیات خداوندی هستند، که به امر او جاری می‌شوند و به مرگ و زندگی کسی مربوط نمی‌شوند. در چنین موقعی به نماز پناه ببرید و آن را به جا آورید. سپس خود با مردم نماز آیات به جای آوردند.» [۲].

این نماز، دو رکعت است و هر رکعت، پنج رکوع دارد، که به دنبال قرائت قسمتی از سوره انجام می‌شود. به دنبال بروز هر یک از حوادث یاد شده در یک منطقه، واجب است تمام مکلفان فوراً این نماز را ادا کرده، در صورت تأخیر، قضای آن را انجام دهند.

[۱] من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۴۲.

[۲] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۴۳.

## نماز میت

فرصتی دیگر که می‌تواند پندآموز و عبرت آفرین باشد، موقعیت رویارویی با مرگ، هنگام ختم پرونده‌ی زندگی انسان‌ها و کوتاه شدن دست آنان از صحنه‌ی عمل و تلاش در دنیا است. آن گاه که گروهی از مؤمنان، جنازه‌ی مسلمانی را فراروی خود می‌نهند و بر او نماز میت می‌خوانند، یکی از پربارترین و زیباترین برنامه‌های آموزش سمعی و بصری و تذکر غیر مستقیم به انسان‌ها است. چگونه می‌توان محسوس‌تر از این صحنه، این باور را برای انسان‌ها، برهانی ساخت، که مرگ حق است؟ آنان نیز پس از گذر از دوره‌ای نه چندان طولانی که امکان دارد هر آن پایان پذیرد، چنین شرایطی را در پیش خواهند داشت! کلاس تشییع، نماز و خاک سپاری میت، آموزنده‌ترین کلاس معارف عینی و واقعی است. در این کلاس، مسلمانان بی‌اعتباری دنیا، اغتنام فرصت‌ها، حس تعاون و نوع دوستی، گریز از غفلت و... را مرور می‌کنند.

در این نماز پنج تکبیر گفته می‌شود که پس از تکبیر اول به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر، شهادت می‌دهیم و پس از تکبیر دوم بر پیامبر و آتش درود می‌فرستیم و پس از تکبیر سوم برای اهل ایمان مغفرت می‌طلبیم، و پس از تکبیر چهارم بر پیامبر و آتش درود می‌فرستیم و با تکبیر پنجم، نماز پایان می‌پذیرد.

خواندن این نماز، قبل از دفن و پس از غسل و کفن هر میت، واجب کفایی [۱] است. اگر این نماز را بر میت نخوانند، باید پس از دفن بر قبرش بخوانند.



هنگام انجام این مراسم، همه‌ی شرکت کنندگان باید سکون، آرامش و سکوت را حفظ کنند و به حدیث نفس و موعظه‌ی خویشتن مشغول باشند. به فرموده‌ی امام صادق علیه‌السلام باید خود را جای میت ببینند، که موقتاً مهلتی به آن‌ها داده شده تا به دنیا بازگردند و تکالیف از یاد رفته‌ی خویش را به جای آورند. [۲].

امیرمؤمنان علیه‌السلام در تشییع جنازه‌ای، فردی را در حال خندیدن دید! حضرت فرمودند: گویا مرگ برای غیر ما است و این میت به سفر کوتاهی می‌رود و به زودی به سوی ما باز خواهد گشت؟! و ما، در دنیا جاودانه‌ایم؟! ما پند و اندرزهایی که باید از این صحنه بیاموزیم، از یاد برده‌ایم. [۳].

[۱] واجب کفایی، آن است که بر همه واجب است، ولی با انجام آن توسط یک نفر، از دیگران ساقط می‌شود.

[۲] بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۶۶.

[۳] نهج‌البلاغه، حکمت ۱۲۲.

## نماز باران

نافرمانی و طغیان در برابر مالک آسمان‌ها و زمین موجب محرومیت از برکات ارضی و سماوی می‌گردد. خداوندی که عذاب را نازل می‌کند، راه رفع آن، و جلب رحمت و برکت خویش را نیز آشکارا نموده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: وقتی خداوند بر ملتی غضب کند و به دلیلی عذابی - که یک باره نابودشان کند - بر آنان نازل نگردد، آنان را به گرانی، کوتاه عمری، کمی محصولات، کم آبی نهرها و نباریدن باران مفید،

[ صفحه ۱۶۳ ]

مبتلا، و اشرار را بر آنان مسلط می‌سازد. [۱] صادق آل محمد علیهم‌السلام نیز نباریدن باران را معلول رواج بی‌عدالتی دانسته است. [۲].

در چنین شرایطی، انسان‌ها به یک دگرگونی عاطفی - معنوی و برگزاری مراسم خاص دعا و نماز دعوت شده‌اند، تا در پرتو انابه و انکسارشان، رحمت و عنایت ایزد منان به آنان بازگردد. نماز استسقا که همچون نماز عید به جماعت اقامه می‌گردد، معمولاً در بیابان یعنی منطقه‌ای که از آلودگی‌های گناه، دور است، انجام می‌شود. کودکان و چهارپایان که به دلیل نافرمانی دیگران، از رحمت خدا محروم شده‌اند در این مراسم شرکت داده می‌شوند. نوزادان را از مادرها جدا می‌کنند تا ناله آنان در سایرین ایجاد رقت کند. سه روز را به عبادت و روزه سپری می‌نمایند و قبل از نماز به

توبه و استغفار و تکبیر مشغول می‌شوند و سپس همگی پابرنه به صحرا می‌روند و زیر آسمان نماز را به جای می‌آورند و پس از نماز، امام جماعت به نصیحت و موعظه بندگان و عرض حال به محضر احدیت می‌پردازد. تاریخ، نمونه‌هایی فراوان از نماز باران را در خود ثبت کرده، که پس از بازگشت روحی و معنوی آدمیان به پیشگاه خدای مهربان، نعمت و رحمت نیز به میان آنان بازگشته است. از جمله در قرن اخیر و در سال ۱۳۶۳ هجری قمری اهالی قم در حالی که با کمبود باران و قطع رحمت الهی، مواجه شده بودند، از مرحوم حضرت آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری درخواست کردند با آنان برای اقامه‌ی نماز باران به بیرون شهر عزیمت کنند. این مرد الهی دو روز متوالی به رغم استهزای برخی از ناباوران، این نماز را با مردم به جای آوردند. پس از

[ صفحه ۱۶۴ ]

پایان دومین نماز و قبل از بازگشت مردم به شهر، چنان بارانی نازل شد که تمام جویبارها را فراگرفت و همه‌ی مزارع سیراب گشتند. مردم شادمان شدند و در پرتو این قهر و آشتی، پیوند و ارتباط آنان با خداوند تجدید گشت.

[۳].

[۱] وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۵۸.

[۲] همان.

[۳] گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۲۴.

## نماز قضا

نماز، فریضه‌ای است که در هیچ حال و شرایطی نباید آن را ترک کرد. تنها زنان در دوره‌ای خاص از هر ماه، به جای انجام آن، بر سجاده می‌نشینند و به نیایش می‌پردازند. در غیر این صورت، نمازگزار باید تمام نمازها را به طور منظم، کامل و با قرائت صحیح، لباس پاکیزه و رعایت سایر شرایط انجام داده، و اگر عمدا یا از روی فراموشی، نمازی را ترک کرد، یا ناقص خواند، باید قضای آن را به جای آورد و توبه‌ی نمازهایی که نخوانده، جز به اتیان آنچه بر او واجب بوده، تحقق نمی‌پذیرد و هیچ چیزی جای آن را نمی‌گیرد.

گاه برای برخی مکلفان، با توجه به کاستی‌ها و ناآشنایی‌های دوره‌ی نخستین تکلیف، احتمال نمازهایی فاقد شرایط لازم، یا انجام ندادن بعضی نمازها، وجود دارد؛ از این رو، باید در حد توان، در رفع کاستیها کوشید، تا پروردگار نیز هنگام محاسبه‌ی اعمال از تقصیرات ما چشم پوشد!

## آزمون

۱. حدیثی در باب فضیلت شب زنده‌داری ذکر کنید.
۲. امیرمؤمنان علیه‌السلام علت محرومیت از نماز شب را چگونه تبیین می‌فرماید؟
۳. آثار نماز شب را از زبان امام صادق علیه‌السلام بیان کنید؟
۴. خداوند هنگام عبادت بنده‌اش، خداوند به ملائکه چه می‌گوید؟
۵. خاطره‌ای از حضرت امام خمینی (ره) درباره ی تقید ایشان به نماز شب ذکر کنید.
۶. یک خاطره از نماز شب آزادگان سرفراز را بیان کنید.
۷. امام علی علیه‌السلام چه روزهایی را روز عید اسلام می‌داند؟
۸. کیفیت نماز آیات را بیان کنید؟
۹. نماز میت چگونه خوانده می‌شود و چه حکمتی دارد؟
۱۰. در نماز عید، بندگان چه تقاضایی از خدای متعال می‌کنند؟

## ترک نماز

بررسی روایات مربوط به نماز، این نتیجه را به دست می‌دهد که مسأله نماز، چنان مهم و حساس است که: نباید آن را تحقیر و یا به آن بی‌اعتنایی کرد و ترک آن، چنان سنگین و سخت است که نمی‌توان حرفی از آن بر زبان راند. اگر در روایات می‌خوانیم: نخستین پرسش در قیامت از نماز است، اگر نماز قبول شد، بقیه اعمال نیز بررسی می‌شود، وگرنه، دیگر اعمال را نمی‌نگرند:

«ان قبلت نظر فی غیرها و ان لم تقبل لم ينظر فی شیء من عمله» [۱].

مراد روایت، سؤال از کیفیت انجام نماز است، نه از بود و نبودش! زیرا تارک الصلاة بی‌هیچ پرسشی به دوزخ می‌رود. قرآن گفت و گوی بهشتیان با دوزخیان را چنین نقل می‌کند: «ما سلکم فی سقر قالوا لم نک من المصلین:

[۲] چه چیز شما را دوزخی کرد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.»

در روایات، کسی که نماز نمی‌خواند، «کافر» شمرده شده است!

[ صفحه ۱۶۸ ]

از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: چرا به زناکار، «کافر» گفته نمی‌شود، اما به «تارک الصلوة» اطلاق می‌گردد؟ فرمود:

«لان الزانی و ما شبهه انما يفعل ذالک لکان الشهوة لانها تغلبه و تارک الصلاة لا یتربکها الا استخفافا بها؛ [۳] زیرا زناکار به جهت غلبه شهوت، آلوده شده است [و با خدا سر ستیز ندارد] ولی «تارک الصلاة» نماز را از روی بی‌اعتنایی به فرمان خدا ترک می‌کند.»

یکی از دانشمندان معاصر اهل سنت [۴] می‌گوید: «مسلمانان بر این مطلب اتفاق نظر دارند که نماز بر هر مسلمان بالغ و عاقل واجب است و تمام آنان بر این باورند که هر کس نماز را منکر شود کافر و مرتد است... اما آن که نماز را از روی سستی و استخفاف ترک کند، فاسق و گناهکار است، مگر آن که تازه مسلمان باشد و هنوز نماز را فرانگرفته باشد.»

[۱] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۷.

[۲] مدثر / ۲۵ - ۲۴.

[۳] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸.

[۴] مقصود: دکتر وهبة الزحیلی استاد دانشگاه دمشق است.

## بی‌اعتنائی به نماز

بدون تردید سبک شمردن نماز، گناهی است بس بزرگ. بنابراین: شناخت مصادیق آن، لازم است:

الف. تأخیر نماز: امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه «فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون» [۱] فرمود: «تأخیر الصلاة عن اول وقتها لغیر عذر؛ [۲] مراد از بی‌اعتنائی به نماز، تأخیر بدون عذر آن از اول وقت است.»

[ صفحه ۱۶۹ ]

گفتنی است مقصود از «عذر»، امری است که قابل تأخیر نباشد، وگرنه هم‌نوا با شهید رجایی باید به کارها گفت: نماز دارم! نه اینکه به نماز بگوئیم کار دارم!

ب. عدم رعایت آداب آن: امیرمؤمنان علیه‌السلام در روایتی چنین می‌فرماید: «من احسن صلوته حین یراه الناس و اساءها حین یخلوا فتلک استهانة؛ [۳].

آن کس که در مقابل مردم، به دقت، و در خلوت، بی‌دقت نماز گزارد، به آن بی‌اعتنائی کرده است.»

مروری بر نمازهای خلوت و جلوت ما نشان می‌دهد که آیا توجه ما به نماز بیشتر است، یا به ناظران نماز!

ج. فراهم نکردن مقدمات نماز: در روایت دیگری می‌فرماید: کسی که وضوی نماز را به تأخیر اندازد، به نماز بی‌اعتنائی کرده است. روشن است کسی که به کاری اهمیت می‌دهد، مقدماتش را فراهم می‌کند. کدام ملاقات و میهمانی است که وقت آن فرارسیده باشد و ما هنوز لباس و کفش خود را آماده نکرده باشیم؟!

د. ندانستن معانی: آیا ندانستن مفاهیم الفاظی که روزانه بارها تکرار می‌شود، به معنای بی‌اعتنائی به نماز نیست؟! آیا اگر ما برای طرف گفت و گوی خویش در نماز، اندکی اهمیت قائل باشیم، در اندیشه‌ی درک محتوای مذاکره با او بر نخواهیم آمد؟! چگونه برای اقامتی کوتاه در یک کشور، تا حدودی به زبان مردمانش آشنا می‌شویم و معنای کلمات روزمره را فرامی‌گیریم؛ اما در برخورد با نماز این حساسیت را روا نمی‌داریم؟ آیا این‌ها بی‌اعتنائی به نماز نیست؟!

این جا است که معنای مناجات امام حسین علیه‌السلام روشن می‌شود:

«الهی من کانت محاسنه مساویه فکیف لا یکون مساویه مساویه؛

خدایا! آن کس که نیکی‌هایش ناپسند است، چگونه گناهانش گناه نباشد؟!

[ صفحه ۱۷۰ ]

تفاوت نمازگزارانی که در نماز، جز درد فراق دوست را احساس نمی‌کنند، [۴] هیچ صدائی نمی‌شنوند [۵] و غرق در مناجات با معشوقند، و نیز نمازبانانی که زیر شلاق و به رغم هر گونه تهدید و شکنجه نماز را به پا می‌دارند، [۶] با کسانی که آن را باری گران می‌دانند و هنگام خواندنش شتاب می‌ورزند و خمیازه‌های پیاپی می‌کشند، فقط و فقط در اهتمام یا استخفاف به نماز است.

۵. شتاب در نماز: سریع خواندن نماز، بدون توجه به معانی و رعایت خشوع و طمأنینه، از نشانه‌های دیگر بی‌توجهی به نماز است.

مردی در حضور علی علیه‌السلام نماز خود را با شتاب به جا آورد. امام نگاهی به او کرد و فرمود: چند وقت است این گونه نماز می‌خوانی؟ گفت: مدت‌ها است. حضرت فرمود: مثل تو نزد خداوند، مثل کلاغی است، که متقار بر زمین می‌کوبد. سجده‌ی تو، خضوع در برابر خدا نیست، بلکه متقار بر زمین کوبیدن است. اگر این گونه بمیری، بر غیر ملت و دین پیامبر اکرم مرده‌ای. سپس امیرمؤمنان فرمود: همانا دزدترین مردم کسی است، که از نمازش بدزدد. [۷].

[۱] ماعون / ۴ و ۵.

[۲] بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۶.

[۳] مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۶.

[۴] اشاره به ماجرای کشیدن تیر از پای مبارک امیرمؤمنان علیه‌السلام در حال نماز.

[۵] فرزند امام سجاد علیه‌السلام در حالی که حضرت در حال نماز بود، به چاه افتاد و حضرت به رغم شیون افراد خانه متوجه آن نشد و پس از نماز، فرزند را به سلامت از چاه بیرون آورد. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۵.

[۶] نماز در اسارت.

[۷] بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۲.

## برخی از پیامدهای کوچک شمردن نماز

### قهر پیامبر و قطع رابطه با عترت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به یاران خود فرمود:

«لیس منی من ضیع الصلاة؛ [۱] آن کس که نماز را تضييع کند از من نیست.»

و امام صادق علیه السلام چنین فرمود:

«امتحنوا شیعتنا عند محافظتهم علی الصلوات؛

شیعیان ما را از دقت آنان در انجام به هنگام نمازها بشناسید.»

در روایت مشهور دیگری حضرتش سهل انگاری در نماز و استخفاف آن را موجب محرومیت از شفاعت خاندان عترت در روز قیامت شمرد. [۲].

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در بیانی دیگر می فرماید:

«من استخف بالصلاة لا یرد علی الحوض لا و الله؛

آن کس که نماز را سبک شمارد، روز قیامت مرا ملاقات نخواهد کرد.» [۳].

این تأکید و بیان همراه با قسم، از عمق فاصله‌ی بین پیامبر اکرم و نمازگزارانی که به نماز اهمیت نمی دهند، حکایت می کند.

[۱] مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۸.

[۲] در هنگام وفات امام صادق علیه السلام، وقتی ابوبصیر آمد به «ام حمیده» تسلیت گوید، او گریست و گفت: ابوبصیر نبودی و لحظه‌ی آخر عمر امام را ندیدی. جریان عجیبی رخ داد. ابوبصیر پرسید: چه جریانی؟ ام حمیده گفت: امام در یک حالی فرورفت، که تقریباً حالتی غشوه مانند بود. بعد چشم هایش را گشود و فرمود: «تمام خویشان نزدیک مرا بگوئید، بالای سر من حاضر شوند» ما همه را دعوت کردیم. وقتی همه جمع شدند، حضرت چشمش را باز کرد و فقط یک جمله گفت: «لن تنال شفاعتنا مستخفا بالصلوة» هرگز شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد، نخواهد رسید. این را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد؛ بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۶.

[۳] بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۹.

## خشم خداوند

قرآن کریم، افرادی که نماز را ضایع می کنند، [۱] یا به آن بی اعتنا هستند [۲]، نکوهش می کند.

[ صفحه ۱۷۲ ]

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «فی تأخیر الصلاة من غیر علة غضب الله؛ [۳] تأخیر نماز از اول وقت بدون دلیل،

موجب خشم خداوند متعال می گردد.»

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

«إذا قام العبد في الصلاة فخفف صلوته قال الله تعالى لملائكته اما ترون الى عبدی كانه یری ان قضاء حوائجه ید غیرى؛ [۴] وقتى بنده‌ای نماز را با شتاب به پایان می‌برد و آن را کوتاه می‌کند، خداوند به ملائیک می‌فرماید: آیا نمی‌بینید بنده‌ام را که گویا می‌پندارد برآوردن حاجتش به دست کسی جز من است!»

[۱] مریم / ۵۶. فخلف من بعدهم خلف اضعوا الصلاة.

[۲] ماعون / ۵. فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون.

[۳] سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

[۴] محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۴۱.

## اجابت نشدن دعا و محرومیت از دعای صالحان

کسانی که به تکلیف الهی بی‌توجهی کنند و آن را کوچک بشمارند خداوند نیز به خواسته‌های آنان توجه نخواهد کرد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«من تهاون بصلوته لا یرتفع دعائه الى السماء؛ [۱] هر کس به نمازش بی‌توجه باشد، دعایش به آسمان راه نمی‌یابد.»

و در سخنی دیگر از حضرتش می‌خوانیم: «آن که به نمازش بی‌اعتنا باشد، مشمول دعای خیر صالحان نخواهد بود.» [۲].

[۱] بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۲۲.

[۲] همان، ج ۸۰، ص ۲۱.

## تنگنا و نارسایی دنیوی

غضب خدا و پیامبر به کسانی که نماز را کوچک می‌شمرند، زیان‌ها و خساراتی بر جای خواهد نهاد، گرچه ممکن است تارک یا مستهین به نماز این تأثیر را درک نکند و متوجه علت گرفتاری‌های خود نباشد.

[ صفحه ۱۷۳ ]

امام صادق علیه‌السلام فرمود: خداوند، برکت را از عمر و روزی کسانی که نماز را کوچک می‌شمرند برمی‌دارد. [۱]. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز برای این گروه، تهدستی را پیش بینی کرده، می‌فرماید:

«لاستخفاف بالصلاة تورث الفقر؛ [۲] استخفاف نماز، موجب فقر می‌شود»

[۱] همان، ج ۸۳، ص ۲۰۲.



[۲] همان، ج ۷۳، ص ۳۱۵.

## سختی احوال قبر و قیامت

امام صادق علیه السلام فرمود: نمازگزاری که نمازش را سبک بشمارد، وقتی از قبر خارج می‌شود، خداوند ملکی را بر وی موکل می‌گرداند، تا او را بر عرصه‌ی قیامت وارونه بر زمین بکشاند. مردم به او می‌نگرند و خداوند از او و با شدت و سخت‌گیری محاسبه می‌کند. [۱] حضرتش در همین باره چنین می‌فرماید:

«من تهاون بصلاته يضيق عليه قبره و تكون الظلمة في قبره؛ [۲].

هر کس به نمازش بی‌اعتناء باشد به تنگی و تاریکی قبر مبتلا خواهد شد.»

در سخنی دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم: «کسی که نماز را سبک بشمارد، با ذلت و گرسنگی و تشنگی، جان می‌دهد.» [۳].

[۱] همان، ص ۲۲.

[۲] همان، ص ۲۱.

[۳] همان.

## قبول نشدن نماز

نمازی که با سهل‌انگاری و تحقیر، صورت پذیرد، مقبول خداوند متعال نمی‌گردد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

[ صفحه ۱۷۴ ]

«ان الله لا يقبل الا الحسن فكيف يقبل ما يستخف به؛

خداوند جز نیکو را نمی‌پذیرد؛ پس چگونه عملی که مورد استخفاف واقع گردیده است، بپذیرد؟»

## نفرین و لعنت

برخی از روایات، تصویر و تمثیلی را برای نماز ترسیم کرده‌اند که برحسب آن، نماز به صورت ملکی با انسان به گفت و گو می‌نشیند. گاه تشکر می‌کند و گاه گله‌مند می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی نماز در وقت خود اقامه نگردد و بی‌وقت ارائه شود به صورتی سیاه و تاریک به انسان بازمی‌گردد و می‌گوید: مرا ضایع کردی، خدا تو را ضایع کند و اگر در وقت خود اقامه شود برای انسان دعا می‌کند و می‌گوید: همان گونه که مرا حفظ و احترام کردی، خداوند نیز تو را حفظ کند. [۱].

آری، قرآن کریم، پایان سفر تارکان نماز را «سقر» برمی‌شمارد:

«ما سلککم فی سقر قالوا لم نک من المصلین» [۲].

و کسانی که نماز می‌خوانند اما جماعت را ترک می‌کنند، به حسرت و پشیمانی محکوم می‌نماید و می‌فرماید:

«یوم یکشف عن ساق و یدعون الی السجود فلا یمسکون، خاشعۃ ابصارهم ترهقهم ذلۃ و قد کانوا یدعون الی السجود و هم سالمون» [۳].

و آنان که خشوع و مواظبت چندانی در نماز خود ندارند، مستحق توبیخ و سرزنش می‌شوند:

[ صفحه ۱۷۵ ]

«فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون» [۴].

و در آیه‌ای دیگر این گروه را به نفاق موسوم کرده، می‌فرماید:

«ان المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم و اذا قاموا الی الصلوۃ قاموا کسالی یراءون الناس و لا یذکرون الله الا قليلا» [۵].

تنها آن گروه، مورد ستایش قرآنند که نماز را با خشوع اقامه کنند:

«قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون» [۶].

مولوی می‌گوید:

اگر نه روی دل، اندر برابرت دارم

من این نماز، حساب نماز، نشمارم

ز عشق روی تو، من رو به قبله آوردم

وگرنه من ز نماز و ز قبله بیزارم

مرا غرض ز نماز، آن بود که پنهانی

حدیث درد فراق تو، با تو بگزارم

وگرنه این چه نمازی بود که من با تو  
نشسته روی به محراب و دل به بازارم؟

در یک روایت جامع، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ به سؤال زهراى اطهر - علیها سلام الله - در مورد عقوبت کسی که نماز را کوچک می‌شمارد، به بیان عوارض ناشی از این پدیده پرداخته، می‌فرماید:

«ای فاطمه! هر کس از مردان یا زنان به نماز بی‌اعتنائی کند، خداوند او را به پانزده عقوبت مبتلا می‌گرداند که شش عقوبت آن در دنیا است، سه عقوبت هنگام مرگ به سراغ او می‌آید، سه عقوبت در قبر و سه عقوبت دیگر در قیامت آنگاه که از قبر برانگیخته شود، دامنگیر او می‌شود. اما آنچه در دنیا متوجه چنین فردی می‌شود عبارت است از: برداشتن برکت از عمر، برداشتن برکت از روزی، محو

[ صفحه ۱۷۶ ]

سیمای صالحین از چهره و رخسار، بی‌اجر ماندن اعمال، عدم قبولی دعا و عدم مشمولیت دعای نیکان. به هنگام مرگ نیز ذلیل، تشنه و گرسنه خواهد مرد و اگر از نهرهای دنیا بیاشامد، عطش او فرو نخواهد نشست. در قبر هم ملکی او را شکنجه می‌نماید و قبر بر او تنگ و تاریک می‌گردد. همچنین در قیامت او را وارونه بر زمین خواهند کشید، سخت مورد محاسبه قرار می‌گیرد، خدا به او نظر رحمت نخواهد داشت و به عذابی دردناک گرفتار می‌گردد.»

[۷].

[ صفحه ۱۷۷ ]

[۱] بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۹.

[۲] مدثر / ۴۳ - ۴۲.

[۳] قلم / ۴۳ - ۴۲.

[۴] ماعون / ۵ - ۴.

[۵] نساء / ۱۴۲.

[۶] مؤمنون / ۲ - ۱.

[۷] بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۲۳.

## آزمون

۱. اولین سؤال در قیامت از چیست؟
۲. تفاوت تارک نماز و منکر نماز چیست؟
۳. امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال که: «چرا به افراد زناکار کافر گفته نمی‌شود، اما به تارک نماز کافر می‌گویند؟» چه فرمود؟
۴. مصادیق بی‌اعتنایی به نماز را بیان کنید؟
۵. این جمله را کامل کنید و بگویید به چه معنا و از کدام امام است؟ «الهی من کانت محاسنه...»
۶. پیامدهای استخفاف نماز را ذکر کنید؟
۷. معیار شناسایی شیعه از نظر امام صادق علیه السلام چیست؟ ضمن روایتی از ایشان بیان کنید.
۸. چرا خداوند، جز نیکو را نمی‌پذیرد؟ ضمن روایتی، توضیح دهید.
۹. شعر مولوی را درباره توجه به نماز ذکر کنید؟
۱۰. پیامبر چه عقوبت‌هایی را برای استخفاف نماز بیان نمود، پنج مورد را ذکر کنید.

[ صفحه ۱۷۹ ]

## عوامل بی رغبتی به نماز

چه کسانی و با چه استدلال یا ذهنیتی، به نماز رغبتی ندارند؟

آیا می‌توانید عوامل بی‌رغبتی به نماز را قبل از مطالعه‌ی کتاب از دانستنی‌های خود در جدول زیر بنویسید و سپس آن را با داده‌های کتاب مقایسه کنید؟  
جدول ۱۴. عوامل بی‌رغبتی به نماز:

۱.

۲.

۳.

۴.

۵.

اینک به بررسی این عوامل از منظر روایات اسلامی می‌پردازیم.

انسانی که به خوردن غذا یا میوه میل ندارد؛ یا از سلامت جسمی محروم است، یا خاصیت غذا را نمی‌داند و یا عوامل جنبی او را از خوردن غذا باز داشته

[ صفحه ۱۸۰ ]

است. نیایش و نماز، غذای روح است. پس چرا بعضی نسبت به آن بی‌رغبت و بی‌تفاوتند؟! و چه عواملی آنان را از جذب به آن باز می‌دارد؟! در این بخش به بررسی برخی از این عوامل می‌پردازیم.

## گناه و آلودگی

یکی از میراث‌های ارزشمند در فرهنگ اسلامی، دعاها و مناجات‌های به یادگار مانده از ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - است که در ضمن آن‌ها، معارف اسلامی به زبان دعا بیان شده است. در دعای ابوحمزه ثمالی امام سجاد علیه‌السلام به بررسی عوامل بی‌رغبتی به نماز و مناجات پرداخته است و به خداوند تبارک و تعالی عرض می‌کند:

«خدایا! چه شده است که هرگاه با خود می‌گویم آماده نماز شوم و مناجاتی با تو داشته باشم، کسالت را بر من مسلط و لذت مناجات را از من سلب می‌کنی... شاید مرا بی‌اعتنا به ربوبیت خود یافتی و از خود دورم نموده‌ای...

شاید به جرم و گناه یا به جهت بی‌حیایی مرا مجازات نموده‌ای؟ شاید مرا با اهل بطلان مأنوس می‌دانی و انس با نماز را از من سلب می‌کنی.» [۸] .

آری! امام علیه‌السلام، گناه و آلودگی را از عوامل مهم بی‌رغبتهی به نماز معرفی می‌فرماید.

[۸] مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی.

## ناآشنایی با خداوند

شخصیتی که ناشناخته باشد، جاذبه و حریم نخواهد داشت. خدای سبحان در سوره‌ی مبارک حمد، نخست خود را برای جهانیان وصف می‌کند که رابطه‌اش با آنان، رابطه‌ی مالک و مربی است و او به مملوکین و مربوبین خویش سرایا محبت

[ صفحه ۱۸۱ ]

و لطف است و این ارتباط در دار دنیا قطع نمی‌گردد و در جهان آخرت، مرکز همه‌ی توجهات و قدرت‌ها او است و لا غیر. پس از آن که انسان، خدای خویش را شناخت و در پرتو این شناخت، احساس محبت و عشق پیدا کرد، آن گاه می‌گوید: «ایاک نعبد و ایاک نستعین».

آن کس که در برابر دریای بیکران رحمت و لطف الهی سر تعظیم فرود نمی‌آورد و به او احساس محبتی ندارد، او را نشناخته و احساس بیگانگی دارد. پروردگار متعال در سخن خویش، رغبت و عشق به نماز را ناشی از شناخت و محبت به خداوند می‌داند و می‌فرماید:

«یا بن عمران لو رأیت الذین یصلون لی فی الدجی و قد مثلت نفسی بین اعینهم و هم یخاطبون... یا بن عمران کذب من زعم انه یحینی فاذا جنه اللیل نام عنی الیس کل محب یحب خلوة حبیبه؛ [۹] .

ای موسی! اگر آن‌ها که شبانگاهان برای من نماز می‌خوانند، ببینی (درمی‌یابی که گویی) من در پیش چشم‌شان حاضرم و آنان با من به گفت و گو نشسته‌اند... ای فرزند عمران! دروغ می‌گویند آن کس که می‌پندارد مرا دوست دارد، اما چون شب فرا می‌رسد، می‌خوابد. آیا هر محبی، خلوت با محبوب را دوست ندارد؟!»

[۹] امام صادق علیه‌السلام؛ ارشاد القلوب؛ بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۳۹.

## ناآشنایی با فلسفه و معانی نماز

نماز، تجسم باوری از نیازهای درونی انسان است. بنابراین: به پا داشتن آن مبتنی بر درک صحیح از اسرار و فلسفه‌ی آن است. انسانی که نمی‌داند چرا باید نماز بخواند و چه اثری بر آن مترتب است و چه مضامینی در این گفت و گوهای مکرر بازگو می‌شود، بی‌تردید، برای انجام آن، انگیزه و رغبتی ندارد. انسان

[ صفحه ۱۸۲ ]

معمولا در برابر اعمالی تمکین می‌کند که اگر چه به ناروا و غلط، تصویر و باوری قانع کننده از آن داشته باشد و جسم یا روان خود را محتاج به آن بداند.

نیاز، مدار همه‌ی کنش‌ها و محور تمام تلاش‌های انسان است. حتی خوردن و خوابیدن اگر مفید تشخیص داده نشوند، ترک می‌گردند و گرسنگی و بی‌خوابی برای درک منفعت برتر، به نفس تحمیل می‌شود. در میان این همه نیازهای شناسایی شده، اگر نیاز به نماز، یا هر عبادت دیگری ناشناخته بماند، چه چیز می‌تواند توجیه‌کنندگی رغبت و تمایل به آن باشد؟ و چگونه انسان می‌تواند به جای کار یا استراحت، اولویت را به این امر ناآشنا! اختصاص دهد؟ درمان این بیماری در گرو شناخت معانی و اسرار نماز است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «لو تعلم مالک فی صلاتک و من تناجی ما سئمت و ما التفت؛ [۸] اگر بدانی در نمازت چیست و با چه کسی گفت و گو می‌کنی، خسته نمی‌شوی و نماز را به پایان نمی‌بری!» [۸] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۴.

### نشناختن نیازهای خود

بر نیاوردن صحیح نیازها، موجب غفلت از ضرورت‌ها می‌گردد. اگر انسان نیاز به معبود را درک کند و بداند به ثمر رسیدن هر تلاش و کوششی در گرو اراده‌ی خداوند است، از پیوند با او در مقاطع فعالیت‌ها و برنامه‌های شبانه روز دریغ نمی‌کند. او نمی‌داند گره‌های امور او باید در ارتباط با خدا گشوده شود. در برابر چنین نادانی و گمراهی، خداوند به ملایک خطاب می‌کند: «به او بنگرید! سخت در اشتباه است! می‌پندارد نیازهای او به دست کسی جز من است و نمی‌داند فقط من می‌توانم حاجت‌هایش را برآورم.» [۹].

[ صفحه ۱۸۳ ]

آری، قهر با خدا و یاد او، تنها از جهالت نشأت می‌گیرد؛ جهل نسبت به خدا، جهل نسبت به نماز و جهل نسبت به نیازها و فقر خویش؛ و لذا به گمان خود از هر مجالی، برای گریز از خویش، بهره می‌جوید!

به ظلمت، ز نور خدا می‌گریزی!  
تو لب تشنه ز آب بقا می‌گریزی!

خدا خواندت تا عطایت نماید  
چرا بی‌جهت زین صدا می‌گریزی!

ز مادر بود مهربان‌تر خدایت  
تو جاهل، به قهر از خدا می‌گریزی!

اگر می‌گریزی ز بیگانه بگریز  
چرا دیگر از آشنا می‌گریزی!

به هر جا روی سایه لطف یزدان  
به دنبال آید، کجا می‌گریزی!

[۸] وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴.

## دنیا زدگی

کسانی که به استعمال دود تلخ و رنج‌آور سیگار، علاقه‌مند می‌شوند، نخستین بار که به سراغ این سفیر بیماری و پژمردگی می‌روند، با واکنش منفی طبع، ذائقه و دستگاه گوارشی و تنفسی مواجه می‌شوند، اما پس از مدتی چنان تغییر طبع و گرایش می‌دهند، که هیچ چیز به اندازه‌ی سیگار مورد توجه آنان نیست. دیگر از غذاهای لذیذ و مفید لذت نمی‌برند و تنها دود سرطان‌زای سیگار به آنان آرامش می‌دهد. نیازدگی و محبت به دنیا نیز، تاریکی و ظلمتی



است، که زیبایی‌ها و لذت‌های معنوی و عبادی را از ذائقه‌ی انسان می‌برد. پیامبر بزرگ خدا حضرت مسیح علیه‌السلام می‌گوید:

«صاحب الدنيا لا يلتذ بالعبادة و لا يجد حلاوتها مع ما يجد من حب المال؛ [۱].

دنیاپرست از انس با خدا لذت نمی‌برد تا زمانی که حب مال در دل او است.»

امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

[ صفحه ۱۸۴ ]

«كيف يجد لذة العبادة من لا يصوم عن الهوى؛ [۲].

چگونه لذت عبادت را درک می‌کند، آن کس که از هواها خودداری نمی‌کند.»

خدای متعال به حضرت داوود می‌فرماید: «ما لاوليائي و الهم بالدنيا ان الهم يذهب حلاوة مناجاتي من قلوبهم؛ [۳]

اولیای من از نیازدگی دورند؛ همانا دنیا زدگی، حلاوت مناجات مرا از قلب‌های آنان می‌ستاند.»

[۱] بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۱۰.

[۲] غرر الحکم و درر الکلم.

[۳] بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۴۳.

## نداشتن برنامه صحیح درباره‌ی نماز

قرآن کریم، نخستین نشانه‌ی حکومت صالحان را برپا داشتن نماز و ایجاد شرایط اقبال و رغبت می‌شمارد. با آن که پس از استقرار حکومت اسلامی در ایران و تشکیل ستادی با عنوان اقامه‌ی نماز، تلاش‌هایی فراوان با هدف ارتقای فرهنگ نماز در جامعه صورت گرفته و به همین جهت، درصد افراد نمازخوان به شدت افزایش یافته است، مدارس و مراکز فرهنگی و دانشگاهی، معطر به عطر نماز شده‌اند، و... اما همواره ناظران و کارشناسان مربوط، کاستی‌هایی را در زمینه‌ی رغبت و تشویق به نماز مورد توجه و گوشزد قرار می‌دهند. از جمله عناوینی که می‌توانند مبنای پژوهش‌های علمی و بالینی ترویج فرهنگ نماز قرار گیرند و باید همواره مد نظر تمام مسلمانان متعهد باشند، عبارت‌اند از:

– ارتباط رغبت به نماز با اقامه‌ی شکوهمند آن در منظر عمومی.

– نقش معرفی نماز با زبان هنر به جوانان.

- نقش برنامه‌های آموزشی و تربیتی مسجد.

- نقش فضای تربیتی خانواده.

[ صفحه ۱۸۵ ]

- حضور و همراهی والدین با فرزندان در برنامه‌های عاطفی و تفریحی و تأثیر آن در همراهی فرزندان با آنان در برنامه‌های مذهبی (نماز، حضور در مسجد).
  - ارتباط رغبت کارمندان با حضور مدیران و مسئولان آنها در نماز.
  - نقش همنشین در ایجاد رغبت به نماز.
  - ارتباط رغبت فرزندان به نماز با نحوه تشویق و برخورد والدین.
  - نقش محبت اولیا به فرزندان، هنگام اقامه‌ی نماز و ایجاد تمایل در آنان.
  - ارتباط رغبت نسل نو، به نماز، با برخورد اهل مسجد و هیأت امنای آنان.
  - ارتباط عملکرد نمازگزاران در جامعه با بی‌رغبتی یا رغبت جوانان به نماز.
  - ارتباط رغبت افراد به نماز با نظافت و زیبایی‌ها و فضای معنوی مسجد.
  - تأثیر اقامه‌ی نماز در مراکز عمومی بر گسترش فرهنگ نماز.
  - ارتباط رغبت به نماز با نحوه توجیه آثار آن در محافل علمی و آموزشی.
  - تأثیر برخورد، روش و آدابی که امام جماعت القا می‌کند.
  - نقش مؤذن و پیام رسان.
  - تأثیرپذیری فرزندان در فراگیری شیوه‌ی اقامه‌ی نماز از والدین.
  - نقش عرضه و انتشار احوال نمازگزاران مخلص.
  - ارتباط میانه‌روی در عبادت و تداوم نشاط و رغبت به آن.
- در پایان این بخش، نمودارهایی از سنجش عوامل تأثیرگذار در ترویج فرهنگ نماز را، که توسط پژوهشگران در برخی استان‌ها انجام شده، مرور می‌کنیم.
- خداوندا! به آبروی پیامبر و آلش، ما را از اقامه کنندگان نماز مقرر دار.
- توفیق درک حلاوت مناجات و ذکر را از ما دریغ مدار و ما را در جبران کاستی‌های نماز موفق بدار.

## آزمون

۱. چه عواملی از نظر امام سجاد علیه السلام در بی رغبتی به نماز تأثیر دارد؟
۲. چگونگی ارتباط شناخت و رغبت به نماز را توضیح دهید.
۳. خداوند متعال در مورد خفتگان در شب، چه پیامی به حضرت موسی علیه السلام داد؟
۴. آشنایی با نماز در ایجاد رغبت به آن، چه نقشی دارد؟ ضمن روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان کنید.
۵. حضرت مسیح علیه السلام درباره‌ی لذت عبادت و رغبت به آن، چه فرمود؟
۶. روایتی از حضرت علی علیه السلام ذکر کنید، که در آن یکی از عوامل بی رغبتی به نماز اشاره شده است؟
۷. خداوند متعال خطاب به حضرت داوود علیه السلام چه چیز را مانع درک حلاوت مناجات معرفی می‌کند؟
۸. چه عوامل محیطی در بی رغبتی به نماز دخالت دارد؟ آن‌ها را بیان کنید.
۹. در محیط مسجد، چه عواملی در ایجاد رغبت به نماز تأثیر دارد؟
۱۰. در محیط دانشگاه، چه اقدام‌هایی می‌تواند در ترویج فرهنگ نماز مؤثر باشد؟ از متن کتاب و خارج از آن پاسخ گوئید.